وزارت معارف
معینیت نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم و
مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب
تعلیمی و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

زبان دوم



سال چاپ: ۱۳۹۰ هـ. ش.

دری صنف هفتم زبان دوم

ISBN 978-9936-25-015-4
9 789936 250154 >

وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ
معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم
زبان دوم

سال چاپ: ۱۳۹۰ هـ .ش.

مؤلفان

معاون سرمؤلف شکیلا شمس هاشمی عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.
معاون مؤلف وژمه مهرزاد عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.
معاون مؤلف دوست محمد فقیری عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.

ادیتور علمی و مسلکی: عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دری.

ادیتور زبانی: سید محمود خلیق متخصص زبان و ادبیات دری.

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی

- مولوی عبدالصبور عربی.
- دکتور محمد یوسف نیازی
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

کمیتهٔ نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و مرکز ساینس.
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزان: عنایت الله غفاری و محمد سهیل انصاری

بسم الله الرحمن الرحیم



سرود ملی

دا وطن افغانستـــان دی — دا عزت د هـــر افـــغان دی
کور د سولې کور د تورې — هر بچی یې قهرمـــان دی
دا وطن د ټولو کـور دی — د بـــلوڅـــو د ازبکـــو
د پښتـــون او هزاره وو — د تـــرکمنـــو د تاجکـــو
ورسره عرب، گوجـر دي — پـــامیـریان، نورستانیـــان
براهوي دي، قزلباش دي — هـــم ایمـــاق، هم پشـه یان
دا هیـــواد به تل ځلیږي — لـــکـــه لمـــر پر شنه اسمان
په سینـــه کې د اسیـــا به — لـــکـــه زړه وي جـــاویدان
نوم د حق مو دی رهبـــر — وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

معلمان و شاگردان عزیز،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعهٔ هر کشور را تشکیل می دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیه می باشد که مطابق انکشافات علمی معاصر و نیازمندی‌های جامعه وضع می‌گردد، واضح است که انکشافات علمی و نیازمندی‌های جامعه همواره در حال تَطَوُّر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق انکشاف نماید. البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتابی که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، موضوعات علمی مفید در آن اضافه شده، فعال نگه داشتن شاگردان در عملیهٔ تدریس جزء پلان تدریس گردیده است.

امیدوارم تدریس این کتاب با استفاده از روش‌های آموزش فعال مطابق رهنمود ها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گیرد، و اولیای شاگردان نیز در تعلیم و تربیهٔ با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آروزهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای شاگردان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی مسؤولیت خود را صادقانه ادا می‌نمایند.

وزارت معارف همواره تلاش می نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیار های علمی با در نظرداشت نیازمندی های مُبرم جامعهٔ ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت‌های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیهٔ کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائهٔ نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود بیشتر تألیف کتب درسی یاری نمایند.

از همهٔ دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین‌المللی و سایر کشور های دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می‌نمایم.

و من الله التوفیق

فاروق وردگ

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست

درس اول

حمد



شاگردان عزیز،

سال گذشته درمورد ستایش خداوند (ج) مطالبی را آموخته بودید، اکنون نیز تحمیدیه یی را که با توصیف های دلنشین وزیبا جلای خاص یافته است می خوانید.که یکی ازاشعار شاعر بزرگ وتوانای شعر وادب دری، سعدی می باشد، که در حکمت، موعظه و ایراد حکم وامثال از هر شاعردری زبان موفق تر است.

همچنان با «کلمه» آشنا می شوید. حالا بگویید که:

- چرا هر کاری را با نام خداوند (ج) آغاز می کنیم ؟

حمد

ثنا و حمد بی پایان خدا را | که صنعش در وجود آورد ما را
وزانعامت همیدون چشم دارم | که دیگر باز نستانی عطا را
زاحسان خداوندی عجب نیست | اگر خط درکشی جرم و خطا را
خداوندا بدان تشریف و عزت | که دادی انبیاء و اولیاء را
به حق پارسایان کز در خویش | نیندازی من ناپارسا را
خدایا گر تو سعدی را برانی | شفیع آرد روان مصطفی را

محمد سید سادات عالم
چراغ و چشم، جمله انبیاء را

« سعدی»

توضیحات

تحمیدیه: درلغت به معنای حمد وستایش وگفتن (الحمدلله) است واما در اصطلاح ادب، سخن زیبا به شعر و نثر در ستایش خداوند(ج) می باشد.
توضیح بیت چهارم و پنجم: خداوندا به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران ودوستداران خود دادی وبه آن حق که برای پرهیزگاران داری، من ناپرهیزگار را از نظر خویش نیندازی.

قواعد دستوری

درهرکشور ی مردم به زبانی سخن می گویند. دربعضی ازکشورها به جای یک زبان، چند زبان رواج دارد. بیشتر افراد تحصیل کرده به جززبان مادری خود یک یا چند زبان دیگر هم یاد می گیرند. هرزبانی ازکلمه های بسیاری تشکیل شده است. وقتی ما می خواهیم فکری رابیان کنیم، کلمه ها را با هم پیوند می دهیم و از به هم پیوستن کلمه ها جمله درست می کنیم. آن گاه به وسیلهٔ جمله، آنچه را در ذهن داریم برزبان می آوریم. هرزبانی برای خود قاعده هایی

دارد و آموختن قواعد دستوری مارا ازساختار صرفی ونحوی زبان آگاه می سازد و به آموختن هرزبان دیگری یاری می کند و می توانیم زبان های دیگررا به آسانی فرا بگیریم.

مجموع قاعده های هرزبانی را در زبان دری دستور، در عربی صرف و نحو و در برخی زبانهای اروپایی گرامر می گویند. ما که به زبان دری سخن می گوییم، می خوانیم و می نویسیم، باید دستور زبان دری را خوب بیاموزیم. نخست دستور زبان را تعریف نموده و به تعقیب آن با کلمه و اقسام آن آشنا می شویم. دستور زبان عبارت ازعلم تشریح قواعد، قوانین و ضابطه های زبان است.

تعریف کلمه

لفظ معنی دار را کلمه گویند که همواره دارای معنای لغوی می باشد؛ مانند: کتاب، قلم، فریاد و...

خلاصهٔ درس

- خداوندی را ثنا، صفت و ستایش می کنیم که مارا آفرید و هستی بخشید، واز خداوند(ج) می خواهیم که نعمات و بخشش های را که برای ما اعطا کرده از ما نگیرد. کرم و احسان خداوند(ج) عجیب نیست؛ زیرا بخشاینده و مهربان است، گناهان وخطا های بنده های خود را می بخشد. ای خدای بزرگ به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران ، دوستدارن و پرهیزگاران اعطا کرده ای ما را نیز از درگه ات نا امید نگردان .
- دستور زبان علم تشریح قواعد و قوانین زبان است و کلمه لفظ معنی دار را گویند که دارای معنای لغوی و یا دستوری باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- چرا خداوند (ج) را ستایش می کنید؟
- مفهوم بیت های زیررا توضیح دهید:

به حق پارسایان کز در خویش　　نیندازی من نا پارسا را

- به مجموع قاعده های زبانی در زبان دری، عربی وزبانهای اروپایی چه می گویند ؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، بعد در مورد ثنا و صفات خداوند (ج) باهم بحث و گفتگو کنند. بعد از هر گروه یک شاگرد پیش روی صنف آمده به دیگران توضیح دهد.

به دوستانت بگو

- کارها را با نام خداوند (ج) آغاز می کنیم.
- خداوندا به کرم و بخشش تو همیشه چشم داریم.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه درمدتی معین مطالعه کنید.
- متن درس را یکبار به خط خوب درکتابچه های خود بنویسید.
- باهریک از این کلمه ها یک جملهٔ خبری و یک جملهٔ پرسشی بسازید:

حمد، احسان، عزت

کارخانه گی

- در مورد نعمت هایی که خداوند (ج) برای ما ارزانی فرموده است درکتابچه های خود چهار سطر بنویسید.
- خاطرهٔ آغاز سال تعلیمی، آمدن به صنف هفتم ودیدن همصنفان خود را در روز بعد به همدیگر بگویید.

درس دوم

نعت



شاگردان عزیز،

نخستین درس ما ثنا وستایش خداوند (ج) بود. دومین درس خود را با یاد محمد (ص) پیامبر بزرگ اسلام وصفات نیک آن حضرت آغاز می کنیم. پیامبری که خداوند (ج) او را برای راهنمایی بنده گانش برگزید وکلید های دانش و سر چشمه های حکمت را به او بخشید؛ همچنین با کلمه های مستقل آشنا می شویم.

- دربارۀ پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) چه می دانید ؟
- چند صفت از صفات محمد (ص) را می توانید نام ببرید ؟

ازشرق تابه غـــــرب دیار محمد است — درشش جـهت نسیم بهار محمـد است
محروم نیست هیچکس از بحر رحمتش — نیک وبد هرچه است به کار محمـد است
بادشـــمنان خـوی ترحم نموده است — همراه بـد نـکویی شعـار محمد است
هرکس که برنبوتش اقرارکرده اســـت — درقـاف اگـــربود به جـوار محمد است
دوری نـدارد ازدل اخلاصـمند خـویـش — هرچـند درمدیــــنه مزارمحمــد است
نزد خـدا مراتبش عالیست از ملـــــک — هرکس چوویـس عالیست زارمحمد است
درحـــضرت تمیـــم باخلاص مـی روم — دانم که ازصـــــحاب کبـارمحمد است
همراه هرگروه به جهان لطف کرده است — عالم خوش ازمرور ومـدارمحمد اســـت
داری خبرزگردش نعلین شان بـه عرش — آن شمــه یی زقدرووقـار محمد اسـت

«عشقری»

توضیحات

توضیح بیت: در حضرت تمیم باخلاص می روم / دانم که از صحاب کبار محمد است باید گفت: عشقری می گوید من برخاک جابر انصار و شهدای صالحین به خلوص نیت می روم؛ زیرا می دانم که آنها از اصحاب بزرگ پیامبر اند.

ویس قرنی: کسی بود که بیش از حد عاشق وشیفتهٔ دیدارحضرت محمد (ص) بود. گویند هنگامی که خبر شد در جنگ «اُحد» دندان آن حضرت (ص) شهید می شود، تمام دندان های خود را از بین می برد که این نشانهٔ بسیار بزرگ از محبت او نسبت به آن حضرت (ص) بود. با وجودی که آن حضرت (ص) را ازلحاظ ظاهری ندیده بود؛ اما محبت باطنی او درحد بالایی بود. گروهی از مردم پیروان ویس اند که به نام اویسیان یاد می شوند.

قواعد دستوری

کلمه‌های مستقل

کوچکترین واحد با معنای زبان بوده و همواره دارای معنای مستقل و لغوی است. که سه نوع می باشد: ساده، مشتق و مرکب.

۱- کلمهٔ ساده: آن است که تنها یک جزء بوده و قابل تجزیه به اجزای مستقل یا نا مستقل نباشد؛ مانند: زن، مرد، گل، اسپ، بزرگ، خوب و...

۲- کلمهٔ مشتق: آنست که از یک کلمهٔ آزاد و چند جزء بسته ساخته شده باشد؛ مانند: همسفر، فروتن، امروز، نادار و...

۳- کلمهٔ مرکب: آنست که از دو کلمهٔ آزاد تشکیل شده باشد؛ مانند: روز نامه، زردآلو، شور انگیز، سیاه چشم و...

خلاصهٔ درس

دین حضرت محمد (ص) شرق تا غرب را دربر گرفته واز شش طرف نسیم بهاری دین اسلام می وزد. نیک و بد از مهربانی و شفقت او محروم نیستند و شعار او نیکویی و ترحم حتی با دشمنان است، و هر کسی که به پیغمبری آن حضرت اقرار کرده اگر در کوه قاف هم باشد فکر می کند که در پهلوی محمد (ص) است. هرکسی که مثل ویس عاشق و شیدای محمد (ص) است، نزد خداوند (ج) مرتبهٔ عالی دارد. آیا خبرداری از رفتن آن حضرت به معراج ؟ آن فقط ذره یی از عزت و سر بلندی او می باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- برداشت تان را از مفهوم درس بیان نمایید.
- چند صفت نیک پیامبر بزرگ اسلام را از متن درس بیان کنید؟
- این بیت راتوضیح نمایید:

ا ز شرق تا به غرب دیار محمد است　　　درشش جهت نسیم بهار محمد است

- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند. در مورد مفهوم نعت و صفات نیک حضرت محمد (ص) با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند. درآخر نتیجهٔ بحث را از هر گروه یک نفر به دیگران بیان کند.

به دوستانت بگو

- شعار محمد (ص) با دشمنان وبدان ترحم ونکویی است.
- عزت وسر بلندی وبردباری آن حضرت (ص) آنقدر زیاد است که رفتن به عرش خداوندی یا معراج ذره یی از آن است.

بخوان وبنویس

- پیام این بیت چیست؟ بنویسید:

هرکس که بر نبوتش اقرار کرده است　　　درقاف اگر بود به جوار محمد است

- نعت را دقیق بخوانید ومفهوم آن را در چهار سطر بنویسید.

از چهار جواب یکی را تأیید کنید:

لطف به معنای:

– برده باری　– رحم کردن　– مهربانی　– نامهربانی

کارخانه گی

- بیت های اول و دوم نعت را حفظ نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
- واژه های زیر را در جمله های مناسب به کار ببرید:

شعار، مدینه، ترحم، عالم، نیک

درس سوم

زبان دری



شاگردان عزیز،

در درس های سال های گذشته، شما زبان دری خواندید، خواندن، نوشتن آن را فرا گرفتید. درس امروز ما باز هم در مورد زبان دری است. در این درس شما به گونۀ کوتاه با مهد زبان دری و زمان پیدایش آن آشنایی حاصل خواهید نمود.اکنون از شما پرسیده می شود:

- به نظرشما چرا این زبان را دری می گویند؟
- درکدام مناطق افغانستان مردم بیشتر به زبان دری تکلم می کنند؟

در زمانه های خیلی قدیم زبان دری را به نام های پارتی، پرثوی و پهلوی یاد می کردند؛ اما در اوایل دورهٔ اسلامی این زبان را جایی فارسی، جایی دری وجایی دیگر فارسی دری می نامیدند. دانشمندان مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین های دو طرف دریای آمو می دانند. برخی از دانشمندان عقیده دارند که زبان دری برخاسته از پهلوی اشکانی است؛ چون مؤسس خانوادهٔ باختری بلخ ارشک (اشک) نام داشت، پس آنها به نام اشکانیان معروف شدند. شاهان این سلسله مدت ششصد سال درمنطقهٔ وسیعی که شامل افغانستان امروز، سواحل دریای آمو، فارس، عراق و آسیای صغیرمی شد، امپراتوری بزرگی را تشکیل دادند و زبان شان مدت شش قرن زبان رسمی، اداری ومسلط درقلمروآنان بود وحیثیت زبان رسمی ودرباری را داشت؛ بنابر آن به زبان پهلوی اشکانی مسمی شد. بالاخره با ازبین رفتن این سلسله وتحول زبان شان، به نام پرثوی دری یا پارتی دری وسرانجام به پارسی دری معروف گردید. یعنی فارسی اصلاًشکل تغییر یافته ودیگرگون شدهٔ پرثوی یا پارتی است. شمار دیگری از دانشمندان، زبان فارسی دری را از ریشهٔ زبان تخاری می دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماوراء النهر)، تخارستان و شمال افغانستان وسرزمین های آنسوی دریای آمو درسده های اول و دوم هجری به این زبان سخن می گفتند.

با تأ سیس دولت صفاری درقرن سوم هجری زبان فارسی دری رسماً توسط یعقوب لیث صفار مؤسس دولت صفاری به جای زبان عربی زبان رسمی قرار داده شد و ازآن به بعد در دربارهای سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری، مغولی هند، دولت عثمانی و آسیای صغیر رشد وانکشاف نمود وتا امروز حیثیت زبان رسمی و درباری را دارد که مدت درازی درحدود بیشترازیک هزار و پنجصد سال را احتوا می کند. رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاویا وکرانه های رود دانیوب تا گنگا درسواحل هندوستان، زبان شعروادب، سیاست وتجارت گردید و دانشمندان، سخنوران، شاعران وفیلسوفان درطول تاریخ آثار نظم ونثر فراوانی به این زبان آفریدند. البته مردمان و اقوام مختلف وسلطنت های گوناگون نیز درگسترش وشگوفایی آن کوشش بسیار کردند. درمورد این که چرا نام این زبان را «دری» گذاشته اند، نظریات گوناگونی وجود دارد. بعضی آن را به دره نسبت می دهند؛ یعنی زبان دره یی و زبانی که در دره ها تولد یافته و مردم دره ها بدان سخن می گفتند. برخی دیگر آن را به دربار ودرگاه نسبت داده اند؛ زیرا زبان دربار پادشاهان و زبان طبقهٔ حاکم بوده. گروه دیگری ازدانشمندان آن را مخفف زبان «تخاری» می دانند که تخاری به مرور زمان به «تهری» مبدل گردیده؛ سپس چون یکجا شدن حروف {ت }و {هـ } – قبل ازحرف { ر } – درزبان ایجاد ثقلت نموده، آن را به { د }مبدل کرده اند،که واژهٔ «دری» به میان آمده و نام این زبان گردیده است.

امروز زبان پارسی– دری تنها درکشورهای افغانستان، ایران وتاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه دربسیاری ازکشور های آسیایی، اروپایی و امریکایی بیشتر از یکصد وشصت میلیون تن گوینده وشنونده داشته و از شمار زبان های زنده و برازندهٔ جهان به شمار می رود.
باید گفت که زبان فارسی دری را درافغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و درتاجکستان به نام تاجکی یاد می کنند؛ اما حقیقت این است که دری، فارسی و تاجکی همان زبان واحد «فارسی دری» است، نه سه زبان مختلف. و نامهای دری، فارسی و تاجکی نشان دهندهٔ موقعیت جغرافیایی این زبان است، نه بیانگر اختلاف ریشه یی آن.

توضیحات

زبان تخاری: زبانی که در تخارســـتان رایج بوده و تخارستان نامی است که از قدیمترین زمان بریکی از ولایت های شرقی آریانا گفته می شد که ولایت های شمالی افغانستان امروزی و قسمت هایی از مناطق آن سوی دریای آمو را دربر می گرفت.

صفاری، سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری ودولت عثمانی: حکومت هایی بودند که یکی پس ازدیگر، دولت های مستقل و بزرگی را تشکیل دادند ومدتی طولانی حکمروایی داشتند.

یوگوسلاویا: کشوری بود درشرق اروپا که در سالهای اخیر به پنج کشور تقسیم شد.

رود دانیوب: دریایی است که درشرق اروپا موقعیت دارد.

قواعد دستوری

کلمه های نامستقل

در درسهای گذشته گفته بودیم که کلمه یا واژه درزبان دری دونوع است: یکی کلمه های مستقل و دیگری نامستقل.
کلمه های نامستقل واژه هایی را می گویند که معنای لغوی ندارند؛ اما وظیفهٔ گرامری دارند. این نوع کلمه ها نیز به دوبخش «نشانه های ساختمانی» و «وندها» تقسیم می شوند؛ مانند:

- را، و، که، اگر، ولی (نشانه های ساختمانی)

- می، همی، آید، گان، گاه، مند (وندها)

مثال هایی ازنشانه های ساختمانی:

۱- اوکتاب را خواند.

۲- کریم و زلیخا آمدند.

۳- من انتظار می کشم؛ اگر او نیامد خواهم رفت.

۴- شما بفرمایید، بیایید؛ اگر شگوفه نیامد، انتظار او نخواهیم ماند.

۵- من که آمدم، تو آنجا باشی.

مثال هایی هم از وند ها:

۱- غزال به پلخمری می رود.

۲- او نان همی خورد.

۳- شما نان خورده اید ؟

۴- عمر زنده گان دراز باد!

۵- درس های دانشگاه شروع شده است.

۶- وی خیلی دردمند به نظر می آمد.

خلاصهٔ درس

زبان دری در دوران های پیشین به نام های پارتی، پرثوی و پهلوی و بعدها به نام های فارسی و دری که مترادف هم اند به کارمی رود. دانشمندان مهد پیدایش آن را بلخ و باختر و سرزمین های دو طرف دریای آمو می دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماوراء النهر) تخارستان و شمال افغانستان و سرزمین های آن سوی دریای آمو در سده های اول و دوم هجری به این زبان سخن می گفتند.

زبان پارسی در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجکستان به نام تاجکی یاد می شود. دانشمندان، سخنوران و فیلسوفان در طول تاریخ با موجودیت این زبان آثار نظم و نثر فراوان آفریدند و رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاوی و کرانه های رود دانیوب تا سواحل گنگا در هندوستان زبان شعر، ادب، سیاست و تجارت گردید.

کلمه های نامستقل واژه هایی است درزبان دری که وظیفهٔ دستوری دارند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- زبان دری در گذشته به چه نام ها یاد می شد؟
- دانشمندان بستر پیدایش زبان دری را کجا می دانند؟
- زبان پهلوی اشکانی را چرا به این نام یاد می کنند؟
- زبان دری در کدام دوران رشد وانکشاف زیاد نمود؟
- امروز در کجا ها بیشتر به این زبان تکلم می شود؟
- در مورد کلمهٔ «دری» چه نظریات وجود دارد؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و در مورد پیدایش و دوران رشد زبان دری بحث و گفتگو نمایند؛ در آخر نماینده هر گروه نتیجهٔ بحث گروه خود را بیان کند.

به دوستانت بگو

- دانشمندان، مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین های دوطرف دریای آمو می دانند.
- با تأسیس دولت صفاری، یعقوب لیث صفار زبان پارسی دری را به جای زبان عربی به حیث زبان رسمی ودرباری قرار داد.
- امروز زبان دری تنها در کشورهای افغانستان، ایران و تاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و امریکایی نیز گوینده دارد.

بخوان و بنویس

- متن درس را خاموشانه دقیق بخوانید ونکات مهم آن را بیرون نویس نمایید.
- کلمه های زیر را درجمله ها ی مناسب به کار ببرید:

بلخ، مؤسس، پهلوی، دری، پرورش.

جاهای خالی را پر کنید

- دانشمندان..............زبان..........را بلخ و.........وسرزمین های دوطرف.........می دانند.
- از شمار زبان های.......... و........... جهان به شمار می رود.
- امروز............ تنها در کشورهای........... ایران............ منحصر نمانده است.

کارخانه گی

- نکات عمده ومهم درس را از یاد نموده روز آینده دربرابر صنف به دیگران بیان نمایید.
- درمورد دوران رشد وانکشاف زبان پارسی دری واهمیت آن شش سطر بنویسید.

درس چهارم

سرزمین من



شاگردان عزیز،

افغانستان کشوری است که در قلب آسیا موقعیت داشته و جایگاه علما و دانشمندان مشهور بوده در جهان از شهرت خوب برخوردار می باشد و باید در این مورد معلومات به دست بیاوریم. دردرس گذشته راجع به زبان دری موضوعات و مفاهیم را آموختیم اکنون راجع به اقوام، رسوم و عنعنات مختلف این کشور آگاهی حاصل می نماییم.

- در نقشه کجا را می بینید؟
- افغانستان در کجا موقعیت دارد؟

سرزمین من افغانستان است. افغانستان یک کشور اسلامی بوده و درقلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من دارای کوه های بلند و هوای معتدل و چشمه های گوارا است. در افغانستان اقوام مختلف باهم زنده گی می کنند وهمه برای پیشرفت و ترقی وطن عزیز شان کار نموده و تلاش میورزند.

سرزمین من تاریخ درخشان و پنج هزار ساله دارد. مردمان آن شجاع، دلیر و مهمان نواز استند و همواره در برابر تجاوز بیگانه گان با اتحاد و اتفاق می ایستند و برای آزادی و استقلال کشور از دل و جان می کوشند.

سرزمین من روزگاری مراکز اساسی تعلیم و تعلم بوده؛ به گونهٔ مثال: از بلخ (ام البلاد) ، هرات (هری) ، غزنی (غزنه) و غور می توان نام برد. بزرگ مردان، فیلسوفان و دانشمندان افتخار آفرین آن نه تنها در منطقه؛ بلکه در جهان از شهرت زیادی برخوردار اند؛ مانند: ابن سینای بلخی، رابعهٔ بلخی ، مولانا جلال الدین محمد بلخی، عنصری بلخی، علامه سید جمال الدین افغان، سنایی غزنوی، مولانا عبدالرحمن جامی، رحمان بابا، خوشحال خان ختک، خواجه عبدالله انصاری، و صدها تن دیگر از این بزرگ مردان برای غنامندی فرهنگ، پیشرفت و شگوفایی سرزمین شان همواره کار نموده و زحمت می کشیدند. برماست که باهم تلاش نموده و برای زنده گی بهتر و فردای با سعادت از همین حالا درس خوانده و با اتفاق، اتحاد و همبسته گی کامل همه اقوام در کنار هم با روحیهٔ وطندوستی، برادری، فضای صلح و آرامش را فراهم نموده و مصدر خدمت برای کشور خود شویم.

قواعد دستوری

اسم

اسم کلمه یی است که به انسان، حیوان،نبات ویا چیزی ، اطلاق می شود. ویا این طور می توانیم تعریف کنیم اسم نام اشیا واشخاص بوده و دارای خصوصیت های ذیل می باشد:

۱- پسوند جمع را بپذیرد.

۲- نشانهٔ افزایش را بپذیرد.

۳- پسوند ندا را بپذیرد.

۴- پسینه (را)را بپذیرد.

اسم به اقسام آتی تقسیم می شود: اسم ذات ومعنی، اسم خاص و عام، اسم جمع و مفرد، اسم معرفه ونکره، اسم زمان و مکان واسم تصغیر.

درمتن درس کلمه های افغانستان، سرزمین، کوه ها، چشمه ها و وطن اسم اند.

خلاصهٔ درس

سرزمین من افغانستان است، افغانستان یک کشور اسلامی بوده و درقلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من تاریخ درخشان و پنج هزار ساله داشته جایگاه بزرگ مردان فکر واندیشه، علما ودانشمندان مشهور بوده است که نه تنها در افغانستان؛ بلکه در سراسر جهان ازشهرت برخوردار بوده اند ؛ مانند: ابن سینای بلخی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، رابعهٔ بلخی ، سنایی غزنوی، علامه سید جمال الدین افغان و...

فعالیت ها

بشنو و بگو

۱- افغانستان در کجا موقیعت داشته وچگونه آب وهوا دارد؟
۲- ازشهر های مهم افغانستان نام ببرید که روزگاری مهد علم ودانش بوده است.
۳- ازشخصیت های بزرگ کشور ما که شهرت جهانی دارند نام ببرید.
۴- چگونه می توانیم برای وطن خود خدمت نماییم ؟
۵- اسم را تعریف نموده مثال بیاورید.
۶- اسم به چند نوع تقسیم شده است نام بگیرید.
۷- اگر در بارهٔ افغانستان معلومات بیشتر دارید برای همصنفان تان بیان نمایید.
۸- خلاصهٔ درس را به زبان ساده بیان کنید.
۹- دودو نفر شاگرد در بارهٔ رسوم وعنعنات افغانستان باهم مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده و نکات مهم را بیرون نویس کنید.
- دربارهٔ وطندوستی یک مقالهٔ کوتاه بنویسید که ازپنج سطر کم نباشد.
- واژه های درس را در جمله های ساده به کار ببرید.
- جاهای خالی را پرنمایید.
- افغانستان تاریخ............ دارد. مردمان آن..........و..........اند.
- درافغانستان اقوام........ با هم........... می کنند.
- سه جمله بنویسید که در آن اسم به کار رفته باشد.
- درس را به دقت بخوانید و زیر اسم های آن خط بکشید.

جمله های زیر را خانه پری کنید

سرزمین من............. پنج هزار....... دارد.
افغانستان یک................. بوده و در........... موقعیت دارد.

کارخانه گی

دربارهٔ این که در آینده چگونه می توانید برای سرزمین تان مصدر خدمت شوید چند سطر بنویسید.
نکات عمده و مهم درس را حفظ نموده و روز آینده در برابر صنف بیان نمایید.

درس پنجم

زراعت (کشاورزی)



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد سرزمین ما افغانستان که یک کشور زراعتی است چیز هایی را دانستید.در این درس در مورد زراعت و اهمیت آن در کشور آگاهی حاصل می نمایید. همچنان با اسم عام آشنا می شوید. قبل از شروع در س به این پرسش ها پاسخ دهید:

– اگر در یک کشور زراعت وجود نداشته باشد، چه مشکلات ببار می آید؟

– زراعت در اقتصاد یک کشور چه نقش دارد؟

ترقی به منزلهٔ درختی است که زراعت ریشه آن را تشکیل می دهد. صنعت های گوناگون شاخه وبرگ وآرامی میوهٔ آن می باشد.اگر بخواهیم از این درخت برخوردار باشیم واز میوهٔ آن سعادت وآرامی بیابیم، باید در تقویت ریشهٔ درخت توجه کنیم. به وسیلهٔ زراعت نه تنها برای مردم مواد خوراکی تهیه می شود؛ بلکه ترقی صنعت به کشاورزی بسته گی دارد؛ زیرا بیشترمواد اولیهٔ صنعت به وسیلهٔ کشاورزی فراهم می شود.

جای خوشی است،کشور ما افغانستان سرزمینی است که آب وهوای آن برای بار آوردن هرگونه زراعت مساعد می باشد؛ اگر ما همت به خرج دهیم وشیوه های زراعت واستعمال قلبه وکاربرد افزار ماشینی را بیاموزیم، می توانیم یک دهقان زحمتکش بار بیاییم و به محصولات زراعتی خود چندین برابر بیافزاییم.

گرچه از مجموع اراضی کشور ما صرف پانزده فیصد آن قابلیت زرع را دارد متباقی آن یا کوهستانی است ویا فاقد آب ، ریگزار وشوره زار می باشد. با همین وضع، نباید، زراعت در کشور را فراموش نماییم اراضی قابل زرع فعلی ما اگر به وجه احسن مورد کشت قرار گیرد، نه تنها ما را به خود کفایی می رساند؛ بلکه محصولات آن درجملهٔ اقلام صادراتی ما قرار خواهد گرفت.

کشاورز وپرنده

جهان دیده کشاورزی به دشتی | به عمری داشتی زرعی وکشتی
به وقت غله، خرمن توده کردی | دل از تیمار کار آسوده کردی
ستم ها می کشد ازباد وازخاک | که تا از کاه می شد، گندمش پاک
جفا از آب وگل دید خاک وبادی | به هنگام شیاری و حصادی
سحر گاهی هوا شد سرد ز انسان | که از سرما به خود لرزید دهقان
پدید آورد خاشاکی وخاری | شکست از تاک پیری شاخساری
نهاد آن هیمه را، نزدیک خرمن | فروزینه زد، آتش کرد روشن
چو آتش دود کرد وشعله سرداد | به ناگه طایری آواز سرداد
که ای برداشته سود ازیکی شصت | در این خرمن مراهم حاصلی هست
نشاید کاتش اینجا برفروزی | مبادا خانمانی را بسوزی
بسوزد گرکسی این آشیان را | چنان دانم که می سوزد جهان را

(پروین اعتصامی)

توضیحات

• صنعت: واژهٔ عربی است به معنای کاربرد مهارت وسلیقه در جلوهٔجمال به وسیلهٔ تقلید و یا ابتکار. به عبارت دیگر صنعت وسیله یی است که بشر بدان عقیده خود را راجع به کمال بیان کند. آهنگ سازی موسیقی دانان را نیز صنعت می گویند؛ همچنان صنعت به معنای تغییر کلی می باشد که بوسیلهٔ بشر در مواد طبیعی به وجود میاید. مثلاً: تبدیل گندم به آرد، تبدیل پنبه، پشم وابریشم به پارچه، استخراج نفت وفلزات وجمع آن صنایع است. امروز بیشتر به اموری که توسط ماشین اجرا می شود و سرمایه گذاری ها در امور تولیدات ماشینی را صنایع می گویند.

• کشاورز: (کشت +ا + ورز) یا کشت ورز است که از آن کشاورز ساخته شده است. معادل این واژه در زبان عربی زارع است. کلمهٔ کشاورز در لهجه های دری، تاجکی و فارسی وجود دارد ونیز کلمهٔ کشاورزی معادل کلمهٔ زارعت عربی می باشد.

• پروین اعتصامی: در سال (۱۲۸۵) هـ. ش . در ایران متولد و با سپری نمودن (۳۵) بهار زنده گی به حیات پدرود گفت، وی معروفترین شاعرزمان خود بود، این دختر از کودکی به شعر گفتن لب گشوده بود. وی در قصایدش از حیث الفاظ پیرو سبک شاعران قرن های پنجم وششم به ویژه پیرو حکیم ناصر خسرو بوده است. اشعار وی ساده، اندیشه هایش نو ومتضمن نکات اجتماعی، اخلاقی و ا نتقادی بوده تمثیلات، مناظرات واندرز های حکیمانه وتفکر اومایهٔ شگفتی است.

قواعد دستوری

اسم عام چیست؟

اسم عام آن است که بین افراد هم جنس مشترک است وبرهریک از آنها دلالت کند، مانند: مرد، زن، پسر، دختر، اسپ، گاو، باغ، درخت، قلم و ...ناگفته نگذریم که اسم جنس را نیزاسم

عام گفته اند که عبارت از نامی است برهمه افرادی که ماهیت مشترک دارند.
اکنون در این جمله ها نام های عام را مثال می آوریم:

- دیروز پنج جلد کتاب خریدم.
- هرخانه چهار دیوار دارد.
- درصنف های پوهنتون کابل دختر ها و پسرها درس می خوانند.
- در باغ ها گل ها ودرخت ها را باغبانان ها تربیه می کنند.

خلاصهٔ درس

زراعت ریشهٔ درخت زنده گی انسان ها می باشد ونیز بنیاد صنعت هاست. کشور ما دارای آب وهوای مساعد به زراعت یا کشاورزی است. ما با کار می توانیم محصولات زراعتی وطن خود را ا فزایش دهیم.

اسم عام یا اسم جنس آن است که مابین افراد هم جنس مشترک باشد؛ مانند: دختر، گل.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- دو دو شاگرد نزدیک تختهٔ صنف بروند ودر بارهٔ زراعت باهم محاوره کنند.
- شاگردان این جمله ها را بشنوند:

افغانستان کشور کثیرالاقوام است. هرقوم برادر قوم دیگر می باشد؛ زیرا همه افغان اند ووطن واحد دارند. به آبادی وترقی هر ولایت آن، هرقوم خوش می شود. از جنگ ودوام جنگ افراد هر قوم نفرت دارد. آنها می دانند که صلح آبادی و ترقی می آورد و جنگ تباهی را نصیب وطن و وطنداران ما می سازد.

شاگردان به این سؤال ها پاسخ دهند:

- وطن ما افغانستان از نظر اقوام چگونه است؟
- هر قوم به قوم دیگر چه وجوه مشترک دارند؟
- در کشوری که زمین هایش زیر پوشش زراعت خشخاش قرار گیرد به مردم آن چه ضرر می رساند؟

بخوان و بنویس

- یک یک بیت شعر پروین اعتصامی را شاگردان به نوبت بخوانند ومعلم محترم تصحیح کند.
- برای شاگردان املا گفته شود:
- متضاد این کلمه ها را بنویسید:

۱- ترقی

۲- سعادت

۳- توانایی

۴- سحر

۵- پاک

نام اشیا و افزاری که در کشاورزی به کار می رود، فهرست کنید:

۱-.................... ۲-...........................

۳-.................... ۴-...........................

۵-.................... ۶-...........................

جاهای خالی را باکلمه های مناسب پر کنید:

۱- ما با کار میتوانیم............ زراعتی را افزایش دهیم.

۲- افغانستان سرزمینی است که........... و............ آن برای زراعت مساعد است.

- مفهوم این بیت را در دوسطر بنویسید:

بسوزد گر کسی این آشیان را　　　چنان دانم که می سوزد جهان را

کارخانه گی

- در بارهٔ وضعیت زراعت کشور چند سطر نوشته ، ساعت بعدی به صنف بیاورید.



درس ششم

ترانهٔ بهار



شاگردان عزیز،

فرارسیدن موسم بهار با تمام زیبایی های آفرینش از یکسو و آوردن پیام پایان گرفتن سرمای زمستان از سوی دیگر، برای انسانها از هر جهت مایهٔ شادمانی و سزاوار جشن و پایکوبی است. بهار در حقیقت بیان رنگارنگ وجد و سروری است که به همراه نوزایی طبیعت، تمامی کاینات را در بر می گیرد و هر مخلوقی به تناسب شرایط حیات مادی و معنوی خود به گونهٔ ویژه برگزار می نماید. اکنون شما بگویید که:

۱. چرا فصل بهار را موسم نوزایی طبیعت می گویند و چه معنی دارد؟

۲. به نظر شما فرارسیدن بهار و نوروز را چگونه باید تجلیل کنیم؟

بهارفصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است. کاروانهای غچی و پرستو با پروازهای خود درآسمان، فرا رسیدن بهار را مژده می دهند و موجودات زنده را به جنبیدن و شوروتحرک تشویق می کنند. با آمدن بهار همهٔ موجودات طبیعت شاد، خرم و سر سبز می شوند و زنده گی تازه یی را آغاز می کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی ها و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز مانند همان باغبان، کمرهمت بندیم و کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقهٔ خود بزنیم و بالاخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم پس این وظیفهٔ ماست که دست به دست بهار داده و وطن خود را سرسبز، شاداب، خرم و آباد سازیم.

چون پـرند نـیلگون بر روی پوشـد مـرغزار
پرنیان هفـت رنـگ اندر سر آرد کـوهسـار
خاک را چون نـاف آهـو مشک زاید بی قیاس
بید را چون پر طوطی بـرگ روید بی شمار
دوش وقــت صـبحدم بـوی بـهـار آورد بـاد
حـبذا بـاد شــمال و خــرمـا بــوی بـــهار
بـاد گـویـی مـشک سـوده دارد انـدر آستیـن
بـاغ گـویـی لـعبـتان جـلـوه دارد بـر کنـار
نـسـتـرن لـولـوی بیـضا دارد انـدر مـرسـله
ارغـوان لـعل بـدخشی دارد انـدر گـوشـوار
تا بر آمد جام های سـرخ مُـل بـر شـاخ گـل
پنجه های دست مردم سر فراز کـرد از چنـار
باغ بوقلـمون لـباس و شاخ بوقلـمون نمـای
آب مـرواریـد گـــون و ابـر مـــرواریـد بـــار

«فرخی»

توضیحات

مشک: ماده یست معطر که از کیسه های مشکین به اندازه یی تخم مرغ یا نارنج از زیر شکم آهوی ختایی گرفته می شود. مشک دو نوع است: مشکی که در نافه است و دیگر مشکی که از نافه خارج شده به موادی خارجی آمیخته باشد. که ارزش نوع اول نسبت به دوم بیشتر است.

قواعد دستوری

اسم خاص

به جملات زیر نگاه کنید:

- رابعهٔ بلخی از جملهٔ شاعر زنان بلند آوازهٔ قلمرو شعر وعرفان کشور ماست.
- چهرهٔ مهتاب در زیر ابر پنهان شده است.
- برادرم در کانادا زنده گی می کند.

در سه جملهٔ بالا واژه های «رابعهٔ بلخی»، «مهتاب» و «کانادا» اسم های خاص استند؛ زیرا وقتی ما این اسمها را می شنویم در ذهن ما تنها یک موجود معلوم نقش می بندد؛ مثلاً: اگر «درخت» بگوییم، سؤال مطرح می شود که کدام درخت؟ پس اسم خاص را چنین تعریف می کنیم: اسم خاص به اسمی گفته می شود، که برموجود معلوم و مخصوصی دلالت کند؛ یعنی وقتی ما آن اسم را می شنویم، صرف یک موجود معلوم و مشخص در ذهن ما خطور کند؛ مانند: ابن سینا، کابل، مهتاب، افغانستان، آسمان و...



خلاصهٔ درس

بهار فصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است.با آمدن بهار همهٔ موجودات طبیعت شاد، خرم و سر سبز می شوند و زنده گی تازه یی را آغاز می کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی ها و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقهٔ خود بزنیم و بالاخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم.اسم خاص به اسمی گفته می شود که بر موجود معلوم و مخصوص دلالت کند. مانند:کابل ، مهتاب و...

فعالیت ها

بشنو و بگو

- در بارهٔ بهار، ویژه گیها و تفاوتهای آن با سه فصل دیگر مباحثه و گفتگو کنید؟
- با مطالعهٔ متن درس سه اسم خاص را ازان استخراج نموده و آن را در جمله ها به صورت شفاهی به کاربرید.
- مردم منطقهٔ شما دربهار چه نوع میله هایی را برپا می سازند؟
- معنای واژه های نیلگون، مرغزار، مشک، لعل، بوقلمون و نسترن را بگویید.

بخوان و بنویس

- خلاصهٔ درس را نظر به برداشت خود در کتابچه های تان بنویسید.
- پنج ا سم خاص را خارج ا ز متن درس پیدا کرده و آن را د رجمله ها به کار برده در کتابچه های خود بنویسید.

کارخانه گی

- شاگردان سطرهای شعر ازمتن درس را در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان این ابیات را حفظ کنند.

چشـم واکـن رنگ اسـرار دگـر دارد بهـار　　آنچه در وهمت نگنجد جلـوه گردارد بهـار
لاله داغ و گل گریبانچاک و بلبل نوحه گر　　غیر عبرت زین چمن دیگرچه بر دارد بهار

«بیدل»

درس هفتم



عایشهٔ درانی

شفق را لاله گون دیدم نماز شام درگردون
مگر خورشید را کشته کـه دارد دامن پرخون

شاگردان عزیز،

در درس های سال گذشته با یک تعداد از زنان برجسته در عرصهٔ شعر وادب آشنا شدید. اکنون در این درس با یکی دیگر از این چهر ه ها که در عرصه شعر وادب ماندگار است آشنامی شویم. واین چهرهٔ درخشان عایشهٔ درانی است؛ همچنان با اسم مفرد و جمع آشنا می شویم. اکنون ازشما پرسیده می شود که:

آیا می توانید نام چند شا عر زن در کشور ما را بگیرید ؟

تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن نه تنها مردان؛ بلکه زنان نیز نقش تاریخی شان را درروند پیشرفت ادبیات ایفأ نموده اند. زنان که نیم پیکر جامعه را تشکیل می دهند. با کارکرد های شان همواره توانمندی شان را درهمه عرصه های زنده گی چه درعرصهٔ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی وسیاسی به خرج داده و چرخ اجتماع را دوشادوش مردان به حرکت آورده، درروند تکاملی جامعه با احساسات و عواطف پاک شان موفقیت های زیادی را نصیب جامعه بشری نموده اند.

زنان مبارز افغان همواره در دفاع ازخاک و سرزمین شان دوشادوش مردان به مبارزه پرداخته و افتخارات زیادی را کسب نموده اند که از آن جمله می پردازیم به معرفی یک تن از این زنان قهرمان که عایشهٔ درانی نام دارد.

عایشهٔ درانی از جملهٔ شاعران برجستهٔ دورهٔ سدوزایی ها بود، که در تاریخ ادبیات دری نام جاودانی ازخود به یادگار گذاشته است. وی دختر یعقوب علی خان توپچی باشی بوده و از قوم بارکزایی است. تاریخ تولد او دقیق نیست و در این مورد نظری وجود ندارد؛ اما سال وفاتش را ۱۲۳۵ هـ می دانند.

پدر و جد او در دستگاه دولتی احمد شاه و تیمورشاه منصب توبچی باشی را داشته اند. خانوادهٔ او در اونچی باغبانان کابل زنده گی می کردند. عایشه، در بیست سالگی به سرودن شعر آغاز کرد و اکثر علوم متداول آن روز گار را فرا گرفت و به سرودن کلام موزون پرداخت.

این شاعرزبر دست، صاحب دیوان قرن ۱۳ هــ.ق. افغانستان بوده ودرکسب علم و معرفت همت گماشت و در ادبیات مهارت و شهرت زیاد حاصل نمود. اشعار او توجه تیمور شاه را به خود جلب کرد و او را در قطار شاعران دربارش مورد نوازش و اعطای صلات گران بها قرارداد.

گویند روزی در حضور آن پادشاه شاعر پیشه و شعر دوست شاعران دربارهٔ شفق، داد سخن میراندند. این بانوی گرامی چنین توصیفی از شفق به عمل آورد:

شفق را لاله گون دیدم نماز شام درگردون
مگر خورشید را کشته که دارد دامن پرخون

این بیت حیرت بارآورد و در خور تحسین دانسته شد.

دیوان عایشه مشتمل است بر انواع شعر از نظر شکل که درسنهٔ ۱۳۰۵ هـ. به امر امیر عبدالرحمن خان در کابل به طبع سنگی چاپ شد و نسخه یی از آن موجود است. این دیوان حاوی سه هزار بیت می باشد و به خاطر ساده بودن و روان بودن آن که در عین حال از استحکام نیز برخورداری دارد، مورد علاقهٔ بسیاری از مردم قرار دارد. مجموع اشعار وی در حدود شش هزار بیت است.

دوران پخته گی و کمال عایشه در شعر سرایی با روزگار فرمانروایی شاه محمود مصادف است و این امر بارها در اشعار او بازتاب یافته است. شاه محمود در اشعار عایشه گاهی مورد ستایش و زمانی طرف انتقاد واقع می شود، و انتقاد او نیز دلایلی دارد که بعداً به آن می پردازیم.

اشعارعایشه دو دوره دارد. دورهٔ اول بیانگرعشق، خوشی وامید به زنده گی است؛ ولی گفتار دورهٔ دوم او سراسر با ناله و فریاد، شکایت و انتقاد ملازمه است؛ زیرا در این دوره یگانه پسرش را که فیض طلب نام داشت در جنگ کشمیر درسال ۱۲۲۷ هـ. از دست می دهد، و این تلـــخ ترین حـــادثهٔ زنده گی اوست. پس از این واقعه است که آثارش به خود رنگ حزن انگیز را می گیرد. و به همین لحاظ شاه محمود در اشعار او مورد انتقاد واقع می شود. این حادثه سبب شد که عمر دورهٔ دوم زنده گیش نیزخیلی کوتاه گردد. چنانچه هشت سال بعد از مرگ پسرش چشم از جهان بست.

و اینک یک شعر او را به حیث نمونهٔ کلام انتخاب نموده ایم:

نمونهٔ کلام

بتا به گلشن جنت روم چســان بی تو	مــرا که دوزخ ســـــوزان بـــود چنان بـــی تو
قسم که جز سر کویت به نیـم جـونخـرم	اگـر دهـنـد به مـن حشـــمت کیــان بـی تو
سحربه یاد وصالـت شدم به طرف چمـــن	کــــه بـود بلبـــل شـوریـــده درفغـان بی تو
به پیش شمع رخـت جان دهم چو پروا نه	نــگرکـه ســوخت مرا مغز استخـــوان بی تـو
نز ا کت چـمن دهـر از گــل رویـــت	بهـارعـمرگرامـی شـــده خـزان بـی تو
هزارحیف که بی وصـل دوسـت می گذرد	کــــه نیست زینت وهـــم زیب گلرخان بی تو
شکیب وطـاقت وصبروقراروهوشـــم رفت	بـبـــاد رفـت مـرا جملــه خـــا نما ن بی تو
شود زبـان سرموی وکجـا توانم گــفت	چـــــگونه می گـــــذرد ساعت و زمان بی تو

زهجر ووصل توام نیست طاقت گفتار
گـداخت عایشه را نیز جسم وجان بی تو

توضیحات

شهکار های ادبی: آثار بی نظیر، بزرگ ونمایان در سطح جهان، مثل: شهنامهٔ فردوسی، بینوایان ویکتور هوگو وغیره.

توپچی باشی: کلان سربازانی که پشت توپ قرار می گرفت.

تیمور شاه: پسر احمد شاه با که بین سالهای ۱۷۷۲ – ۱۷۹۳ میلادی پادشاهی نموده است.

قواعد دستوری

اسم مفرد و اسم جمع

اسم وقتی مفرد است، که بر یک موجود دلالت کند؛ مانند: گل، آفتاب، کتاب، میز وغیره.

اسم وقتی جمع است، که بر بیش ازیکی دلالت کند، وعلامت آن در زبان دری / ان / و / ها / است که به آخر واژه ها می افزایند. درزبان دری بعضی ازواژه ها را تنها با / ان / جمع می بندند وبرخی را به / ها / وبعضی دیگر را به / ان / و / ها / جمع کنند.

– جانداران، را به / ان / جمع کنند، مانند: مردان، مرغان.

– جماد واسم معنی، با / ها / جمع بسته می شود؛ مانند: کتاب ها، خوبی ها.

– نباتات به / ان / و / ها / جمع شوند، مانند: درختان، درخت ها.

خلاصهٔ درس

عایشهٔ درانی ازجملهٔ شاعران برجستهٔ دورهٔ سدوزایی بود. دربیست سالگی به سرودن شعر پرداخت. ازجملهٔ شاعران دربار تیمور شاه بود. صاحب دیوان قرن ۱۳ هجری افغانستان بوده ودر ادبیات

مهارت وشهرت زیاد حاصل نمود. مجموعهٔ اشعارش شش هزار بیت دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- عایشهٔ درانی شاعر کدام دوره است ودیوان وی حاوی چند هزار بیت می باشد؟
- اشعار عایشه چند دوره دارد، هر دوره بیانگر چه است ؟
- شعر سرایی عایشه در کدام دوران به پخته گی رسید؟
- زنان در تاریخ ادبیات چه نقشی دارند ؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند ودر بارهٔ زنده گی و آثار عایشهٔ درانی ونقـــش زنان در تاریخ ادبیا ت کشور عزیز ما بحث وگفتگو نمایند. در آخر نمایند ۀ هر گروه نتیجهٔ بحث گروه خود را بیان نماید. نتیجهٔ بحث ها به صورت سؤال وجواب باشد.

به دوستانت بگو

- تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن زنان نیز نقش تاریخی را در روند پیشرفت آن ایفا کرده اند. و در دفاع از خاک و سر زمین شان مبارزه کرده و افتخاراتی را کسب نموده اند از جمله می توانیم که از عایشهٔ درانی نام ببریم.

بخوان وبنویس

بیت زیر را دقیق بخوانید وبنویسید که پیام آن چیست؟

قسم که جز سر کویت به نیم جو نخرم — اگر دهند به من حشمت کیان بی تو

- مفهوم این بیت را بنویسید:

بتا به گلشن جنت روم چسان بی تو — مرا که دوزخ سوزان بود چنان بی تو

ازچهار جواب یکی را تأیید کنید.

مجموع اشعار عایشه در حدود:

الف: سه هزار بیت است (   )

ب: هشت هزار بیت است (   )

ج: شش هزار بیت است (   )

د: چهار هزار بیت است (   )

• عایشهٔ درانی از جملهٔ شاعران در بار یکی ازاین پادشاهان بود:

الف: احمد شاه (   )

ب: سلطان محمود غزنوی (   )

ج: تیمور شاه (   )

د: امیر علی شیر نوایی (   )

کارخانه گی

• شاگردان به کلمه های زیرتوجه نمایند و بنویسند که چه نوع اسم ها اند. بعد هر کلمه را در جملهٔ مناسب به کار ببرند:

مردان، قهرمان، شاعر، زنان، دختر، باغبانان، کابل، پادشاه، گلها و جهان

درس هشتم

حکایت دل من دربرابر مادر



شاگردان عزیز،

در درس گذشته با عایشهٔ درانی آشنا شدید. درس امروز ما بزرگداشت و تجلیل از مقام والای مادر است. موجودی که شاهکار آفرینش است و خداوند (ج) خود بر اطاعت و فرمانبرداری او فرمان داده است. در درس امروز مادر را ستایش می کنیم و مقامش را ارج می نهیم؛ همچنین با اسم بسیط آشنا می شویم؛ اما پیش از شروع درس از شما می پرسیم:

– اگربخواهید بهترین هدیه را به مادرتان تقدیم کنید، چه چیزی را انتخاب خواهید نمود؟

– چرا مقام مادر والاترین مقامهاست ؟

– چرا جنت زیر پای مادران است؟

امروز، روز توست. روز از تو سرودن؛ از تو گفتن؛ و برای تو نوشتن؛ اما از تو سرودن و گفتن قلمی توانا و هنری بی همتا می‌خواهد که من فاقد آنم. تو بزرگتر از آنی که قلم بشکسته ای چون من؛ یارای صعود به مقام والاات را داشته باشد؛ اما فخر خاکساری درگاهت رفیعتر از آن است که بتوانم از لذت آن دل بکنم. پس با همین قلم شکسته و با همین واژه های نارس از تو و به عشق تومی نویسم. مادرم ای عزیزترین ! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود، از آن روزی که تپش قلبت تنها صدای آرامبخش دوران تنهایی من بود. ازآن هنگام که کار هر صبح و شام من شمردن نفس های پر مهرت بود می شناسم. تو را از آن نیمه شبهای پر التهاب که نفس درنفس من تا صبح سلامتم بیدار می نشستی؛ تو را از آن دو چشم پر مهر و اشتیاق وهمیشه نگران می شناسم. نمی دانم چرا تا اسمت را می برم چشمهایم به اشک می نشیند. نمی دانم چرا تا به تو می اندیشم بغض راه گلویم را می گیرد. شاید از آن جهت است که به یاد می آورم دردهای بی پایانت را؛ چهرهٔ خسته ات را؛ چین های عمیق پیشانیت را؛ موهای سفید شده ات را؛ و آن خندهٔ محزون که همیشه سعی می کنی برای آرامش من زینت صورتت باشد؛ و آن دستها؛ آن دست های پرچین و چروک خسته ات را آه اگر می دانستی چه لذتی دارد بوسیدن آن دستهای خستهٔ مهربان؛ هرگز مرا از این لذت منع نمی کردی. چه کنم که بضاعت بیان حق شناسی سزاوارنه ات را ندارم. چه کنم که توشه یی بیش از این در کوله بارم نیست. چه کنم که نه کلام من؛ که اقیانوس کلمات هم نمی تواند ترا وصف کند. پس چون همیشه سخاوتمندانه همین دلواژه ها و سروده های نارسم را بپذیر و همای سعادت ستایشت را برشانه های لرزانم بنشان.

گردون نتوان گرفت جای مادر — فردوس برین به زیر پای مادر
خورشید ومه وستاره و چرخ فلک — هر لحظه کنند اقتدای مادر

ای مادر اگر قدر تو نشناختمی — پاک هر دو جهان خویشتن باختمی
گرسجده روا بدی به پای مادر — هردم به عبادت تو پرداختمی

سلطان و وزیر و شاه و افسر بودن — یا مالک صد خزینهٔ زر بودن
حقا که نیرزد به پشیزی هرگز — یک لحظه بدون مهر مادر بودن

قواعد دستوری

اسم بسیط یا ساده

اسمی است که متشکل از یک کلمه باشد و دارای جزء دیگری نباشد؛ مانند: خانه، گل، مکتب، آسمان، دیوار، آب.

خلاصهٔ درس

امروز روز مادر است، روزی که باید برای تو بسرایم، بگویم و بنویسم، اما؛ قلم من از سرودن و گفتن در مورد تو عاجز است؛ زیرا برای سرودن و گفتن در مورد تو قلم توانایی می خواهد.

مادرم ای عزیز ترین! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود می شناسم، تو را از آن دو چشم پر مهر واشتیاق وهمیشه نگران ات می شناسم. نمی دانم چرا تا اسمت را می برم چشمایم به اشک می نشند و بغض را ه گلویم را می گیرد، شاید به خاطر که به یاد می آورم درد های بی پایانت را، چهره خسته ات را، موهای سفید شده ودست های پر چین وچروک، خسته اما مهربانت را که بوسیدنش برایم لذت بسیار دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- مفهوم این جمله را توضیح دهید.
- تو بزرگتر از آنی که قلم بشکسته یی چون من؛ یارای صعود به بارگاه آسمانیت را داشته باشد.

- بیت زیر را بخوانید وبگویید چه مفهوم دارد؟

گردون نتوان گرفت جای مادر　　　فردوس برین به زیرپای مادر

- به نظر شما در میان مادران چه کسی می تواند مقام بهترین مادر را کسب کند؟
- در گروه های چهارنفری در مورد دو پیام با ارزش این شعر باهم گفتگو نمایید، نتیجهٔ سخنان را یک نفر نماینده از هر گروه پیش روی صنف بیاید به دیگر ان بگوید.

به دوستانت بگو

- بهشت زیر پای مادران است.
- مادران شمع و چراغ خانه اند. «حضرت محمد (ص)»

بخوان وبنویس

- متن درس را بخوانید و واژه های جدید آن را بیرون نویس نمایید.
- خلاصهٔ درس را درسه سطر بنویسید.
- متن درس را بخوانید و پنج اسم بسیط را ازآن بیرون نویس کنید.
- نام پنج شاعرزبان دری را بنویسید وبه آواز بلند بخوانید.
- از اشیای داخل صنف تان پنج اسم بسیط را پیدا کرده و آن را درجمله ها استعمال کنید.

کارخانه گی

- دربارهٔ مقام مادر مقاله یی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.
- مفهوم رباعی دوم را در چهار سطر درکتابچه ها ی خود بنویسید.
- این رباعی را حفظ کنید:

ای مادر اگر قدر تو نشناختمی　　　پاک هر دو جهان خویشت باختمی
گر سجده روا بدی به پای مادر　　　هر دم به عبادت تو پرداختمی

درس نهم

مکتب



دردرس های سال های گذشته درمورد اصول و نظم در مکتب مطالبی را آموخته بودید، اکنون در این درس در مورد مکتب و مؤثریت آن در زنده گی روزانه و اهمیت آن در اجتماع آشنا می شویم؛ همچنان اسم مرکب را در لابلای درس می آموزیم. قبل از شروع درس به این پرسش ها پاسخ دهید:

- چرا به مکتب می روید؟
- مکتب نرفتن چه ضرر هایی را در زنده گی اجتماعی به بار می آورد ؟

مکتب در لغت محل کتابت، جای خواندن و نوشتن، جای آموختن ودرسخانه می باشد. مکتب جای است که فرزندان کشور عزیز ما در آن به آموختن علم و دانش می پردازند. در گذشته که تعداد مکتب ها کم بود اکثر مردم از نعمت سواد بی بهره بودند و با دشواری های زیاد روبرو می شدند. وقتی مکتب های بیشتر ایجاد شد، باب نور و معرفت بیشتر به روی مردم گشاده شد و اسباب فیض سعادت را به دست می آوردند. فراگیری علم وجیبهٔ هر مرد و زن مسلمان است، چنانکه حضرت محمد (ص) فرموده اند: ((طلب العلم فریضه علی کل مسلم ومسلمه)) طلب علم بر هرمردو زن مسلمان فرض است. پس بر والدین است تا فرزندان خود اعم از پسر و دختر را به مکتب بفرستند و آن ها را از نعمت سواد محروم نسازند. وقتی فرزندان به مکتب بروند علم می آموزند و با نور عرفان علم و دانش آراسته شده به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا نموده نیک نام و با عزت حیات را به سر می برند. هرگاه از فیض سواد برخوردار باشند زنده گی را با به کار انداختن نیروی جسمی و فکری بهتر و خوبتر درک می نمایند. در تمام جوامع هر گونه پیشرفت و انکشاف را مرهون بازوهای توانا و اندیشه و فکر افراد دانا و فهمیدهٔ خود می دانند. طوری که دیده می شود، در جهان امروز این تلاش ها بیشتر گردیده و کاروان تمدن با پدیده های جدید و شگفت انگیز برق آسا پیش می رود که زیر بنای همهٔ این پیشرفت ها پیشرفت علم و دانش است. همه می دانند در کشوری که مکتب زیاد باشد و سطح علم و دانش بالا باشد فیصدی با سوادان بیشتر بوده و به همان اندازه پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وغیره بالاتر و روز افزون می گردد. از همین سبب در کشور ما علاوه بر مکاتب رسمی و خصوصی مراکز سواد آموزی نیز ایجاد گردیده است ،که خوشبختانه تعداد زیادی شاگردان در آن درس می خوانند و از فیض علم و دانش برخوردار می شوند. پس به این نتیجه می رسیم فردی که مکتب برود، سواد می آموزد، دانش می اندوزد و به زنده گی مرفه و آرام دست می یابد و به صفت یک شخص بادانش، نیکو کار و مفید د رجامعه تبارز می کند؛ چنانکه شاعران افغان و شاعران دری گوی جهان، مکتب رفتن و فواید آن را در اشعار ناب شان بیان کرده اند:

از فیض یزدان پاک است مکتب　　بر لعـل عرفـــان، کان است مکتب
بی مکتــــبان را نبــــود حیاتی　　آب است مکتــب، نان است مکتب
سعد است مکتب چند است مکتب　　عزم است مکتـب، شان است مکتب

«صدر الدین عینی»

توضیحات

مکاتب خصوصی: مکاتبی که آموزش شاگردان افراد در آنجا با پرداختن پول صورت می گیرد.
مکاتب رسمی: مکاتبی که آموزش از طرف دولت رایگان است.

قواعد دستوری

اسم مرکب

اسمی است که بیش از یک کلمه بوده و قابل تقسیم به دو بخش یا بیشتر باشد؛ مانند: قلمدان، کتابخانه، دلتنگ، دل افروز...

خلاصهٔ درس

مکتب در لغت محل کتابت را گویند، مکتب جای است که علم و دانش را می آموزیم و از نعمت سواد برخوردار می شویم.

فراگیری علم و دانش بر هر مسلمان فرض است، پس بر والدین است تا فرزندان خود را اعم از دختر و پسر به مکتب بفرستند؛ زیرا فرزندانی که مکتب بروند و علم بیاموزند، با نور عرفان علم و دانش آراسته شده به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا نموده نیک نام و با عزت حیات بسر می برند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- مکتب به معنای چیست؟
- فرق بین مکتب و خانه چیست؟

- چرا انسانی که مکتب می رود. مقام و منزلت بالا دارد؟
- مفهوم بیت زیر چیست؟

درس معلم ار بود زمزمهٔ محبتی　　　جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

- در گروه های چند نفری در بارهٔ خوبی های مکتب رفتن، درس خواندن و زیان های مکتب نرفتن و بی سوادی باهم گفتگو نمایید. در اخیر نتیجهٔ صحبت ها را یک یک شاگرد از هر گروه به همصنفان بیان کند.

به دوستانت بگو

- مکتب جای کسب علم و دانش است.
- مکتب برای انسان دروازهٔ نور و معرفت را باز می نماید.
- انسان درس خوان و مکتب رو، در زنده گی و در جامعه با عزت می باشد.
- هرکس باید مکتب برود و از باب خوشبختی و سعادت برخوردار گردد.

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و کلمه های مشکل را بیرون نویس نموده معنی کنید.
- بیت های شعر در بارهٔ مکتب را حفظ کنید.
- متضاد کلمهٔ (نور) را بنویسید.
- چند اسم مرکب را نام بگیرید و بنویسید.

جاهای خالی را با کلمه های مناسب پر نمایید:

- مکتب به معنای........ است.
- وقتی فرزندان......... بروند............. می آموزند و با........... آراسته شده به......... و ترقی دسترسی پیدا نموده......... و با عزت........... به سر می برند.

کارخانه گی

شاگردان در بارهٔ اهمیت و ارزش علم و دانش و داشتن سواد یک مقالهٔ شش سطری بنویسند.

درس دهم

خواجه عبدالله انصاری(رح)



شاگردان عزیز،

دردرس گذشته با برخی چهره ها در عرصهٔ شعر و ادب آشنا شدید. در این درس با خواجه عبدالله انصاری یکی از معروفترین چهره های عرفانی قرن چهارم هجری که در هرات یکی از ولایات باستانی کشور می زیسته است آشنا می شوید. این مرد بزرگ نه تنها در عرفان و تعلیمات اسلامی دسترسی داشته؛ بلکه در سرودن اشعار و نویسنده گی از توانایی خاص برخوردار بوده است و خدمات بزرگی را به مردم خود و بشریت انجام داده است و نیز در این درس با اسمای معرفه و نکره آشنا می شویم.

– زیارت خواجه عبدالله انصار (رح)در کجا موقعیت دارد؟

خواجه عبد الله انصاری شاعر، عارف و نویسندهٔ توانا که نوشته هایی از دری و عربی بدو منسوب است در ماه شعبان ۳۹۱ هجری قمری در شهر هرات دیده به جهان کشوده است. او دارای هوش بلند و استعدادی عالی بود. از کودکی به زبان های دری وعربی شعر می سرود. عرفان را در خوردسالی از پدر آموخت، بعد از اتمام تحصیل به سفر در شهر های خراسان پرداخت و از شیخ ابوالحسن خرقانی که پیر طریقت بود، دست پیر گرفت و سر انجام به مرتبهٔ عالی عرفانی و خدا شناسی رسید. خواجه عبدالله انصاری پس از مرگ پدر دوباره به هرات بر گشت و به زنده گی مشغول شد. از انصاری نامه هایی بدست آمده که با عبارات ساده و ضرب المثل گونه نوشته شده است.

او به زودی شهرت یافت و ساحهٔ دانش او فراخ شد و همعصرانش را به حیرت انداخت. زمانی نگذشت که انصاری یک شخصیت والا مقام دینی در هرات شد و مریدان زیادی در حلقهٔ ارادت او در آمدند و از پند ها و اندرزهای استاد و رهبر خود بهره مند شدند. خواجه عبدالله تعلیمات خود را در زمینهٔ تفسیر قرآن روح عرفانی بخشیده است ویکتن از شاگردان وی این تفاسیر را جمع و به نام «صدمیدان» تدوین کرده است. او است که در تاریخ زبان و ادبیات دری نثر موزون مسجع را رایج نمود و آن را با پارچه های شعری زینت بخشید.

از آثار دیگر او زاد العارفین، محبت نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یاد می شود می باشد و آخرین اثرش منازل السایرین است. در اشعار خواجه دعوت او از مردم بیشتر به آن است که فریفتهٔ شکوه و دبدبهٔ دنیا نشوند و توجه به روز حساب و آخرت داشته باشند. مرگ وی به سال ۴۸۰ هجری قمری اتفاق افتاده است. آرامگاهش در دامنهٔ کوه زنجیر شهر هرات به نام گذرگاه واقع بوده و زیارتگاه خاص و عام می باشد.

نمونهٔ کلام

ای کــــه تو مغرور بخت و دولـت فرخنده ای	خــواجهٔ صاحـب سـریر و مفرش آگنـده ای
یاکه خورشیدی به صورت یاکه جمشیدی به حـسن	یا چـو زهره چهره داری یا چومه تابنده ای
یــا چو قیصر هست بر سر تــــاج و افسر مر ترا	یا که چـو عیسای مریم تا قـیامت زنده ای
بــــا کمالاتی که گـفتی جمـــله را دریافتـــی	با مراداتی که جسـتی جـمله را یـابـنده ای
یـــا گرفتی چون سکنـدر ملــت روی زمیـــن	یا چو قارون صد هزاران مال وگنج آکنده ای
گرچـــــه شدادی ولیکن نیستی ایـمن زمـرگ	هیچکس گفته اسـت با تو تا ابد پاینـــده ای
آسمان چـــو ابر نیســــان برتـو گریانسـت زار	آنزمان گرعظـمت خودهمچوگل درخنـده ای
گرامیری هم بمـیری پیـر انصــــــاری بــــدان	خواجه گی از تو نـزیـبد سربنه چون بنـده ای

توضیحات

شعبان: ماه هشتم سا ل قمری.

جمشید: نام اولین پادشاه بلخ باستان (یما).

خرقان: محلی است که در خراسان امروز موقعیت دارد.

قیصر: لقب امپراتوران روم قدیم بود.

سکندر: سکندر یونانی فاتح جهان شرق.

قارون: مرد ثروت مندی که در عصر فرعون می زیست.

شداد: از پادشاهان ظالم اعراب زمین بود.

قواعد دستوری

اسم معرفه و نکره

در درس های گذشته با اسم ها آشنا شدید و حالا می خواهیم بدانیم که اسم معرفه و نکره چیست؟ به مثال های زیر دقت کنید:

- او دارای هوش بلند و استعداد عالی بود.
- انصاری شاعر، عارف و نویسندۀ توانای ما درسال ۳۹۱ هـ ق. درشهرهرات دیده به جهان گشود.
- زاد العارفین، محبت نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یا د می شود از آثار اوست.

اگر به جملات بالا دقیق شویم، دیده می شود که کلمه های (او، زاد العارفین، محبت نامه، رسالات و مکالمات، طبقات صوفیه) اسم های معرفه اند، پس اسم معرفه را می توان چنین تعریف کرد:

اسم معرفه یا شناسه اسمی است که نزد گوینده و شنونده معلوم و معین باشد. در زبان دری

به اسمی معرفه می گویند که دارای مشخصات زیر باشد:

۱- اسم خاص باشد؛ مانند: افغانستان، انصاری، زاد العارفین....

۲- ضمیر باشد؛ مانند: من، تو، او، شما....

۳- اسمی که به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ مانند: قلم مسعود، کتا ب او و....

۴- مشار الیه باشد، یعنی بعد از کلمهٔ اشاره (این یا آن) واقع شده باشد؛ مانند: این شاعر، آن نویسنده و....

۵- اسمی که یکبار ذکرش در کلام آمده باشد؛ مانند: دیروز، یک کتاب و یک قلم خریدم، کتاب نزد خواهرم و قلم نزد برادرم است.

اسم نکره: یا غیر شناسا اسمی است که در نزد شنونده نا معلوم و مجهول باشد. علامت آن در زبان دری (ی) مجهول (یی) است مانند: کتابی، مردی، خانه یی، دانایی و ...

خلاصهٔ درس

خواجه عبد الله انصاری یکی از شاعران و عارفان قرن چهارم هجری که در ماه شعبان ۳۹۱ در شهر هرات چشم به جهان باز کرده است. او به زبان های عربی و دری شعر سروده است. عرفان را نزد پدرش آموخته و از شیخ حسن خرقانی دست پیر گرفته است. خواجه عبدالله آثار زیاد دارد، از جمله نامه های اوست که با عبارات ساده و ضرب المثل گونه انشاد شده است و کتاب های دیگری به نام های صد میدان ، منازل السائرین، زاد العارفین، محبت نامه، رسالهٔ واردات و مکالمات (طبقات صوفیه) نیز دارد، خواجه به حیث مرد عالی قدر دینی هرات محسوب گردید و مریدان زیاد در حلقهٔ ارادت او داخل شدند و از پند ها و اندرز های او بهره می گرفتند.

خواجه به سال ۴۸۰ هجری وفات کرده است. آرامگاهش درگذرگاه شهر هرات زیارتگاه خاص و عام می باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- شاگردان درسی را که متن آن از طرف معلم خوانده می شود به دقت گوش کنند.
- چند شاگرد متن خوانده شده را پس از معلم دوباره بخوانند و مفاهیم آن به کمک معلم توضیح شود.
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، بعد از خواندن متن درس، نظر شان را بیان دارند و یک تن به نماینده گی از گروه ها نتایج را اعلان نمایند. دیگران به این نتایج ابراز نظر و قضاوت کنند. یکی از شاگردان نمونهٔ کلام انصاری را بخواند و دیگری در توضیح ابیات و تفسیر واژه های آن بپردازد.

به دوستانت بگو

- خواجه عبدالله انصاری تعلیمات خود را در زمینهٔ تفسیر قرآن مجید روح عرفانی بخشیده است.
- آثار مشهور او زادالعارفین، صد میدان، محبت نامه، رسالات، مکالمات و منازل السایرین است.

بخوان و بنویس

- شاگردان بالای تخته بنویسند که خواجه عبد الله انصاری به چه دلیل یک شخصیت دینی و عرفانی بود و فعالیت هایی را که در این زمینه انجام داده، نتیجهٔ آن چه بوده است.
- آنچه که به نام مکالمات انصاری خوانده می شود، سند مهمی در آموزش موضوعات عرفانی است، شاگردان می توانند، بنویسند که آن را می توان در مقاله، رساله و یا کتابی پیدا کرد.

درست و نادرست

- شاگردان توجه نمایند، جمله ها را خوانده از صورت درست آن در میان قوسها علامت ($\sqrt{}$) و در صورت غلط آن علامت (X) بکشند.
- قبلاً نام افغانستان خراسان بود. ( )
- خواجه عبد الله انصاری در سال ۳۷۰ هجری در شهر هرات تولد شده است. ( )

- مکالمات انصاری به نام «زاد العارفین» یا د می شود. (   )
- پیر طریقت خواجه عبد الله انصاری شیخ حسن خرقانی بود. (   )
- آخرین اثری عرفانی انصاری که به شاگردانش تألیف کرده است صد میدان نام دارد. (   )

کارخانه گی

- هریک از شاگردان صنف برداشت شان را از زنده گی و آثار خواجه عبدالله انصاری در کتابچه های شان بنویسند.
- جمله های زیر را خانه پری کنید:
- خواجه عبدالله انصاری شاعر (   ) و یک نویسندۀ توانا بود. او در ماه شعبان سال (   ) در شهر هرات تولد شده است. انصاری بعد از تکمیل تحصیل به سیاحت در شهرهای (   ) پرداخت. خواجه تعلیمات خود را در زمینۀ تفسیر قرآن مجید روح (   ) بخشیده است.



درس یازدهم

نظامی گنجه یی و کسب علم و دانش



شاگردان عزیز، در درس گذشته ازشاعرتوانا خواجه عبدالله انصاری مطـالبی را آموخته اید. در درس امروز با یکی دیگر از چهره های برجسته و ماندگار شعر دری «نظامی گنجه یی» آشنا خواهید شد. همچنان با صفت وانواع آن آشنا می شوید.

- در مورد نظامی گنجوی چه میدانید؟
- با نام چند شاعر زبان دری آشنا استید ؟

حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجه یی از داستانسرایان بزرگ و استادان مسلم در سرودن شعر تمثیلی و بزمی است. او در سال ۵۲۵ هـ ق .در شهر گنجه متولد شد و همهٔ عمر را به جز سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان به یکی از نواحی نزدیک گنجه داشت در وطن خود باقی ماند در همین شهر وفات کرد و به خاک سپرده شد. چنانچه از اشعار او معلوم می شود «فضیلت نظامی منحصر به شعر و شاعری نبوده و از جوانی به فنون ادب و تاریخ و قصص علاقه داشته و درتحصیل علم همت کرده است. تعلق خاطر نظامی به تصوف، زنده گانی وی را بیشتر با زهد و عزلت همراه کرده و این امر او را از وابسته گی به دربارهای سلاطین دور کرده است.

مهمترین اثر نظامی «پنج گنج» یا «خمسه» است که تعداد ابیات آن را تا حدود ۲۰ هزار بیت نوشته اند. و آثار دیگر او عبارتست از: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه. قدیمی ترین مثنوی نظامی «مخزن الاسرار» است و بهترین آنها «خسرو و شیرین».

سبک نظامی

نظامی از شاعرانی است که باید او را در شمار ارکان شعر دری و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد و تکمیل سبک و روشی خاص دست یابد. اگر چه داستانسرایی در زبان فارسی به وسیلهٔ نظامی شروع نشده لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته است شعر تمثیلی را به حد اعلای تکامل برساند نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه، ابداع معانی ، مضامین نو و دلپسند، تصویر جزئیات با نیروی تخیل و دقت در وصف مناظر و توصیف طبیعت، اشخاص و به کار بردن تشبیهات، استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است.

برجسته گیها و ویژه گیهای شعر نظامی:

۱. تشبیهات و توضیحات او، زیبا و هنرمندانه و بسیار خیال انگیزند.
۲. در تصویر جزئیات طبیعت و حالات، بسیار تواناست.
۳. انتخاب الفاظ و کلمات مناسب که نتیجهٔ آشکار آن، موسیقی شعر اوست.
۴. ایجاد ترکیبات خاص، ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند.
۵. تازه گی معانی و ایجاد ترکیبات تازه یی که در شعر نظامی هست، کلام وی را گاهی دچار ابهام می کند، علاوه بر اینها کثرت واژه های عربی، اصطلاحات علوم و اصول و مبانی فلسفه و معارف اسلامی سخن این شاعر را دشوار و پیچیده کرده است.

نمونهٔ کلام

کسب علم ودانش

گردل نهی ای پسر بدین پند / از پند پدر شوی برومند
غافل منشین نه وقت باز یست / وقت هنر است وکارسازیست
دانش طلب وبزرگی آموز / تا به گردد روزت از روز
می کوش به هرورق که خوانی / تا جملهٔ مطالبش بد انی
هر چیز که دل بدان گراید / گرجهد کنی به دست آید
گفتن زمن، از تو کار بستن / بیکار نمی توان نشستن

(نظامی گنجه یی)

توضیحات

«نظامی درشعر بالا گفته است: ای فرزند این نصیحت را قبول کن و از پند و نصیحت پدر بی خبر منشین وقت ساعت تیری و بازی نیست، وقت یاد گرفتن کارهاست. خرد و دانش را بیاموز تا که روزگارت خوبتر شود. هرچیز را که قلب و دلت می خواهد یا میل به آن می کند اگر کوشش کنی به دست می آید. از من گفتن بود که گفتم، اکنون تو باید بدان عمل کنی؛ زیرا بیکار نشستن شایسته و بایسته نیست.»



قواعد دستوری

صفت و انواع آن

تعریف صفت: صفت کلمه یی است که حالت اسم را بیان می کند. اسم را موصوف هم میگویند؛ مانند: پسر خوب، که «پسر» اسم است و«خوب» صفت آن.

صفت انواع زیادی دارد که درینجا ازچند نوع آن نام می بریم. صفت مطلق یا ساده، صفت مرکب، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت تفضیلی، صفت عالی، صفت نسبتی، صفت عددی، صفت اشاری وصفت پرسشی.

خلاصهٔ درس

نظامی گنجه یی شاعر نامدار زبان دریست و ازجملهٔ سراینده گان شعر درقالب قصیده و رباعی است. خمسه یا «پنج گنج» یکی از اثار وی بوده که شهرت جهانی کسب نموده است. در سال ۵۲۵ هجری به دنیا آمده است.

صفت کلمه یی است که حالت اسم را بیان می کند؛ مانند: خوب، بد، زیبا و ...



فعالیت ها

بشنو و بگو

- نظامی گنجه یی درکدام سال ودرکجا به دنیا آمده است ؟
- آثار مشهور نظامی را نام بگیرید ؟
- بیت های زیر را بخوانید وبگویید چه مفهوم دارد ؟

غافل منشین نــه وقت با زیست　　　وقت هنر است وکـارسازیست

دانــــــــش طلب وبزرگی آموز　　　تا به گــــــــردد روزت از روز

- به نظر شما چه کسی می تواند شعر بسراید ؟
- چرا به نظر شاعر باید همیشه به نصیحت های پدر گوش بدهیم؟

به شاگردان هدایت دهید:

در گروه های چهار نفری در مورد دو پیام با ارزش این شعر باهم گفتگو نمایند، نتیجه سخنان را یک نفر نماینده ازهر گروه پیش روی صنف بیاید به دیگران بگوید.

بیت پنجم شعر (کسب علم و دانش) را توضیح دهید.

بخوان وبنویس

- متن کسب علم ودانش را بخوانید و واژه های جدید آن را بیرون نویس کنید:
- خلاصهٔ زنده گینامهٔ نظامی گنجه یی را درسه سطر بنویسید.
- دوجمله بنویسید و درآن صفت را نشان دهید.
- نام پنج شاعرزبان دری را بنویسید و به آواز بلند بخوانید.
- متن درس را بخوانید و بگویید که کدام قواعد دستوری (اسم، صفت) درآن به کار رفته است. با تعریف و مثالها واضح سازید.

کارخانه گی

۱. جدولی در کتابچه های خود رسم کنید و داخل آن چهار اسم خاص، اسم عام و صفت را بنگارید. سپس آن ها را در جمله ها به کار ببرید؛ مانند:

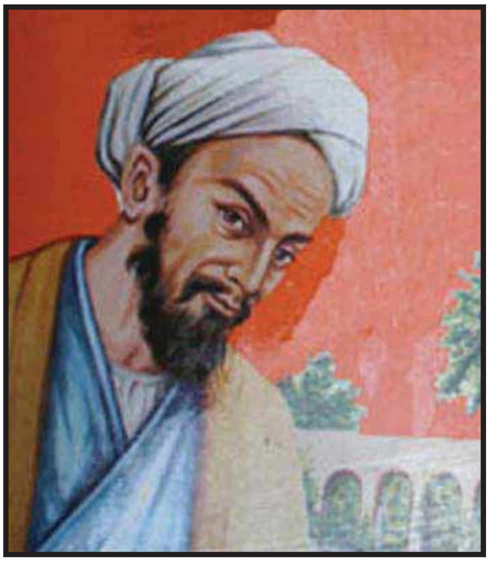
اسم	صفت	اسم عام
خواجه عبدالله	زیبا	شهر
....	....	....
....	....	....
....	....	....

۲. مفهوم شعر را در پنج سطر در کتابچه های خود بنویسید.



درس دوازدهم

سعدی



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته با چند شاعر زبان دری ونمونهٔ کلام آنها آشنا شدیم، در این درس با شاعری به نام شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به (سعدی) آشنا می شویم که در کجا به دنیا آمده، چطور در جوانی به تحصیل پرداخته، آثار مشهور ش کدام ها است؟ موضوع شعری او را چه تشکیل می داد، ودر غزل سرایی چه گونه شاعر بـــــوده است؟ همچنین می خوانیم که صفت ساده ومرکب چیست وچطور می توان آنها را در جمله به کار برد ؟

– نام کتاب نویسنده یا شاعری را که مطالعه کرده اید بگویید.

شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به «سعدی» در اوایل قرن هفتم هجری در یک خانوادهٔ متدین در شیراز به دنیا آمده است.

در آوان جوانی به بغداد رفت ودر آنجا در مدرسهٔ نظامیه به تحصیل دینی و ادبی همت گماشت؛ سپس به عراق، شام وحجاز سفر کرد. در سال ۶۵۶ هجری گلستان را در مواعظ و حکم به نثر فصیح و زیبا مزین ساخته و آمیخته با اشعار دل انگیز به نام شاهزاده «سعد بن ابوبکر» در آورده وبه وی تقدیم نمود. واز آن به بعد بقیهٔ عمر را در شیراز در خانقاه خود زیسته و در سال ۴۹۶ هجری در گذشت ودر همان خانقاه مدفون گردیده است.

سعدی یکی از شعرای بزرگ زبان دری است و در سخن او غزل عاشقانه آخرین حد لطافت وزیبایی را دارد و لطیف ترین معانی در ساده ترین و فصیح ترین الفاظ آمده است.

در حکمت و موعظه از بسا شاعران دری زبان موفق تر است. گلستان وی نثر بسیار زیبا و جذاب دارد. آثار منثور دیگرش غیر از گلستان، مجالس پنجگانه، رساله عقل و عشق و تقریرات ثلاثه است.

نمونهٔ شعر سعدی

تـــن آدمـــــی شـــریف اســـت به جـان آدمیـت — نه همین لباس زیبا ست نشان آدمیت

اگــــر آدمی بــه چشمست و دهان و گوش وبینی — چـه مـــیان نقـش دیوار ومیان آدمیت

خوروخواب وخشم وشهوت شغبست وجهل وظلمت — حیـوان خـبر نـــدارد ز جهان آدمـیت

بـــه حقـــیقت آدمی بـــاش وگر نه مرغ باشید — که همین سخن بگوید به زبان آدمیت

مگـر آدمـــی نبودی کـــــه اسیر دیـو مـــاندی — که فرشتــه ره نـدارد به مکان آدمیت

اگــر این درنـده خـــویی زطبعیتت بمیـــرد — همه عمر زنــده باشی به روان آدمیت

رســد آدمی بجایی کـــه به جز خدانبیند — بنگر که تا چه حد اسـت مکان آدمیت

طیــران مرغ دیدی، تـــو زپای بند شـهوت — بـــدر ای، تـــا ببینی طیران آدمــیت

توضیحات

گلستان سعدی مملو از حکم ومواعظ است. یعنی گلستان سعدی سراسر از پند،اندرز و اخلاق بوده که الحق می توان سعدی را بحیث معلم اخلاق واندرز نامید؛ زیرا سعدی همیشه به خصوص در گلستان خود پند، اخلاق واندرز را بیشتر به کار برده است.

قواعد دستوری

صفت ساده و مرکب

صفت ساده آن است که حالت اسم را بیان می کند؛ مانند: نیکی، خوب، کوشا.

ویا در این بیت:

دلیل خویش پس ! ازمرگ هم توای   چوشمع کشته کسی جز توبرمزارتونیست

کلمه های نیکی، خوب، کوشا و کشته صفت ساده اند.

صفت مرکب آن است که مانند اسم مرکب، ساختمانش از دو کلمه تشکیل گردد؛ مانند: مرد پاکدل، زن خوبرو که: خوبرو {خوب+رو=خوبرو} وپاکدل {پاک+دل=پاکدل} صفت مرکب اند.

خلاصهٔ درس

شیخ مشرف الدین مصلح «سعدی» شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری دریک خانوادهٔ متدین در شیراز به دنیا آمده است.

آثار منثور وی گلستان، مجالس پنجگانه، رساله عقل وعشق وتقریرات ثلاثه می باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

• در مورد زنده گی نامهٔ سعدی به طور مختصر صحبت کنید.

- در بارهٔ مفهوم نمونهٔ کلام سعدی در گروه ها با هم بحث و گفتگو کنید و نتیجه را نمایندهٔ هر گروه بیان نماید.
- سعدی شاعر کدام قرن بود ؟
- آثار منثور سعدی را نام بگیرید؟
- کتاب مجالس پنجگانه از کی بود ؟
- مقصد شاعر از بیت زیر چیست ؟

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند　　　بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

به دوستانت بگو

- سعدی یکی از مشهور ترین شاعران زبان دریست.
- گلستان وبوستان از جمله آثار مشهور سعدی می باشد.

بخوان وبنویس

- متن درس را در گروه های کوچک خاموشانه بخوانید.
- واژه های جدید را بخوانید ودر جمله ها به کار ببرید.
- شعر «تن آدمی شریف» است را با لحن وآهنگ مناسب بخوانید ومعنا کنید.
- جمله های زیر را گسترش دهید.

درآوان جوانی به ---
--------------------------------------- واز آن به بعد بقیهٔ عمر خود را در
شیراز ---
------------------------------گردیده است .

- سه جمله بنویسید که در آن صفت ساده ومرکب به کار رفته باشد.
- شما نسبت به کدام شاعر علاقه مندی دارید، در دو سطر بنویسید.
- تفسیر و معنای این بیت را در دو سطر بنویسید وصفت مرکب را در این بیت نشان دهید.

گفتم این شرط آدمیت نیست　　　مرغ تسبیح گوی ومن خاموش

کارخانه گی

- یکی از نمونه های شعر سعدی را انتخاب کنید ودر صنف با صدای بلند بخوانید.

درس سیزدهم

اهمیت سرک ها و راه ها



شاگردان عزیز،

دردرس ها ی گذشته درمورد زراعت معلومات حاصل نمودید ودرس جدید ما آشنایی با شاهراه ها وسرک ها ست که در هر کشوری ازاهمیت خاصی برخوردار استند. دراین درس می خواهیم که ارزش واهمیت شاهراه ها را از نظر، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار دهیم. همچنین با صفت مفعولی و فاعلی آشنا می شویم.

۱. آیا می توانید چند شاهراه کشور ما را نام ببرید ؟
۲. آیا زراعت با سرک ها و شاهراه ها ارتباط دارد، اگر دارد چطور ؟
۳. آیا می دانید که شاهراه ها وسرک ها در یک کشور دارای چه اهمیتی می باشند ؟

شاهراه عبارت از سرک های مهم حلقه یی بین ولایا ت می باشد،که تما م ولایات دورا دور کشور را با هم وصل می کند. شاهراه ها وسرک ها دریک کشور به مثابهٔ شاهرگ ها دربدن می باشند. همانگونه که شاهرگ ها در بدن خون را به تمام بدن می رسانند وانسان را زنده نگهمیدارند و سبب ادامه حیا ت می شوند، شاهراه ها وسرک ها در کشور تمام شهرها ومناطق را متصل می سازند وحیات تازه به جامعه می بخشند. شاهراه ها از نظراقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وامنیتی اهمیت بسزایی دارند. درصورتی که تمام شهرها ودهکده ها به هم وصل باشند و ارتباط داشته باشند،تولیدات ومحصولات یک منطقه به منطقه دیگر انتقال یافته سبب رشد اقتصادی همان منطقه شده مردم تشویق می شوند تا بیشتر به تولیدات خود افزوده عایدات بیشتر به دست آورند. با موجودیت شاهراه ها به کمترین وقت محصولات زراعتی، حیوانی و صنایع دستی به بازارها و مارکیت ها رسیده به قیمت مناسب به فروش می رسد و از عاید حاصله ضروریات مردم و خانواده ها مرفوع می گردد. زنده گی رونق و رشد یا فته سطح آن با لا می رود.

حمل و نقل مردم و انتقال تولیدات شان در صورت موجودیت شاهراه ها در مدت زمان کوتاهی صورت می گیرد که این امرنه تنها درقسمت اقتصادی بلکه در روابط و انتقال فرهنگ ها نیز مؤثر می باشد. رفت و آمد مردم سبب روابط و تحکیم دوستی ها بین اقوام مختلف شده از رسم و رواج های یکدیگر آگاه می شوند.همینگونه که روابط فرهنگی به وجود میاید روابط اجتماعی استحکام یافته شناخت سراسری به وجود می آید؛ حتی سبب خویشی ها می گردد.طوریکه قبلاً به آن اشاره شد در پهلوی انکشاف روابط اجتماعی، روابط اقتصادی و انتقال فرهنگ ها در اثر رفت و آمد شناخت اقوا م وسعت میابد، وحدت ملی بیشتر تقویت می شود.علاوه بر مسایلی که تذکر داده شد، موجودیت شاهراه ها سبب رشد تجارت درداخل و خارج ازکشور می گردد، پول تقویت می یابد و روحیهٔ اتکا به خود به وجود میاید.همچنان کشور به منطقهٔ ترانزیت بین المللی تبدیل می شود.حمل و نقل اموال تجارتی کشور های همسایه از این منطقه صورت می گیرد که عاید بزرگی ازاین بابت متوجه کشور ما می شود.

شاهراه ها به سیستم جدید ازاستهلاک وسایل حمل ونقل می کاهد و با مصرف کمتر اموال انتقال می یابد. مواد خام و پخته به آسانی ازطریق زمین به خارج از کشور صادر شد ه و واردات به قیمت نازل به داخل می رسد.

جلب و جذب سیاحان یکی از فایده های دیگریست که در موجودیت شاهراه ها سبب رشد

اقتصادی وانتقال فرهنگ ها می شود.

پس همۀ این پیشرفت ها زمانی جنبۀ عملی به خود می گیرد که یک کشور در تمام مناطق دور ونزدیک شاهراه ها وسرک ها داشته باشد، واین پیشرفت نه تنها درشهر ها منحصر می ماند؛ بلکه سبب رشد مناطق دور دست و دهات نیز می شود. به خصوص بخش زراعت و مالداری بیشتر رشد می نماید چون دهقانان در دورترین نقطه یی از کشور تشویق می شوند تا تولیدات خود را بلند برده به بازار ها عرضه نمایند؛ زیرا آنها می دانند که تولیدات شان سالم و به وقت کم به مارکیت ها به فروش می رسد.

پس باید بدانیم که موجودیت شاهراه ها وسرک ها خیلی مهم بوده و در تما م عرصه های زنده گی اثر گذاشته، رونق اقتصادی را سبب می شود. سطح زنده گی را بالا برده، آرامی و آسایش را به بار می آورد.

حال با شاهراه ها وسرک های کشور خود آشنا می شویم:

از جملۀ شاهراه های مهم کشور می توان از شاهراه کابل کندهار،کندهارهرات،کابل تورخم ،کابل مزارو کابل کندز یاد کرد. مهم ترین قدمی که در کشور برداشته شده شاهراه حلقوی در کشور می باشد. این شاهراه از کابل آغاز شده ودوباره به کابل ختم می شود.

کابل –کندهار–هرات –بادغیس –فاریاب –جوزجان –بلخ وسرانجام کابل ختم می شود. یکی دیگر از شاهراه هایی که درانتقال اموال اهمیت دارد، شاهراه دل آرام زرنج است که افغانستان را با ایران وبنادر جنوبی آن با فاصلۀ کوتاهی وصل می کند. همچنان شاهراه کابل شیرخان بندر وکابل حیرتان تبادلۀ اموال تجارتی را با همسایه های شمالی تاجکستان وازبکستان آسان ساخته است.

توضیحات

وحدت ملی: اتحاد اقوام واقشار مختلف یک کشور وحدت ملی همان کشور است.

سیاحان: کسانی که درشهر ها وکشور های مختلف به گردش وجها نگردی می پردازند واز جاهای تاریخی دیدن می نمایند.

ترانزیت بین المللی: حمل ونقل اموال تجارتی از یک کشوربه کشور دیگررا گویند.

قواعد دستوری

صفت فاعلی ومفعولی

صفت فاعلی کلمه یی است که بر حالت و چگونه گی فاعل، یعنی انجام دهندۀ کاری دلالت کند؛ مانند: گوینده، بینا، پروردگار، شنوا، دادگر و...

درزبان دری صفت فاعلی دارای پسوند های زیر می باشد:

۱- (نده) که به آخر فعل امر می آید؛ مانند: بافنده، گوینده، تابنده و...

۲- (ان) که بر آخر فعل امر می آید؛ مانند: خواهان، خندان، دوان و...

۳- (ا) که در آخر فعل امر می آید؛ مانند: گویا، بینا، دانا، جویا و...

۴- (گار) که بیشتر در آخر فعل امر وماضی می آید؛ مانند: آموزگار،آفریده گار...

۵- (کار) که بیشتر در آخر اسم معنی می پیوندد؛ مانند: ستمکار، فراموش کار و...

۶- (گر) که در آخر اسم معنی می پیوندد؛ مانند: دادگر، ستمگر، رامشگر و...

۷- (آر) که در آخر فعل ماضی می آید؛ مانند: خریدار، خواستار، برخوردار و...

صفت مفعولی: آن است که بر چگونه گی مفعول، یعنی موجودی که کار بر روی آن واقع شده دلالت می کند، که با حذف (ن) اسم فعل و اضافه نمودن (ه) غیر ملفوظ ساخته می شود؛ مانند: دست شکسته، در بسته، سخن گفته، گل شگفته. که (شکسته، بسته، گفته و شگفته) صفت مفعولی اند.

خلاصۀ درس

شاهراه، سرک های حلقه یی بین ولایات راگویند که تمام ولایات دورا و دور را به هم وصل می کند. از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وامنیتی اهمیت به سزایی دارد.حمل ونقل مردم، اموال تجارتی وانتقال تولیدات در صورت موجودیت شاهراه ها وسرک ها امکان پذیر است.

شاهراه های مهم کشور عبارت اند از: شاهراه کابل کندهار، کندهار هرات، کابل تورخم وکابل مزار، کابل و کندز که در حمل ونقل اموال تجارتی وانتقال تولیدات از اهمیت خاصی برخورداراستند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- شاهراه را تعریف کنید؟
- اهمیت اقتصادی شاهراه ها وسرک ها را بیان نمایید.
- استدلال خود را در مورد اهمیت شاهراه ها وسرک ها بگویید.
- آیا شاهراه ها وسرک ها درانکشاف روابط اجتماعی وفرهنگی نقش دارند، چطور؟
- شاهراه ها وسرک ها در صادرات و واردات اموال چه نقش دارد؟
- آیا شاهراه ها وسرک ها صرف مربوط به شهر ها می شود؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند. پس از بررسی و تحلیل در موردمفهوم درس به شکل سؤال و جواب، یک گروه با گروه دیگر محاوره نمایند.

به دوستانت بگو

- با موجودیت شاهراه ها به کمترین وقت محصولات زراعتی،حیوانی و صنایع دستی به بازارها ومارکیت ها می رسد.
- شاهراه کابل کندهار، کندهار هرات،کابل تورخم ، کابل مزار و کابل کندز از جملهٔ شاهراه های مهم کشور به شمار می روند.

بخوان وبنویس

- متن درس را دقیق بخوانید، بعد درمورد اهمیت اقتصادی و اجتماعی شاهراه ها وسرک ها شش سطر بنویسید.

- ازکلمه های داد ه شدهٔ زیر، که نا منظم اند، دو جملهٔ منظم ترتیب نموده بنویسید.
- اقتصادی، رشد، شاهراه ها، سبب، موجودیت، انتقال، می شود، فرهنگ ها.
- سیستم، استهلاک، شاهراه ها، جدید، به، حمل ونقل، از، وسایل، می کاهد.

درست/ نادرست

- شاهراه ها از نظر اقتصادی اهمیت ندارند. (   )
- موجودیت شاهراه ها سبب جلب وجذب سیاحین می شود. (   )
- شاهراه کابل حیرتان تبادلهٔ اموال تجارتی را با همسایه های شمالی آسان ساخته است. ( )

جاهای خالی را پرکنید:

شاهراه......... از .... مهم....... بین ولایات می باشد.

کشور به....... ترانزیت............. تبدیل می شود.

شاهراه........ زرنج، افغانستان را با........... وبنادر جنوبی آن با فاصلهٔ کوتاهی...... می کند.

کارخانه گی

- برداشت خود را از درس خلاصه نموده درچند سطر بنویسید.
- کلمه های زیر را درجمله های مناسب به کار ببرید:

کشور، محصولات، اقتصادی، فرهنگی، زراعتی، سرک ها، شاهراه، انکشاف.

درس چهاردهم

آزادی



شاگردان عزیز،

سال گذشته در مورد آزادی مطالب را آموخته بودید، اکنون در این درس در بارهٔ آزادی حق هر انسان است، آزادی فردی و اجتماعی و ایجاد احساس احترام به آزادی را فرا خواهید گرفت و با مهارتهای شش گانهٔ زبان وصفت مفعولی آشنا خواهید شد.

قبل از ارائهٔ موضوعات درس به این پرسش ها پاسخ دهید:

۱- چرا هر کس آزادی را دوست دارد؟

۲- از نظر شما آزادی یعنی چه ؟

آزادی یک هدیهٔ بی نظیر الهی است که نصیب انسان شده است، ما باید به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم. آزادی حق قانونی طبیعی و مشروع هر انسان است. این حق جزء آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد بوده و حدود لایتناهی ندارد.

هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند، آزادی و کرامت انسان طبق قانون از هر نوع تعرض مصون است و دولت ها به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد. روی همین اصل هر کس حق زنده گی و امنیت شخصی خود را دارد. آزادی یک واژهٔ مقدس است، هر انسان آزاد به دنیا می آید و باید آزاد زنده گی کند، زنده گی یک موهبت خداوندی و حق طبیعی انسان است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را آزادانه بیان نماید روی همین اساس دولت ها نیز آزادی بیان را حمایت می کنند، ما حق داریم نظر و فکر خود را به وسیلهٔ گفتار نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماییم. آزادی و محرمیت مرا سلات و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله و تفتیش کاملاً مصون باشد؛ مگر در حالتی که قانون حکم دیگری در مورد داشته باشد.

در هنگامیکه اکثریت مردم یک جامعه بیکار و فقیر باشند، در زیر بار احتیاجات زنده گی به رنج و مصیبت گرفتار می شوند، فکر می کنند، تا برای پیدا کردن ضروریات زنده گی به خدمت دیگران در آیند که در آن صورت آزادی خود را محدود می سازند. از همین جاست که گفته اند آزادی در بی نیازی است، هر قدر نیاز کمتر باشد آزادی بیشتر است. کسی که چیز دیگری را به آزادی تعویض نماید، مستحق آزادی نمی باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان آزادی ملی، فردی و اجتماعی به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می گیرد. آزادی فرد تا زمانیکه به حکم محکمهٔ با صلاحیت از وی گرفته نشود. به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می گیرد. یک نوع آزادی دیگری وجود دارد که به نام استقلال یاد می شود، گاهی یک کشور آزاد مورد هجوم یک قدرت دیگر قرار می گیرد که در آن صورت همه مردم همان کشور استقلال، آزادی و تمامیت ارضی خود را از دست می دهند. آنگاه اکثریت مردم برای استرداد استقلال و آزادی خود دست به مبارزه می زنند این نوع مبارزه را جنبش و مبارزهٔ استقلال طلبی می نامند.، پس آزادی که شرط اساسی آن داشتن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور است، موجودیت آن کشور را در جامعهٔ جهانی تثبیت می کند. کشور عزیز ما که یک کشور مستقل و دارای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خویش می باشد امروز در شمار کشورهای جهان جایگاه شایستهٔ خود را احراز

کرده است. آزادی و آزاده گی از هم فرق دارد؟ چه بسیار مردمی که آزادند، اما آزاده نیستند و بسا اسیرانی که آزاده اند، آزاد نیستند، آزادی از اسارت دیگران است و آزاده گی رهایی از اسارت خویشتن. آزادی وقتی حاصل می شود که کسی بر کسی دیگر تسلط نداشته باشد؛ اما آزاده گی با تسلط انسان بر خویشتن به دست می آید.

در هر صورت آنچه را باید متوجه باشیم این است که شهروندان هر کشور در راه آزادی و استقلال و حاکمیت ملی خویش آماده گی دادن جان خود را داشته باشند.

توضیحات

مجوز قانونی: آزادی که در اصل یک هدیهٔ الهی است، در سراسر دنیا شکل قانون را به خود احراز کرده است، یعنی آزادی ها تصنیف و اجازهٔ قانونی حاصل کرده است.

محرمیت مراسلات و مخابرات: بشر با استفاده از آزادی بیان که در داخل قانون تنفیذ گردیده حق دارد نظر و مفکورهٔ شخصی خود را ابراز و بدوستان و آشنایان آنرا چه ذریعهٔ نوشته و چه ذریعهٔ مخابره ابراز نماید و دولت مکلف است ابراز نظر آنرا محرم دانسته در آن تصرف و مداخله نکند.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر: بعد از ختم جنگ جهانی دوم یکتعداد کشورهای مستقل دور هم جمع شده به اکثریت آراء اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را به نشر سپردند؛ مثلاً: در یک مادهٔ آن چنین آمده است:

بشر آزاد به دنیا آمده و باید آزاد زنده گی کند ویا: آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون است.

قواعد دستوری

صفت تفضیلی

آن را صفت برتر نیز گویند وصفی است که شخصی یا چیزی را نسبت به شخصی یا چیزی دیگر برتری دهد.این صفت با آوردن پسوند (–تر) در آخر صفت عادی ساخته می شود.؛
مثال: زیرک – زیرکتر، زیاد– زیادتر، بیش– بیشتر.

به جمله های زیر دقت کنید:

- محمود زیرکتر از احمد است.
- او زیادتر از خواهرش کار می کند.
- مزد بیشتر از کار بیشتر ناشی می شود.

خلاصۀ درس

آزادی حق قانونی، طبیعی و مشروع هر انسان است، هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند، زنده گی یک موهبت خداوندی است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را آزادانه بیان کند، آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله کاملاً باید محفوظ باشد. در قانون اساسی افغانستان آزادی های فردی و اجتماعی هر تبعه تعیین گردیده است. زمانی که یک کشور مورد هجوم یک قدرت قرار می گیرد. مردم آن برای استقلال طلبی مبارزه می کنند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- چرا هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند؟
- «آزادی یک هدیهٔ بی نظیر است» یعنی چه؟
- چطور نظر خود را آزادانه بیان می نمایید؟
- آزادی و آزاده گی از هم چه فرق دارند؟
- د رمورد آزادی فردی و اجتماعی در گروه ها بحث و گفتگو کنید. نتیجهٔ مباحثه را یک نفر به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- هر انسان حق زنده گی دارد، به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم.
- کشور عزیز ما یک کشور مستقل و آزاد است.
- چه فکر می کنیدآزادی فردی و اجتماعی از نظر شما چیست؟ در گروه ها مباحثه نمایید و نتیجه را یک شاگرد به دیگران بگوید.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید.
- پاراگراف دوم را دقیق بخوانید و واژه های جدید را مشخص کنید.
- واژه های جدید را بخوانید و معنا کنید.
- پیام اصلی درس چیست؟ درسه سطر بنویسید.
- واژه های موهبت، تبعه، هجوم و مجوز را در جمله هابه کار ببرید.

جاهای خالی را پر کنید:

- هر انسان.................. به دنیا می آید و باید........................ زنده گی کند.
- زنده گی یک....................... خداوندی و حق طبیعی............................ است.

کارخانه گی

- برداشت خود را از متن در شش سطر خلاصه نمایید.



درس پانزدهم

اندرزها



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد آزادی های فردی، اجتماعی، سیاسی و غیره معلومات حاصل نمودیم؛ اما درس جدید اندرزهاست که بیشتر توسط بزرگان دین، حکما و دانشمندان برای راهنمایی مردم گفته شده است و مسایل دینی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و غیره را در بر می گیرد و بزرگان ما پیرامون آزادی و اهمیت آن پند و اندرز ها داده اند؛ مانند: آزادی آبادی است. قدر آزادی را کم مدان؛ همچنین با صفت عالی بیشتر آشنا می شویم.

۱- چند اندرز به یاد دارید ؟

۲- اندرز ها بر زنده گی انسان چه تأثیر دارد؟

۱. خدا پرستی آن ا ست که خود پرستی را رها کنی. (شمس تبریزی)

۲. زینت انسان سه چیز است: علم، محبت وآزاده گی. (افلاطون)

۳. دانا به کار خود توکل می کند ونادان به آرزوی خویش . (حضرت علی (رض))

۴. کار سرمایهٔ سعادت و خوشبختی است. (سقراط)

۵. به جای نفرین فرستادن به تاریکی، بهتر است شمعی روشن کنی. (کنفوسیوس)

۶. امید برای بشر، مثل بال برای پرنده گان است. (ویکتور هوگو)

۷. شا خی را که میوهٔ بسیا ر با شد، آن میوه او را فرو کشد. (مولانا جلال الدین محمد بلخی)

۸. خوشبخت ترین مردم کسی است که کردار به سخاوت بیاراید وگفتاربه صداقت.

(ابو علی سینای بلخی)

۹. مرگ در راه آزادی، شرافتمندانه تر از زنده گی در سایهٔ برده گی است. (جبران خلیل جبران)

۱۰. قوی ترین رکن بنا ی دوستی، کتمان اسرار دوستان است. (بزرگمهرحکیم)

۱۱. درراه رفتن میانه رو باش. (لقمان حکیم)

۱۲. وفات در نیکنامی بهتر است از حیا ت در بد نا می. (کلیله و دمنه)

۱۳. قدرعا فیت کسی داند که به مصیبتی گرفتارآید. (سعدی)

۱۴. اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می رفتیم همه دشمنان نا بود می شدند. (بسمارک)

۱۵ - سخنی داشته باش دلپذیر یا دلی داشته باش سخن پذیر. (محمد حجازی)

۱۶ - هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان. (ناصر خسرو)

توضیحات

- افلاطون: در بین سال های (۴۲۸–۳۴۸ق. م) در آتن زنده گی میکرد. شاگرد سقراط بود. اثرمشهور او جمهوریت نام دارد. ازجملۀ کسانی است که تهداب مدنیت غربی را گذاشته است.
- سقراط: فیلسوف یونانی که درشهر آتن در بین سال های (۴۶۸–۳۹۹ ق. م) زنده گی میکرد.
- ویکتورهوگو: نویسنده و شاعر رومانتیک فرانسوی در سال ۱۸۰۲ میلادی تولدشده است. اثر معروف وی ناول (بینوایان) میباشد. وی درسال ۱۸۸۵ م. وفات نموده است.
- بزرگمهر حکیم: معلم هرمز پسر انوشیروان بود نظر به کاردانی ولیاقت فراوانی که داشت به وزارت رسید. برخی ازکتب به زبان پهلوی و سایر زبان ها به دستور این و زیر ترجمه شد.
- بسمارک: اولین صدراعظم آلمان که به نام صدراعظم آهنین مشهور است. نقش مهم او متحد ساختن جرمنی بود. او در سال ۱۸۱۵ میلادی تولد شده و درسال ۱۸۹۸ میلادی وفات نموده است.

قواعد دستوری

صفت عالی

اکنون به توضیح صفت عالی می پردازیم: از صفت مطلق و «ترین» ترکیب شده وبرتری موصوفی را برهمۀ موصوف های همجنس می رساند؛ مانند:

- کابل، بزرگترین شهر افغانستان است.
- نجیب، لایق ترین شاگردان مکتب حبیبیه است.

در جمله های زیر به کلمه هایی که زیر شان خط کشیده شد ه است توجه کنید:

<u>خوشبخت ترین</u> مردم کسی است که کردار به سخاوت بیا راید و گفتا ر به صداقت .

<u>قوی ترین</u> رکن بنای دوستی، کتمان اسرار دوستان است.

درجمله های بالا کلمه های «قوی ترین» و «خوشبخت ترین» صفت برترین یا عالی می باشند.

خلاصهٔ درس

اندرز ها توسط بزرگان دین، حکما، دانشمندان بزرگ جهان وعلما برای رهنمایی مردم گفته شده است. انعکاس موضوعات مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی وغیره برای پندآموزی مردم می باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- اندرز ها توسط چه کسانی و برای چه گفته می شود ؟
- مفهوم اندرز های شماره دوم و دهم را بیان کنید.
- اندرز شماره هفتم چه پیامی را در خود دارد؟
- می توانید یک جمله بگویید که درآن صفت عالی به کاررفته باشد ؟

به دوستانت بگو

- اندرزها برای رهنمایی مردم گفته شده است.
- خدا پرستی آنست که خود پرستی را رها کنی.

- هرچیزی را ستونی باشد، ستون دین علم است.
- زینت انسان سه چیز است؛ علم، محبت و آزاده گی.

بخوان وبنویس

- چهار اندرز را انتخاب نمایید و دقیق بخوانید. سپس در مورد هر کدام یک یک سطر بنویسید.
- پیام این اندرز برای ما چیست؟

امید برای بشر، مثل بال برای پرنده گان است.

از چهار جواب یکی را تأیید کنید:

عافیت به معنای:

الف – صحت کامل

ب – صحت نا کامل

ج – تندرستی

د – جواب «الف» و «ج» درست است.

سخاوت به معنای:

الف– دعا کردن

ب – بخشش وکرم

ج – راستی

د– بزرگواری

جاهای خالی جملات را پر کنید:

- سخنی....... دلپذیر یا.......... داشته باش...............
- قدر......... را کسی می داند که به.........گرفتار شود.

کارخانه گی

- سه جمله بنویسید که در آن صفت عالی به کار رفته باشد.

مفهوم اندرزهای زیر را در کتابچه های خود بنویسید.

- اگربه جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می رفتیم همه دشمنان نابود می شدند.
- قوی ترین رکن بنای دوستی،کتمان اسرار دوستان است.



درس شانزدهم

رادیو



شاگردان عزیز،

در سال گذشته راجع به بعضی اختراعات؛ مانند: تیلفون معلومات حاصل نمودید؛ اکنون به همان سلسله در رابطه به اختراع رادیو معلومات حاصل می نمایید و همچنان با صفت نسبتی آشنا می شوید.

۱. آیا می دانید که از کدام طریق می توان به زود ترین فرصت از اخبار جهان آگاه شد؟

۲. به نظر شما کدام نوع برنامه ها بهتر است از طریق رادیو نشر شود؟

بعد از انکشاف تلگراف بیسیم، رادیو به وجود آمد. هرتس آلمانی به اساس فورمول های ریاضی ثابت کرد که که قوهٔ برقی در فضا به شکل امواج انتقال داده شده می تواند، آواز انسان و دیگر اشیا را برقی نماییم و به جاهای دور بفرستیم. بر اساس همین تجربه تیلگراف بی سیم اختراع شد.

بعداً دانشمند ایتالوی (مارکنی) بر اساس همین تجربه در سال ۱۸۹۰ م. رادیو را اختراع کرد و در لندن آن را در معرض تماشای عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد.

در کشور ما برای نخستین بار در عصر حکومت غازی امان الله خان در سال ۱۳۰۴ هـش. عطاالله خان را به منظور آموزش در رشتهٔ رادیو به آلمان فرستادند، که د رسال ۱۳۰۵ هـش. با چند تن انجینران آلمانی و دستگاه های فرستندهٔ رادیو به وطن برگشت.

در افغانستان کار تأسیس استدیو و مراسلهٔ رادیویی به زودی آغاز یافت. در ماه میزان ۱۳۰۶ خورشیدی رادیو مراحل قانونی خود را گذشتاند و درهمین سال مطابق لایحهٔ مخصوص به نشرات آغاز کرد. مدیر رادیو محمد حسن نام داشت، نطاق آن سرور گویا و هنرمندان معروف چون: استاد قاسم، استاد غلام حسین، استاد نتو، قربانعلی و د یگران آواز می خواندند، بعد از سقوط سلطنت امان الله خان رادیو نیز دچار سرنوشت مکاتب شده و از میان رفت، بار دوم در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ به نام رادیو کابل به نشرات آغاز کرد و بعد رادیو افغانستان نام گرفت که تا حال ادامه دارد. حالا تعداد زیاد رادیو ها در سراسر کشورفعال گردیدند.

رادیو در زنده گی ما نقش مهم را ایفا می کند، ما به زودترین فرصت از اخبار سراسر جهان اطلاع حاصل می کنیم و از حوادث، تغییرات و تحولات در عرصه های مختلف زنده گی اجتماعی با خبر می شویم.

قواعد دستوری

صفت نسبتی

آن است که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند. صفت نسبتی در زبان دری د ارا ی پسوند های زیر می باشد:

پسوند/ی /در کلمه هایی که به حرف کانسونانت ختم شده باشد؛ مثلاً: بلخی، هراتی، سنگی، چوبی...

پسوند/یی /در کلمه های که به حروف واول ختم شده باشد؛ مثلاً: آسیایی، طلایی، قهوه یی، خرمایی...

پسوند / وی / در برخی از کلمه های مختوم به واول / آ / مانند: هستوی بیضوی، دایروی، کروی...

پسوند / گی / در برخی کلمه های که به {هـ} غیر ملفوظ ختم شود؛ مانند: خانه گی، میمنه گی...

خلاصهٔ درس

رادیو را در سال ۱۸۹۰ م. دانشمند ایتالوی به نام مارکنی اختراع نمود و آن را در لندن در معرض تماشای عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد.

در کشور ما در زمان غازی امان الله خان برای نخستین بار در سال ۱۳۰۶ شمسی رادیو به نشرات آغاز کرد که بعداً در زمان محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ به نام رادیو کابل شروع به فعالیت نمود.

صفت نسبتی آنست که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- رادیو را چه کسی اختراع کرد؟

- رادیو برای نخستین بار در زمان سلطنت کی و در کدام سال به نشرات آغاز کرد؟
- اولین نطاق رادیو در کشور ما چه نام داشت ؟
- رادیو چه نقشی در زنده گی ما دارد؟
- صفت نسبتی را تعریف کنید.

بخوان و بنویس

- متن درس را خاموشانه بخوانید و نکات مهم آن را یادداشت نمایید.
- چند تن از شاگردان متن درس را با صدای بلند بخوانند و کلمه های آن را درست تلفظ نمایند.
- کلمه های جدید متن را در کتابچه های خود در جمله های مناسب بکار ببرید.
- جمله ها ی زیر را تکمیل نمایید:
- ما با استفاده از.................. به زود ترین فرصت از اخبار جهان اطلاع حاصل می نماییم.
- رادیو در سال.................... توسط...................... اختراع گردید.
- رادیو در کشور ما در سال............ به............... آغاز کرد.
- چند واژه بنویسید که صفت نسبتی در آن به کار رفته باشد.
- با استفاده از پسوند نسبتی / گی / صفت نسبتی بسازید.

کارخانه گی

- در مورد اهمیت رادیو در عصر حاضر شش سطر بنویسید.

درس هفدهم

کوچی ها



شاگردان عزیز،

در درس گذشته راجع به رادیو و اهمیت آن در زنده گی انسان ها آموختید و از این طریق در مورد اقوام و قبایل افغانستان نیز شنیده اید، یکی از این اقوام کوچی ها می باشند که در این درس شما با زنده گی، عنعنات، رسوم، مسایل اقتصادی، فرهنگی و دیگر مشخصات آنها آشنایی حاصل خواهید نمود همچنان با ضمیر و اقسام آن آشنا می شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. چرا این قوم همیشه کوچ می کنند ؟

۲. این قوم بیشتر درکدام مناطق زنده گی دارند؟

افغانستان همانند بسیاری از دیگرکشور های جهان کشوری است متشکل از اقوام و قبایل گوناگون با زبانهای مختلف، رسم و رواجهای متنوع و شیوه های گوناگون زنده گی.

وجود کوه های سر به فلک و دشوار گذر، دشت های سوزان و بی آب وعلف، سرمای شدید، عدم موجودیت وسایل و امکانات و نبود راه ها، مناطق مختلف را از هم جدا نگهداشته و مردم هر منطقه را به خصایل زبان و رسوم جداگانه پروریده است. از شمار اقوام افغانستان یکی هم کوچی ها است، که تا هنوز در حالت خانه به دوشی وکوچی گری به سر مـی برند. آنها از راه مالداری و پرورش حیوانات اهلی چون گوسفند، بز، شتر، خر و اسـپ زنده گی می کنند و به چراگاه ضرورت دارند. چون افغانستان دارای اقلیم خشک است و در یکسال آن چهار فصل وجود دارد، چراگاه های سرسبز همیشه موجود نمی باشد، چراگاه های کوهستانی از ماه ثور تا نیمهٔ تابستان سرسبز اند. در خزان و زمستان دشت های هموار و وادیهای جنوب افغانستان تا سواحل بحر هند، بلوچستان و سند برای مالداران مساعد می گردد. از همین رو کوچی ها در بهار و تابستان در دامنهٔ سلسله کوههای بابا و هندوکش از پامیر و بدخشان و مرغاب، بادغیس و بامیان مواشی خود را به چرا می برند و پس از آن به دشت های هلمند، ارغنداب و سواحل اتک، پشاور و وزیرستان بر می گردند. شماری از مردم شمال غرب و مناطق کوهستانی که به پرورش مواشی وکشاورزی سرگرم اند، به صورت نیمه کوچی ها زنده گی خود را عیار کرده اند. آنها در تابستان به کوهستان های پیرامون خویش یکجا با مواشی شان مسکن گزین می شوند و در فصل سرما به روستاهای خویش باز می گردند. در میان این مردم تاجک ها، ازبک ها، ترکمنها، قزاق ها، عرب ها، قرغز ها، پشه یی ها، هزاره ها، ایماقها و دیگر اقوام و قبایل کشور وجود دارند. کوچی ها در تهیهٔ تولید شیر، روغن، پنیر، مسکه، قروت، گوشت، پشم، پوست و دیگر فراورده های حیوانی می کوشند. و از این راه به اقتصاد کشور مفاد زیادی می رسانند. آنها از راه فروش این تولیدات، احتیاجات خود را به دست می آورند. زنده گی آزاد و فارغ از قید و بند مدنی، کوچی ها را سالم و سر سخت بار آورده است. آنها دارای قامت های رسا، چشمان نافذ و اندام قوی می باشند. در میان کوچی ها زنان بیشتر از مردان زحمت می کشند، پخت و پز، بارگیری و جمع آوری علوفه و نگهداری حیوانات به دوش زنان است.

کوچی ها طرز زنده گی مخصوص خود را دارند. آنها در استفاده از لباس، خوراک و معاشرت خویش با دیگر ساکنان کشور فرق دارند، لباس دختران و زنان کوچی بیشتر به رنگ های سیاه، سرخ و لاجوردی یعنی رنگهای گرم می باشد. پیراهن و چادر های آنها با چرمه کاری و گلدوزی، زری کاری و گاهی با سکه های نقره یی تزیین می گردد. یخن های پیراهن های جوانان و نوجوانان نیز گلدوزی و واسکت های شان چرمه کاری می شوند. کلاه های گلدوزی شده و مرغوب به سر میگذارند. کوچی ها مانند بسیاری از مردم افغانستان مهمان نواز اند.

توضیحات

افغانستان تنها کشوری نیست که درآن اقوام و قبایل مختلف با زبانهای مختلف، نژادهای متعدد و رسم و رواجهای گوناگون زنده گی میکنند. درجهان کشورهای بسیاری وجود دارد که متشکل از اقوام و قبایل مختلف است؛ مثلاً ساکنان کانادا و امریکا متشکل از نژاد های فرانسوی، انگلیسی، هسپانیایی و سرخپوستان بومی استند. در ایران اقوام ترک، بلوچ، فارس، کُرد و عرب درکنارهم زنده گی می کنند. پاکستان نیزاز نظر ساختار اجتماعی متشکل است از اقوام پشتون، بلوچ، سندی و پنجابی. درکشور انگلستان هم انگلیسها و آیرلندیها باهم زنده گی می کنند.

قواعد دستوری

ضمیر و اقسام آن

ضمیر کلمه یی است، که جای اسم را می گیرد، وبرای رفع تکرار اسم استعمال می شود؛ مانند: خسرو، پرویز را دید و به او گفت. درینجا «او» به جای «خسرو» نشسته است. اگر چنین نمی بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم: پرویز، خسرو را دید و به خسرو گفت. که درین جمله اسم (خسرو) دوبار تکرار می شد. «خسرو» را مرجع ضمیرهم می گویند، و این همان قرینه است، که به ما می فهماند، منظور ازضمیر «او» همان «خسرو» است، و اگر«خسرو» نمی بود، ضمیر «او» مبهم و پوشیده می بود، چنانکه اگرمی گفتیم: او را دیدم. کسی نمی دانست که «او» کیست. پس نتیجه میگیریم، که ضمیر احتیاج به مرجعی دارد، که باید قبل ازان ذکرشود.

انواع ضمیر: در زبان دری، ضمیرسه نوع است: ۱ – ضمیرشخصی ۲ – ضمیر مشترک ۳ – ضمیراشاره، که باز هریک به چند دستهٔ دیگر تقسیم می شود و در درسهای آینده آن را خواهیم خواند.

خلاصهٔ درس

در افغانستان اقوام و قبایل گوناگون با زبانهای مختلف و عنعنات مختلف زنده گی می نمایند که از جمله یکی کوچی ها استند، آنها از راه مالداری و پرورش حیوانات اهلی و فروش محصولات آنها امرار معاش می کنند. زنده گی آزاد و فارغ از قید و بند مدنی دارند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

• فرق میان زنده گی کوچی و غیر کوچی چیست؟
• کوچی ها زنده گی خود را از کدام مدرک تأمین می نمایند؟
• کوچی ها به کدام نوع لباس علاقه دارند؟
• چند زبان رایج در افغانستان را نام ببرید؟
• چند شاگرد معلومات خود را در مورد اقوام و زبان های افغانستان به زبان ساده در برابر صنف بیان نمایند.
• شاگردان به دو گروه تقسیم شده در مورد زنده گی کوچی ها و رسم و رواجهای شان بحث همه جانبه نمایند؛ سپس از هرگروه یک نفر نتیجهٔ بحث خویش را در برابر صنف شرح دهد.

بخوان و بنویس

• متن درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون نویس نمایید.
• مفهوم درس را در حد اقل سه سطر بنویسید.
• کلمه های جدید درس را در کتابچه های تان بنویسید.

جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید

– زنده گی آزاد و فارغ از............... کوچی ها را سالم و............ بار آورده است.
– در میان کوچی ها.......... بیشتر از.......... زحمت می کشند.

کارخانه گی

– در مورد مشکلات کوچی ها و راههای حل آن مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

درس هجدهم

ماین چیست؟



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته دربارۀ اهمیت شاهراه ها و سرک ها معلومات حاصل کردید، امروز پیرامون ماین ها معلومات به دست می آورید که اگر ماین ها خنثی نشوند، امنیت راه ها و سرک ها به خطر مواجه می شود، همچنان با ضمیر مشترک آشنا می شوید.

۱. آیا ماین را از نزدیک دیده اید؟

۲. آیا انفجار ماینی را که سبب تخریب و سایط نقلیه و تلفات جانی و مالی شده باشد، مشاهده کرده اید؟

افغانستان از شمار کشورهایی است که بیشترین ماینها، مهمات منفجر ناشده در آن وجود دارد و تاکنون همۀ آنها پاکسازی نشده اند، همه روزه مردم ما در سراسر کشور از آنها آسیب می بینند تا جایی که ماهانه کم از کم دهها تن از اثر ماینها کشته یا زخمی می شوند.

افغانستان از سه دهه بدینسو درگیر جنگهای بی شمار بوده است. در نتیجۀ ا ین جنگها، سراسر کشور به مرکز ماین ها مبدل شده است که باوجود پاک سازی بسیاری از مناطق کشور از ماینها، باز هم این دشمنان مردم افغانستان در بعضی جایها باقی مانده اند.

ماینها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی شان بردوگونه می باشند:

۱ـ ماینهای ضد انسان (ضد پرسونل)

۲ـ ماینهای ضد وسایط

ماینهای ضد پرسونل (انسان) از چوب، پلاستیک، آهن و دیگر فلزات به اشکال گوناگون ساخته می شوند که با اندک فشار دست یا پا، منفجر و سبب مرگ و یا زخمی شدن انسانها و حیوانات میگردند. ماینها به شکل رادیو، بکس، قلم، توته های نل، ساعت دستی و یا دیواری، زیورات، سامان بازی و دیگر سامان آلات کار آمد، ساخته شده و پخش می گردند. به مجرد تماس انسان یا حیوان آنها منفجر می شوند و آنچه را که در گرد و پیش شان باشد، ازبین می برند.

افزون برماینها، مهمات منفجر ناشده چون: راکتها، بمبهای دستی، و طیاره، مرمی های ماشیندار، تفنگها، توپها، هاوان ها و غیره موجود اند. این مهمات در مناطقی باقی مانده است که محلات بود و باش نظامی ها، میدانهای جنگ، ترصدگاها، سنگر بندیها، قرار گاه ها و پوسته ها بوده اند.

مهمات مذکور گاه ناگاه سبب مرگ یا زخمی شدن کودکان، نوجوانان، کلان سالان و حتی حیوانات می شوند.

ماینها و مرمی هایی که بر روی زمین قرار دارند، قابل دید و شناخت می باشند؛ اما ماینهایی که در زیر خاک پنهان اند انسانها را همیشه غافلگیر می نمایند و تلفات بسیاری رابه بار می آورند که از آن جمله ماینهای ضد تانک می باشند.

ماینهای ضد تانک به ژرفای نیم تا یک متر در جاده های خاکی و دو جانب سرکهای پخته دفن می شوند. به مجرد که تانکها و دیگر وسایل نقلیهٔ سنگین از بالای شان بگذرد؛ آنها منفجر می شوند و وسیلهٔ مورد نظر را از بین می برند.

شناخت و کشف اینگونه ماینها بدون وسایل کشف و سگ های تعلیم دیدهٔ مخصوص ممکن نیست.

شاگردان عزیز،

شما باید حین گشت و گذار و بازی علامه ها و نشانه هایی را که خواندید، در نظر بگیرید و به سامان و چیز هایی که در دشتها، کوه ها، جنگل ها و مزارع نشانه و علایم مهمات منفجر ناشده چون:

سنگها، دیوار ها و بریده گی های سنگی که آبی رنگ شده و نشانهٔ مهمات منفجر ناشده و ساحهٔ جنگزده می باشد نزدیک نشوید.

- سنگها، پایه ها و علایمی که به رنگ سفید، رنگ شده و نشان دهندهٔ ساحهٔ پاک شده از ماین و مهمات می باشد.
- سنگها، دیوار ها و ساحاتی که با رنگ سرخ شده و علامت خطر موجودیت ماین رانشان می دهد، نزدیک نشوید.

برعلاوه این نشانه ها، علایم محلی دیگری نیز موجود اند که آنها قرار زیر اند:

۱. پایه و نشانه یی که ساحهٔ خطرناک را نشان دهد.
۲. شاخه ها و تیر هایی که در عرض جاده ها قرارداده شده باشند.
۳. دیوار های سنگی که جاده را بند کرده باشد.
۴. علامه های چلیپا که از چوب ساخته شده باشند.

توضیحات

اگر میخواهید از خطر مرگ و عیبی شدن در امان باشید. هرگز به ساحهٔ خطرناک ماینها و مهمات منفجر نا شده داخل نشوید؛ زیرا خودتان صدمه می بینید، شما باعث انفجار دیگر خواهید شد به یاد داشته باشید در ساحه یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین های بیشتر هم است. در صورت مواجه شدن به قربانی ماین هرگز داخل ساحهٔ ماین زار نشوید هر چه زودتر به ماین پاکان یا بزرگان محل خبر دهید از کمک های غیر مسلکی خود داری نمایید.

قواعد دستوری

ضمیر مشترک

ضمیری است که برای شخص های اول، دوم و سوم (متکلم، مخاطب، و غایب) اعم از مفرد و جمع به گونه یکسان و مشترک استعمال شود و عبارتند از: خود، خویش و خویشتن که هر کدام آن برای مفرد و جمع هر سه شخص به کار برده می شود، مانند:

- خود گفتم، خود گفتیم، خود نوشتی، خود نوشتید، خود رفت، خود رفتند.
- نامهٔ خویش نوشتم، نامه های خویش نوشتیم، نامهٔ خویش نوشتی، نامه های خویش نوشتید، نامه خویش نوشت، نامه های خویش نوشتند.
- کار خویشتن را انجام دادم، کارهای خویشتن انجام دادیم، کار خویش انجام دادی، کارهای خویشتن انجام دادید کار خویش انجام داد، کارهای خویشتن انجام دادند.

خلاصهٔ درس

ماینها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی به دوگونه است:

ماینهای ضد انسان (ضد پرسونل) ماینهای ضد تانک. شناخت و کشف اینگونه ماینها بدون وسایل کشف و سگ های تعلیمی مخصوص ممکن نیست.

نشانه ها و علایم مهمات منفجر ناشده، علاوه بر نشانه های رسمی ماین پاکی، علایم محلی دیگر نیز موجود است که خطرات ماین و دیگر مهمات منفجر ناشده را نشان می دهند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- ماینهای ضد انسان به کدام اشکال ساخته می شوند؟
- چند نفر روزانه در اثر انفجار ماینها در وطن عزیز ما کشته می شوند؟
- علایم و نشانه های مهمات منفجر ناشده کدامهاست؟
- کدام ماینها در زمین کشت و از نظر پنهان نگهداشته می شود.

شاگردان اجرا کنند

- شاگردان درمورد اقسام ماین ها و خطرات آنها در گروه های مختلف با هم مباحثه نمایند و نتیجهٔ صحبت هارا یک شاگرد از مقابل صنف به دیگران بگوید.
- شاگردان با مطالعهٔ درس ماین، احساس خود را به همدیگر بیان کنند.

- در بارهٔ ضمیر مشترک (خود، خویش و خویشتن) چه می دانید، در گروه ها تقسیم شده بحث و گفتگو کنید و از هر گروه یک نفر یک مثال بگوید.
- چطور می توان ماینها را شناسایی کرد؟

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و واژه های جدید را بیرون نویس نمایید.
- واژه های ماین، انفجار، دست و کوه را در جمله های مناسب به کار ببرید.
- ماینهای ضد انسان از..............................،..............................، آهن و دیگر........................ .... به اشکال گوناگون ساخته می شوند که با.............................. فشار دست یا پا،.......................... و سبب.............................. و یا زخمی شدن انسانها و حیوانات می گردد.

کارخانه گی

شاگردان در مورد جلوگیری از خطرات ماین مقاله یی در هفت سطر در کتابچه های خود بنگارند.



درس نزدهم

ضرر های مواد مخدر



شاگردان عزیز،

دردرس گذشته درمورد ماین، انواع آن خسارات و تلفاتی که به بار می آورد معلومات حاصل نمودیم. اکنون با یکی ازموارد دیگری که باعث ضرر وخساره برای انسان ها می گردد، آشنایی حاصل می نمایید که این مورد، اضرار مواد مخدر است. همچنین با عدد و انواع آن آشنا می شوید. اکنون بگویید که:

۱. مواد مخدر به چه چیزهایی گفته می شود؟

۲. مواد مخدر چه ضررهایی را در قبال دارد؟

مواد مخدرچیست ؟

مواد مخدر عبارت ازمواد نشه آوری است که مصرف متداوم آن فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده و درصورت استعمال پی در پی اعتیاد روانی وبدنی راسبب می گردد. مواد مخدرهم به صورت طبیعی وجود دارد؛ مانند: تریاک که ازبتهٔ خشخاش به دست می آید وهم به طورمصنوعی وکیمیاوی درلابراتوارها ساخته می شود؛مانند: هیرویین، مورفین، کوکیائین وغیره.

برخی ازاین مواد ارزش استفادهٔ طبی دارد و درساختن بعضی دواها به فیصدی بسیارکم استفاده می گردد، که مصرف بیش ازضرورت آن ویا بدون اجازهٔ داکتر خطرات جدی وزیان آوری را به دنبال دارد. استفادهٔ مواد مخدر به خصوص ازطریق پیچکاری به صحت انسان بسیار مضر وخطرناک می باشد. همچنان سبب زیان های جدی وخطرناک صحی ازقبیل ابتلا به امراض مزمن وکشنده چون انواع مختلف سرطان، سکته های قلبی، زردی وغیره گردیده، مشکلات بیشمار اجتماعی واقتصادی ازقبیل قتل، سرقت، فقر،گدایی وتباهی سرمایه های بزرگ بشری را به دنبال دارد.

دین مقدس اسلام استعمال مواد مخدر را به خاطر این که به صحت و سلامت انسان ضرر دارد و جامعه را به طرف انحطاط اخلاقی می کشاند منع قرارداده است وکسانی را که به قاچاق آن دست می زنند دشمنان انسان وانسانیت می داند.

اشخاصی که به طورمداوم مواد مخدر را مصرف می نمایند واستفاده از آن به عادت همیشه گی و وابسته گی روانی آن ها مبدل شده است معتاد گفته می شوند.

در وطن عزیز ما افغانستان هم بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵– ۳۵ سال تشکیل می دهند. وجود دارند که مردم آن ها را به نام هیرویینی یا (پودری) یا د می نمایند.

اشخاص پودری ازجامعه منزوی شده و در نزد افراد جامعه خیلی منفور و بی قدر اند، مردم با آنها به حیث یک مجرم برخورد می نمایند؛ زیرا آنها دشمنان جسم و جان خود و بار دوش جامعه میباشند؛ اما در حقیقت معتادان مواد مخدر افرادی اند که بنابر مشکلات روانی، عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، همنشینی با اشخاص بی بند و بار و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی، نا خواسته به دام این دیو خطرناک افتاده اند. این مسؤولیت همهٔ افراد جامعه، دولت و مؤسسات غیردولتی و بین

المللی است تا دررفع این مشکل دست به دست هم داده با معتادان درحد امکان همکاری وآن هارا رهنمایی نمایند تا ازاین بد بختی نجات پیداکنند.

چگونه می توانیم یک شخص معتاد را تداوی کنیم ؟

نکتهٔ اساسی ومهم درتداوی فرد معتاد این است که با وی به حیث یک شخص مریض ویک عضو جامعه که محتاج کمک است رفتار شود، نه به حیث یک شخص مجرم، خطا کار وگنهکاری که مستوجب مجازات باشد. اگرفرد معتاد به خاطرآماده شدن به تداوی وترک مواد مخدر تشویق نشود و با او روش مبتنی بردشمنی ویا عدم همکاری صورت بگیرد بدون شک که فرد معتاد هیچگاه حاضر به ترک اعتیا د نخواهد شد.

اضرار مواد مخدر

استعمال مواد مخدر زیان های بیشمار جسمی وروانی دارد که به گونهٔ مثال ذیلاًبیان می گردد:

- ضعیف ساختن سیستم دفاعی بدن.

– کندی فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی.

– سرعت ضربان قلب.

– سرطان شش وگلو.

– ضعیف نمودن حواس باصره، شامعه و ذایقه.

– بالابردن فشار خون.

– بالا بردن چربی خون.

– سکتهٔ قلبی.

– سکتهٔ مغزی.

– ایجاد بی حالی درشخص مصرف کننده.

– ایجاد اختلال درسیستم تنفس.

– اختلالات روانی (افسرده گی، پریشانی، گوشه گیری و نا امیدی)

توضیحات

درمورد استفادهٔ طبی مواد مخدر باید گفت: که در صنعت طب از مواد مخدر با فیصدی بسیار کم برای ساختن برخی دواها استفاده می شود؛ اما باید در مصرف آن احتیاط صورت گیرد وطبق هدایت داکتر از آن دوا ها استفاده شود.

سرطان: مرض کشنده یی است که درجهان تا اکنون هم برای علاج آن دارویی کشف نشده است.

اشخاص پودری: افرادی که به مواد مخدر به خصوص هیرویین مبتلا باشند.

قواعد دستوری

عدد و انواع آن

به جملهٔ زیر نگاه کنید.

- در وطن عزیزما افغانستان هم بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵– ۳۵ سال تشکیل می دهد وجود دارند.

درین جمله «۱۵» و «۳۵» عدد می باشد.

تعریف عدد

آن است که شماره را بیان کند، وچیزی را که شمرده شود معدود می گویند؛ مانند: دومیز، چهارچوکی، که «دو» و «چهار» عدد و «میز» و «چوکی» معدود می باشند.

درزبان دری معدود با عدد در جمع و مفرد بودن مطابقت نکرده و همیشه مفرد می آید؛ مانند: چهارکودک، پنج کبوتر، که: «چهارکودکان» و «پنج کبوتران» نمی گویند.

انواع عدد: درزبان دری عدد پنج گونه است، که عبارتند از: ۱- اعداد ترتیبی یا وصفی ۲- اعداد اصلی ۳- اعداد ترکیبی ۴- اعداد توزیعی ۵- اعداد کسری

خلاصۀ درس

مواد مخدر یا نشه آور فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی را تغییرداده، سبب امراض مزمن وکشنده مثل انواع مختلف سرطان ، سکته ها ی قلبی، بالا بردن فشار خون، اختلال درسیستم تنفسی وغیره شده مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛ مانند: قتل، سرقت، فقر، گدایی وغیره را به دنبال داشته و جامعه را به سوی انحطاط اخلاقی می کشاند. پس مسؤولیت همۀ افراد جامعه و دولت است تا برای رفع این مشکل، افراد معتاد را کمک نموده به راه راست رهنمایی نمایند تا ازاین بدبختی نجات یابند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- مواد مخدر چیست؟
- درمورد ضررهای مواد مخدراستدلال خود را بگویید.
- مواد مخدر چگونه مشکلات اقتصادی واجتماعی را به بارمی آورد ؟
- چطور می توانیم افراد معتاد را کمک کنیم ؟

به دوستانت بگو

- ازضررهای عمدۀ مواد مخدر مبتلا شدن به امراض مزمن وکشنده یی چون انواع مختلف سرطان، فشارخون وغیره امراض می باشد.
- استعمال مواد مخدراختلالات روانی؛ مانند: افسرده گی، گوشه گیری و نا امیدی را نیزدرپی دارد .

• مشکلات اجتماعی واقتصادی مثل قتل، سرقت، فقر، گدایی وتباهی نیز از پیامد های استعمال مواد مخدر است.

• شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، و در مورد اضرار، عواقب، مشکلات اجتماعی واقتصادی مواد مخدر وراه های کمک ونجات افراد معتاد با یکدیگر درگروه ها بحث نمایند. در آخر نماینده هر گروه در برابر صنف نتیجهٔ بحث های گروه خود را بیان نماید.

بخوان وبنویس

متن را دقیق بخوانید بعد درمورد زیان های صحی واجتماعی استفاده ازمواد مخدر پنج سطربنویسید.

جاهای خالی را پر کنید

- استفادهٔ مواد مخدر به......... ازطریق........ به صحت انسان مضر و خطرناک می باشد.
- یکی از زیان های مواد مخدر ضعیف نمودن.......... باصره .... و......... است.

ازچهارجواب یکی را تأیید کنید:

مواد مخدر به معنای:

۱. مواد نشه آور
۲. تریاک
۳. مواد مضر
۴. مواد مفید

کارخانه گی

• مفهوم درس را خلاصه نموده درچند سطر بنویسید.

• واژه های زیر را در جمله های مناسب به کار ببرید:

مواد مخدر، تریاک، لابراتوار، افسرده گی، گوشه گیر.

درس بیستم

رابعهٔ بلخی (شاعر و عارف قرن چهارم)



شاگردان عزیز،

در درسهای گذشته با عایشهٔ درانی و آثار و افکار او آشنایی حاصل نمودید. درسی را که اکنون می آموزید در بارهٔ شناسایی عارف و شاعر سدهٔ چهارم هجری است که در تاریخ ادبیات دری به رابعهٔ بلخی معروف است ونیز با اعداد اصلی آشنا می شوید. اکنون از شما پرسیده می شود که:

۱. با نام چند تن از شاعر زنان زبان دری آشنایی دارید؟ نام ببرید.

۲. درکشورما چرا تعداد شاعر زنان کمتر از مردان اند؟

رابعهٔ بلخی در میان شاعران زبان و ادبیات دری از شهرت خاصی برخوردار است. پدرش ((کعب)) نام داشت و ازکارمندان بلند رتبهٔ عصر سامانی بود که در سیستان، قندهار و بست حکمرانی می کردند. پدرش در آموزش و پرورش این شاعر توانا و جوان با علاقه مندی خاص توجه داشت. رابعهٔ جوان با داشتن علم و کمال و جمال و سخنوری شهرت یافت. او معاصر رودکی سمر قندی ملک الشعرای زمان سامانیان است، اشعارش در حوزهٔ ادبی خراسان آن زمان در کنار شاعران مشهوری چون شهید بلخی، ابو شکور بلخی و دقیقی بلخی علاقه مندان زیاد داشت. یکی از حوادث مهم در زنده گی رابعه، که در تاریخ ادبیات دری از شهرت بس بزرگ برخوردار است و نام او را در دل زمانه ها ماندگار و بلند آوازه ساخته، عشق نافرجام وی به بکتاش غلامی از غلامان برادرش «حارث» بود که انجامش به عشق حقیقی پیوست و برادرش او را به بدگمانی به شهادت رسانید.

در بارهٔ ماجرای عشق رابعه و بکتاش و اشعار دل انگیز و عاشقانهٔ او نویسنده گان و سخنوران از جهات مختلف نگریسته و بحث های زیادی در آن باره داشته اند. چنانکه عده یی او را شاعر شیفته حال و دلدادهٔ عشق بکتاش دانسته و با داشتن عشق مجازی متهم می کنند؛ ولی عده یی دیگر از عرفا و صوفیان عشق رابعه را نه از سرهوا و هوس؛ بلکه ناشی از غلیان عشق حقیقی الهی و لاهوتی معرفی کرده و آن را ستوده اند؛ قسمی که شیخ بزرگوار ابو سعید، شیخ فرید الدین عطار و مولانا عبدالرحمن جامی در آثار شان عشق رابعه را نه از گونهٔ عشق مجازی، بلکه محبت واقعی و خدا جویانه خوانده اند و هم او را از سراینده گان نخستین اشعار عارفانه در ادبیات فارسی دری می دانند که متاسفانه از این شاعر عفیفه، اشعار اندکی در دسترس است و طی ادوار تاریخی از سوی هنر دوستان همواره مورد دلچسپی خاص قرار گرفته و از زبانی به زبانی و از سینه یی به سینه یی زمزمه می شده است.

نمونهٔ کلام

زبس گل که در باغ مأوی گرفت	چمن رنگ ارژنگ مانی گرفت
مگرچشم مجنون به ابر اندر است	که گل رنگ رخسار لیلی گرفت
به می ماند اندر عقیقین قدح	سرشکی که در لانه مأوی گرفت
قدح گیر چندی و دنیا مگیر	که بد بخت شد آنکه دنیی گرفت
سر نرگس تازه از زر و سیم	نشان سر تاج کسری گرفت
چو راهبان شد اندر لباس کبود	بنفشه مگر دین ترسی گرفت

همچنان او زیبایی های طبیعت را چنین می ستاید:

فشاند از سوسن و گل سیم و زر باد — زهی بادی که رحمت باد بر باد
که دُر بارید هردم درچمن ابر — که جان افزود خوش خوش درشجر باد
گل خوشبوی ترسم آورد رنگ — ازین غماز صبح پرده در باد
برای چشم هر نا اهل گویی — عروس باغ را شد جلوه گر باد
عجب چون جسم خوشتر می رود خواب — چرا افگند گل را درسحر باد

قواعد دستوری

اعداد اصلی

اعدادی را می گویند که خود اصل و اساس اعداد دیگر است، یعنی اعداد دیگر از اینها ساخته میشوند. اعداد اصلی عبارتند از: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد و هزار. این اعداد را ساده یا مطلق نیزگویند.

خلاصهٔ درس

رابعهٔ بلخی از شاعران و از چهره های درخشان ادب دری است. او دختر کعب از کارمندان بلند رتبهٔ عصر سامانی محسوب می شود. رابعه در جوانی با داشتن علم، کمال، جمال و سخنوری شهرت خاص یافت.

وی معاصر ملک الشعراء رودکی سمرقندی بود. آنچه که نام او را پر آوازه ساخته است، عشق او به بکتاش نام، غلام برادرش حارث بود که انجامش به عشق حقیقی وملکوتی رسیده بود. برادرش به او بدگمان شد و او را به شهادت رسانید. رابعه اشعار دل انگیز و عاشقانه و عارفانه دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- شاگردان در بارهٔ ویژه گیهای اشعار رابعهٔ بلخی مباحثه کنند.
- شاگردان با مطالعهٔ درس رابعهٔ بلخی او را چگونه شخصیتی می پندارند؟
- چرا رابعهٔ بلخی توسط برادرش حارث به شهادت رسید؟

به دوستانت بگو

- این بیت چه معنی دارد؟

چو راهبان شد انـدر لباس کبـود　　　بنفشه مگـر دیـن ترسـی گرفت؟

بخوان و بنویس

- شاگردان خلاصهٔ درس را نظر به برداشت خود در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان جمله های زیر را در کتابچه های شان بنویسند و خانه های خالی آنرا پرکنند:

– رابعه به لقب ____________ معروف است و او دختر ____________ می باشد.

– او هم عصر ____________ و ملک الشعرای عصر سامانی بود.

– رابعه بلخی اشعار ____________ و ____________ سروده است.

کارخانه گی

- شاگردان یک شعر ازمتن درس را در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان این ابیات رابعهٔ بلخی را حفظ کنند.

سـر نـرگـس تـازه از زر و سیـم　　　نشـان سـر تـاج کسـری گرفـت

چو راهبان شد انـدر لباس کبـود　　　بنـفشه مگـر دیـن ترسـی گرفت

درس بیست و یکم

حقوق بشر



تفهیم «حقوق بشر» به شاگردان وتقویت مهارت های زبانی و آشنایی با اعداد ترتیبی، هدف درس را تشکیل می دهد.

هر انسان حق دارد از فیض علم و دانش بهره مند گردد، فردی که مکتب برود، سواد می آموزد و دانش می اندوزد. پس طلب علم بر مرد وزن مسلمان فرض است.

چرا طفلی که به خاطر فقر نمی تواند در مکتب درس بخواند، حقوق بشری وی زیر پاشده است؟

قبل از آنکه سیر تاریخی حقوق بشر را به بحث بگیریم، لازم است که مفهوم حق را بدانیم.

حق که جمع آن حقوق می باشد عبارت است از:

- نام خداوند (ج)
- جواز وصلاحیت
- طلب
- استحقاق
- ضد باطل

سرانجام حق آن واقعیتی است که فرد صاحب حق، مستحق دست یابی به آن باشد تمام افراد بشر به خاطر اینکه انسان استند، صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب وتابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می باشند.

خداوند (ج) قبل از همه به انسان کرامت ارزانی نموده است. انسان حق زنده گی، آزادی، مالکیت، گشت وگذار، آزادی بیان درمساوات زیستن، عدالت در مورد خود را دارد. پس حقوق بشر مبین حق های طبیعی، شرعی و قانونی هرانسان می باشد.

حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر شامل حقوقی است که یکجا با زنده گی انسان گره خورده است. به عبارهٔ دیگر حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن دانسته می شود.

دین مقدس اسلام حقوق انسان را در عرصه های مختلف پشتیبانی نموده است. خداوند (ج) به انسان کرامت اعطا نموده است. از اینرو انسان برخوردار از حق کرامت می باشد. باظهور دین مقدس اسلام دیگر نه عرب برغیر عرب، نه سیاه بر سفید و نه سفید برسیاه برتری دارد؛ بلکه معیار برتری صرف بر تقوا وپرهیز گاری است. بعد از اسلام کسی حق نداشت تا دختران خودرا در فردای تولدش زنده به گور کند، زن نیز انسان است و بندهٔ خدا (ج) می باشد.

تبارز حقوق بشر

بعد از دو جنگ جهانی صرف نظر از سایر خسارات، اضافه از ۵۵ میلیون تلفات انسانی را با

خود داشت که تا اکنون تلافی آن به بسیاری از کشور ها دشواری های مختلف را خلق نموده است. سر انجام در دهم دسامبر (۱۹۴۸م) اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در قصر شاپلوی پاریس در کشور فرانسه به خاطر حقوق بشر اعلامیه جهانی را در (۳۰) ماده به تصویب رسانید که در واقعیت امر به خواست میلیون ها انسان کرّهٔ زمین پاسخ منطقیی بود. این اعلامیه با ۴۸ رای موافق، بدون رای مخالف و ۸ رای ممتنع به تصویب رسید. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به زبان های مختلف کشورهای جهان ترجمه شده است. بعداً فهرست زبانهایی که این اعلامیهٔ جهانی به آن ترجمه گردید نشر شد که رقم آن به (۷۰) زبان می رسید. به تعقیب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر سه سند حقوق بشری دیگر نیز به تصویب رسید که تکمیل کنندهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به شمار می رود.

حقوق بشر روبه جهانی شدن می رود، طوری که دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در جریان تحولات بین المللی وپس از جنگ سرد در سال (۱۹۹۳) م. که در شهر (وین) کشور اتریش تدویر یافت بیانگر این واقعیت بود که باشرکت (۱۷۱) کشور تدویر یافت در حالیکه در سال (۱۹۴۸) شمار کشور هایی که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را امضا نموده بودند از ۴۸ کشور بالا نمی رفت. ناگفته نباید گذاشت که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بر چهار ستون مستحکم استوار بوده که عبارت از اصل های «آزادی، برابری وبرادری ونفی تبعیض» است. و این چهار ستون در برگیرندهٔ حقوق و آزادی های شخصی، حقوق فرد در مناسباتش باگروه های اجتماعی ودنیای بیرونی، آزادی های معنوی وحقوق مدنی وسیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی می باشد.

توضیحات

– حقوق مدنی: حقوقی است که شهروندان به موجب قانون اساسی وسایر قوانین دیگر هرکشور از آن برخوردار اند. آزادی بیان وحق رای از جملهٔ حقوق مدنی به شمار می رود.

– آزادی بیان: یعنی هر فرد حق دارد فکر خودرا به وسیلهٔ گفتار، نوشتار، تصویر ویا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماید.

قواعد دستوری

اعداد ترتیبی

عدد ترتیبی که عدد وصفی یا عدد توصیفی هم گفته می شود، عبارت از آن نوع عدد است که نمایشگر درجه ومرتبهٔ معدود (چیز شمار شدنی) یا موصوف می باشد عدد ترتیبی یا وصفی دارای پسوند های / – ام /، / – امین / و / – این / می باشد، مانند:

–	م	دو	– دوم	منزل دوم اپارتمان.
–	مین	چهار	– چهارمین	چهارمین باراست که او این جا می آید.
–	ین	اول	– اولین	اولین بارنیست که وی از کنارموضوع می گذرد.
–	وم	سه	– سوم	سوم نمره شده بود.
–	یم	سی	– سی یم	سی یم روز ماه هم غیر حاضر شده بود.

خلاصهٔ درس

حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن می باشد. افراد بشر به خاطر اینکه انسان استند صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب وتابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می باشند.این اعلامیه دارای چهار ستون می باشد که در این چهار ستون حقوق وآزادی های شخصی حقوق فرد باگروه های اجتماعی، آزادی های معنوی، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی در نظر گرفته شده است.

عدد ترتیبی را توصیفی نیز می گویند وعبارت از عددی است که نمایشگر درجه ومرتبه معدود یا موصوف خود می باشد؛ مثلاً: اولین روز، هزارمین شب، صدم مرتبه و...

فعالیت ها

بشنو و بگو

- حقوق را تعریف کنید.
- دین مقدس اسلام در مورد حقوق بشر چه گفته است؟
- اعلامیه جهانی حقوق بشر چه وقت وبوسیلهٔ کدام ارگان تصویب شد؟

جمله های زیر را بشنوید و اعداد ترتیبی آنرا به حافظه بسپارید.

- اسد وخواهرش اولین بار است که پنجمین سالگرد تولد شان را جشن گرفتند.
- گلالی در سومین طبقهٔ آپارتمان زنده گی می کند.

شاگردان اجرا کنند

- درباره حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر وتبارز حقوق بشر دو دو نفر نزدیک تخته رفته به سؤال وجواب بپردازید.
- متن درس را دوشاگرد در نزدیک تختهٔ صنف بخوانند.

بخوان وبنویس

- این کلمه ها املا گفته شود: صلاحیت، ضد، باطل، تحفه الهی، اعطا، معیار، خسارات.

جا های خالی را پر کنید

- حقوق بشر حقوقی است که یکجا با..... انسان گره خورده است.
- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با (۴۸).... و (۸).... به تصویب رسید.
- عددیکه نمایشگر درجه ومرتبه...... باشد، ترتیبی گفته می شود.
- هرشاگرد در کتابچه های خود تعریف حقوق بشر را بنویسد.

- صحیح ترین پاسخ ها را بانوشتن (ص) انتخاب کنند:

حق به معنای ذیل می باشد:

الف – ضد باطل (   ) ب – استحقاق (   )

ج – طلب (   ) ج – هرسه صحیح است (   )

کارخانه گی

- شاگردان، آنچه از درس (۲۱) فهمیده اند،با ادبیات خود بنویسند و به ساعت بعد آنرا در مقابل صنف بخوانند.

درس بیست و دوم

ضرب المثل ها



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد نصایح و اندرز ها که توسط بزرگان ودانشمندان برای راهنمایی مــردم گفته شده بــود چیز هـــایی دانستید، و درس جدید در مـــورد ضرب المثل ها ست که ضرب المثل ها نیز توسط بزرگان و دانشمندان گفته می شود و از جملهٔ موضوعات فلکلوری (فرهنگ و دانش عامیانه) است. همچنین با عدد ترکیبی آشنا می شویم.

می توانید یکی دو ضرب المثل عامیانه بگویید ؟

ضرب المثل عبارت ازمفاهیمی است که مردم درلحظه های خوشی وسرور وبه هنگام خسته گی های زنده گی آن را به زبان می آورند که درآن پند واندرز و نصیحت هایی که رسا وبلیغ ازحکمت می باشد، موجود است. ازآنجا که ضرب المثل درکوتاهی لفظ و رسایی معنی، کنایه وتشبیه نقش عمده دارد، آنرا نسبت به دیگرانواع سخن برتر و کوتاه تر دانسته اند. هم چنان مقصود ازاستعمال ضرب المثل، همانا پیدا نمودن استناد وپشتوانه برای سخنان خود گوینده است؛ تا مطالبش را موجه جلوه دهد.

ضرب المثل نوع معلوم ومشهور آفریده های مردم است. این نوع هم در گفتار وهم درنوشتار به کار گرفته می شود. ضرب المثل ها جهت های گونا گون روابط انسان ها را بازتاب می دهد؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست.
- بزدرغم جان کندن وقصاب در غم چربو.
- آب اگر از سر پرید چه یک نیزه چه صد نیزه.
- مزن بر دروازهٔ کسی با انگشت که نزند به دروازهٔ ات با مشت.

این ضـــرب المثل ها نتیجهٔ سال ها تجــربه و مشاهدهٔ زنده‌گی عامه است. این ها همـــه در حکمت، دانش، فضل و خرد، جهانبینی مردم، تبلور و بازتاب یافته و گـــره خـــورده است. در این ضرب المثل ها تجارب زنده گی اجتماعی وتاریخی مردم به طور عبرت انگیز بیان می شود.

توضیحات

در توضیح ضرب المثل (مزن به دروازۀ کسی با انگشت که نزند به دروازه ات با مشت) باید گفت: به کسی ضرر کم هم نرسان که برایت ضررزیاد نرساند.

قواعد دستوری

عدد ترکیبی

به اعدادی گفته می شود، که ازترکیب دوعدد تشکیل شده باشد؛ مانند: دوازده، بیست وچهار، ششصد، دوهزار، چهل وپنج.

خلاصۀ درس

ضرب المثل سخنان کوتاه، مؤجز و پند آمیز است که مردم در لحظه های خوشی و یا هنگام خسته گی به زبان می آورند. گوینده ضرب المثل را برای پشتوانه یی سخنان خـــود به کار می برد. در ضرب المثل ها جهت های مختلف حیات انسان ها، بازتاب داده می شود؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست
- بزدرغم جان کندن وقصاب در غم چربو

این ضرب المثل ها نتیجۀ سالها تجربۀ زنده گی است.

فعالیت ها

بشنو و بگو

• شاگردان نخست به صورت دسته جمعی به متن درس که ازطرف معلم خوانده می شود گوش فرا دهند وسپس جمله های اساسی وحیاتی آنرا ازمتن استخراج وبه نوبت درصنف ارائه کنند.

• شاگردان دربارهٔ مفهوم اساسی ضرب المثل با همدیگر بحث وگفتگو نمایند.

• ضرب المثل ها چگونه صنایع بدیعی را دارا می باشند.

بخوان و بنویس

• شاگردان خلاصهٔ درس را به عبارا ت خود در کتابچه های شان بنویسند.

• شاگردان جمله های زیر را درکتابچه های شان بنویسند وجاهای خالی را پرنمایند.

۱. ضرب المثل سخنان (   ) است که مردم درلحظه های خوشی (   ) می آورند.

۲. ضرب المثل ها جهت های مختلف حیات (   ) داده می شود.

۳. دشمن دانا (   ) از (   ). بز در غم (   ) و قصاب در غم (   )

کارخانه گی

• هر یک ازشاگردان حد اقل پنج پنج ضرب المثل را پیدا کرده درصنف ارائه دارند.

درس بیست و سوم

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب



شاگردان عزیز،

دردرس های گذشته با چند شاعرزبان دری ونمونه های کلام آنان آشنا شدید، دراین درس با شاعردیگری به نام ملک الشعراء استاد بیتاب آشنا می شوید، وخواهید دانست که او درکجا به دنیا آمده، چگونه به سرایش شعرپرداخته، موضوعات شعری او را چه تشکیل می دهد ودرعصرش اوضاع شعر وادبیات چگونه بوده است؛ همچنان با اعداد کسری آشنا می شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. خواندن اشعار و دانستن افکار او برای ما چه فایده دارد؟

۲. لقب «ملک الشعراء» چه معنی دارد و برای چه کسانی داده می شود؟

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب، عالم، فاضل و ادیب کشور در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در قصاب کوچۀ شهر کابل دیده به جهان گشود. پدرش ملا عبدالاحد نام داشته و به شغل عطاری امرار معاش می کرد. بیتاب در سن هشت سالگی پدر را از دست داده و تحت سر پرستی ماما هایش ملا عبدالغفور آخند زاده و ملا عبداالله خان که یکی از عالمان معروف آن زمان بودند قرار گرفت. استاد بیتاب بعد از فراگیری علوم دینی، منطق، ادبیات دری وعربی درجوانی به صفت معلم در یکی ازمکاتب ابتدایی کابل شروع به تدریس نمود. سپس مدت هژده سال در فاکولتۀ ادبیات وعلوم بشری پوهنتون کابل بحیث استاد زبان و ادبیات دری وظیفه اجرا نموده و در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به حیث سناتور در پارلمان انتصاب شد. ایشان مدت پنجاه ویک سال از عمر خویش را در تربیۀ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی وعرفانی سپری کرده و با شوق و علاقۀ فراوان آنها را یاری رسانیده اند. در سال ۱۳۳۱خورشیدی لقب پر افتخار«ملک الشعراء» را کمایی نموده و نیز درهمین سال رتبۀ علمی «پوهاند» را به دست آورد.

استاد بیتاب درفن شاعری شاگرد ملک الشعراء قاری عبدالله بود. سروده هایش درساده گی و روانی دلپذیری خاصی داشت. ازانواع سخن به غزل، قطعه ومخمس علاقۀ بیشتر داشته و درهمۀ این قالبها طبع آزمایی نموده است. وی در سروده هایش بیشتر موضوعات آزادی خواهی، نوع پروری، وطندوستی و صلح جویی را گنجانیده است؛ همچنان به مسایل اخلاقی، تربیوی، نصایح و اندرزها درشعرش تاکید فراوان شده است. او نفاق، دو رویی، بیکاری، تن پروری وغفلت را همه جا درشعرش نکوهش کرده است.

بیتاب بهترین ایام زنده گی خویش را در تألیف و تدوین آثار گرانمایۀ ادبی صرف کرد وآثاری؛ مانند: دستور زبان، بدیع، بیان، معانی، عروض وقافیه را ازخویش به جا گذاشت که کارنامه های علمی این استاد گرانمایه درگنجینۀ فرهنگی ما جایگاه جاویدان خواهد داشت.

بالاخره استاد بیتاب درسال ۱۳۴۷ خورشیدی به عمر ۸۲ ساله گی درکابل وفات یافته و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

مرغ و قفس

قضا را مرغک بیچارهٔ زار — به دست طفل شوخی شد گرفتار
به زندان قفس بنمود جایش — فزوده دانه و آبی برایش
مراعاتش چو جان خویش می کرد — ولی مرغک تأسف بیش می کرد
به یادش آمدی چون باغ و بستان — نیاسودی دمی از شور و افغان
چو ازیاران گلشن یاد می کرد — فغان و ناله وفریاد می کرد
کسی گفتش که این شوروفغان چیست — فراغ البال می باید ترا زیست
خدایت خانه یی داده است زیبا — که می باشد ستونهایش مطلا
ز خورد و نوش هم آماده داری — دگر بهر چه دایم بیقراری
بگفتا هست حرفت جمله مقبول — مراهم لیک عذری هست معقول
همیشه شور و فریادم از آن است — که آسایش نه تنها آب و نان است
قفس زیبا و آب و نان فراوان — بود با این همه بر من چو زندان
مرا در زنده گی اکنون چه لذت — که گردد صرف، عمرم دراسارت
کسی اینجا بود آسوده احوال — که بتوان زد به کام خود پر و بال
اگرقیدی به عالم می پسندی — به آزادیت باید پای بندی

توضیحات

غزل: کلمهٔ غزل درلغت به معنای شوخی و عشق ورزیدن است. چون این نوع شعر بیشتر مشتمل برسخنان عاشقانه است، پس از نظر موضوع آن را غزل نامیده اند، و دراصطلاح شعرای فارسی دری اشعاری است بریک وزن و قافیه با مطلع. حد معمول ومتوسط غزل پنج تا دوازده

بیت می باشد.

قطعه: کلمهٔ قطعه به معنای یک پاره ازهر چیزی است؛ چون این نوع شعر شبیه پاره یی از ابیات وسط قصیده است، پس آن را قطعه نامیده اند.

مخمس: نوعی ازترکیب بند است که مصراعهای آن کوچک وکوتاه باشد. چون تعداد مصراعها درین گونهٔ شعر به پنج مصراع می رسد، پس آن را مخمس نامیده اند. یعنی قسمت معینی از یک شعرکه دارای پنج مصراع می باشد.

قواعد دستوری

اعداد کسری

آن است که یک یا چند قسمت از عدد اصلی را بیان می کند؛ مانند: یک چهارم این سیب را به برادرت بده و یا: من نیم نان می خواهم. اعداد کسری دونوع است:

۱. سماعی: آن است که مفهوم پاره یی ازعدد صحیح را بیان کند؛ مانند: نیم، نیمه، نصف و نصفه.

۲. قیاسی: آن است که عدد اصلی را با متمم «یک» بیان کند؛ مانند: سه یک، چهاریک، ده یک، صدیک.

درزبان دری امروز، متمم را مقدم داشته عدد اول را به صورت ترتیبی به کارمیبرند؛ مانند: یک سوم، یک چهارم، یک دهم، یک صدم.

توجه

اعداد توزیعی را با اعدادکسری اشتباه نکنید. فرق این دونوع عدد آن است، که اعداد توزیعی برای تقسیم چند واحد سالم به کارمیرود؛ مثلاً: چند واحد را پنج پنج یا شش شش تقسیم می کنیم. درحالی که اعدادکسری وقتی به کارمیرود، که یک واحد را به چند جزء تقسیم نموده و بخواهیم آن را بین عده یی توزیع کنیم؛ مانند: ۱/۳ (یک بر سه) واحد؛ یعنی: یک قسمت از سه قسمت.

خلاصهٔ درس

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب درقصاب کوچهٔ پل خشتی کابل دریک خانوادهٔ روحانی زاده شد. پرورش و آموزش وی را ماماهایش به دوش داشت. مرد قهرمان و با متانت بود و در شاعری برپایهٔ ملک الشعرایی رسید. درفن شاعری شاگرد ملک الشعرا قاری عبدالله بود در اشعارش مسایل صلح جویی، آزادی خواهی، نوع پروری وعواطف انسانی جا داشت؛ همچنان نکوهش نفاق، دشمنی، و دورویی دراشعار این شاعر نمایان است.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- ملک الشعرا بیتاب کی بود وچه اندیشه داشت ؟
- چرا استاد بیتاب را ملک الشعرا می گفتند ؟
- در نمونهٔ کلام استاد بیتاب طفل به مرغک چه کرد ؟
- درمتن درس چند عدد آمده و ازکدام نوع اعداد می باشد؟
- فرق بین اعداد کسری و اعداد توزیعی را بیان کنید. چه فکر می کنید که چرا مرغک شور وفغان می کرد، این موضوع را درگروه های چند نفری مورد بحث و تحلیل قرار دهید و نتیجهٔ تحلیل خود را به وسیلهٔ نمایندهٔ گروه در برابر صنف به دیگر همصنفان تان برسانید.

به دوستانت بگو

- شاعر گرانمایه زبان دری دریک خانوادهٔ روحانی زاده شد.
- مدت پنجاه و یک سال از عمر خویش را در تربیهٔ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی

وعرفانی سپری کرده است.

- درسروده های این شاعر بیشتر موضوعات آزادی خواهی، نوع پروری، وطن دوستی، صلح جویی دیده می شود.

بخوان وبنویس

- درمورد ملک الشعرا بیتاب پنج سطر بنویسید.
- سه بیت اخیر نمونهٔ کلام شاعر را بخوانید ودرکتابچه های خود بنویسید.
- سه جمله را ازمتن بیرون نویس نمایید که درآن ها عدد آمده باشد.

جاهای خالی را پر کنید

- استاد عبدالحق بیتاب درفن شاعر ی شاگرد................ بود.

مرا در.......... اکـــنون چـه لـذت
کـه گـردد صـرف، عمـرم در.......

کارخانه گی

- شاگردان شعر مرغ وقفس را درکتابچه های خود بنویسند.

درس بیست و چهارم

سبزی ها



شاگردان عزیز،

دردرس های گذشته در مورد زراعت (کشاورزی) موضوعاتی را خواندیم ومی دانیم که کاشتن سبزی ها بخش مهم زراعت وکشاورزی را در کشور ما تشکیل می دهد. شناخت انواع مختلف سبزی ها، فواید و اهمیت آن از نکات برجستهٔ درس است. همچنین با عدد توزیعی آشنا می شویم.

۱. چند نوع سبزی را که روزمره از آن‌ها استفاده می کنید نام ببرید ؟

۲. سبزی ها شامل چه چیز ها می شود ؟

انسان ها وحیوان ها جهت ادامۀ زنده گی خویش به سبزی ها ضرورت دارند. چگونه گی آب وهوا در رشد ونموی سبزی ها اثر بخش اند. هر منطقه نظر به داشتن اقلیم معین، دارای سبزی های مخصوص به خود می باشند. درسر زمین های گرم وخشک، سبزی کمتر می روید. درسر زمین های بارانی وگرم انواع گوناگون سبزی رشد ونمو می کنند. درمناطق معتدل سبزی های دیگری می رویند. درسرزمین های سرد وکم حرارت سبزی های کمتری سبزمی شوند. بدین ترتیب دراقلیم های گوناگون اقسام مختلف سبزی ها ومیوه ها می رویند و رشد ونمو می کنند.

سبزی ها شامل غله ها، میوه ها وترکاری می باشند. بخش زیادی ازغذای انسان ها را حیوان های علفخوار می سازند. سبزی ها دارای مواد نشایسته، قند های مختلف، پروتینها، ویتامین ها و سلولوز ها می باشند. سبزی ها هم به گونۀ پخته وهم به صورت خام مورد استفادۀ انسان قرار می گیرند.

گندم، جواری، جو، برنج، ارزن، لوبیا، نخود، ماش، عدس، جودر وغیره دارای پروتین ها و ویتامین های زیادی می باشند. کنجد، شرشم، گل آفتاب پرست، زغر، پنبه دانه، زیتون وجواری نباتات روغنی استند که ازآنها روغن نباتی به دست می آید.

کچالو، بادنجان رومی، کاهو، بادرنگ، تره، پیاز، گشنیز، کدو های مختلف، بادنجان سیاه، ترایی، ملی سرخک، ترب، تراتیزک، گندنه، پالک، نعناع وغیره سبزی هایی اند که بعضی ازآنها به طور پخته وشماردیگر شان به گونۀ خام استفاده می شوند. خربوزه وتربوز میوه هایی استند که همه ساله کشت می شوند و بهره می دهند. انواع مختلف خربوزه وتربوز در ولایات شمالی کشت می شوند. در ولایت های هلمند وقندهارنیز تربوز و خربوزه بهره میدهد. برخی ازمیوه ها به کشور های همسایه و خلیج نیز صادرمی شوند.

چون افغانستان درولایات مختلف دارای اقلیم متنوع است، اقسام گونا گون سبزی ها دراین کشور رشد ونمو می کنند. کوه های هندوکش و بابا کشور را به دو بخش شمالی وجنوبی تقسیم کرده است. ولایات شرقی، جنوبی و جنوب غربی که به موازات خط دیورند موقعیت دارند، ازهوای مرطوب وبارنده گی های نیم قارۀ هند بهره مند می گردند. ازاین رو آنها بیشتر

آب وهوای مرطوب وگرم دارند و در زمستان نیز سبزی در آنجا ها رشد ونمو می کنند. کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، قندهار، ارزگان، زابل، فراه و هلمند ازاین شمار اند.

ولایات مرکزی چون کابل، پروان، کاپیسا، بامیان، لوگر، میدان، وردک، غزنی، غور، بادغیس در زمستان سرد و در بهار و خزان معتدل و در تابستان گرم می باشند. در آنجا اقسام سبزیها و بعضی میوه ها کشت می شوند.

در ولایات شمالی و شمال شرقی چون بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل وفاریاب چون تابستان گرم و زمستان سرد، بهار و خزان معتدل دارند، سبزی های گوناگون می روید. زمستان در برخی از این ولایات کوتاه و در برخی دیگر شان دراز است. از این رو دربعضی جاها سبزی ها دیرتر می رویند. درکابل و ولایات سرد سیرسبزی های تازه را از ولایات گرمسیر چون لغمان، جلال آباد، کنر، قندهار، هلمند وکشور پاکستان در زمستان وارد می کنند. بعضی ازسبزی ها کشت نمی شوند؛ بلکه به صورت خودروی در کوهها و دره ها موجود اند، مردم جمع آوری می کنند و به فروش می رسانند. ازسبزی ها داروهای گوناگون ساخته می شود، شماری ازآنها به صورت خوراکی استفاده می گردند.

زیره یکی ازسبزی هایی است که در کشور وخارج از آن مورد استفاده قرار می گیرد و به صورت طبیعی دردره ها وکوه ها می روید. شیرین بویه، کوز (لنگوتی) شیر ینکاه، زرسرک، خاکشیر، کاسنی، جوانی بادیان ازاین شمار اند. سیچ، رواش، چکری، تاران، قرنه قوزی و سمارق ها سبزی هایی اند که در فصل بهار در کوه ها سبز می شوند ودراین سالها به نسبت خشکسالی ها، بسیاری ازین سبزی ها ازمیان رفته ویا ساحهٔ رشد شان کاهش یافته است.

لازم است تا وزارت زراعت ومالداری درمورد تکثیر، ترویج و نگهداری این نباتات مساعی همه جانبه به خرج دهد؛ زیرا افزایش این محصولات در غنای اقتصادی مردم وکشور اثر مثبت دارد.

توضیحات

سلولوز: جسمی است جامد، سفید، بی بو وبی طعم شبیه به نشایسته، درآب حل نمی شود، به حالت طبیعی در سلول های نباتات وجود دارد ومهمترین عنصر ساختمان گیاهها‌ست.

زیتون: نوعی از درخت است وسبزی نیست. میوهٔ آن به گونهٔ سلاد مورد استفاده قرار می گیرد و روغن زیاد دارد. روغن آن کشیده می شود و در غذا به مصرف می رسد.

کشورهای خلیج: در اطراف خلیج فارس کشور هایی موقعیت دارد؛ چون . ایران، دوبی، رأس الخیمه و مسقط از آن شمار اند.

قواعد دستوری

عد د توزیعی

آن است که برای تقسیم واحد ها به نسبت معین، به کار می رود؛ مانند: چهار چهار و پنج پنج، مثال: این سیب ها را بین پروین، حسن و بهرام چهار چهار یا پنج پنج دانه تقسیم کنید.

خلاصهٔ درس

سبزی ها ازشمار مواد ضروری خوراکی انسان ها وحیوان ها می باشند که هم به گونهٔ خام و پخته مورد استفاده انسان ها قرار می گیر ند. بعضی ازسبزی ها در دشتها وکوهها به شکل

طبیعی می رویند؛ ولی اکثر شان درزمین های زراعتی کشت می شوند. شماری ازسبزی ها برگ های شان وازتعداد دیگر ازریشه های شان و از گروه سومی ساقه ها و میوه های شان مورد استفاده قرار می گیرند. بعضی ازسبزی ها خصلت دارویی دارند و به امراض گوناگون شفا بخش اند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- سبزی ها دارای کدام مواد می باشند ؟
- سبزی ها شامل چه چیزها می باشند ؟
- سبزی ها چند نوع اند وچگونه مورد استفاده قرار می گیرند ؟
- کدام میوه ها شامل سبزی اند ؟
- سبزی های دارویی را نام بگیرید ؟

به دوستانت بگو

- انسان ها وحیوانات برای ادامۀ زنده گی به سبزی ها ضرورت دارند.
- سبزی ها شامل غله ها، میوه ها و ترکاری ها می باشند.
- سبزی ها دارای ویتامین های زیاد از قبیل پروتین ها، قند ها ونشایسته می باشند.

چون افغانستان دارای اقلیم مناسب است؛ بنا بران انواع گونا گون سبزی ها و میوه ها در این کشور رشد و نمو می کنند.

• شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و در بارۀ انواع مختلف سبزی ها و میوه ها و فواید آن ها برای صحت و همچنان اقتصاد کشور با همدیگر بحث و گفتگو نمایند. در آخر نمایندۀ هرگروه در برابر صنف خلاصۀ بحث گروه خود را بیان نماید.

بخوان وبنویس

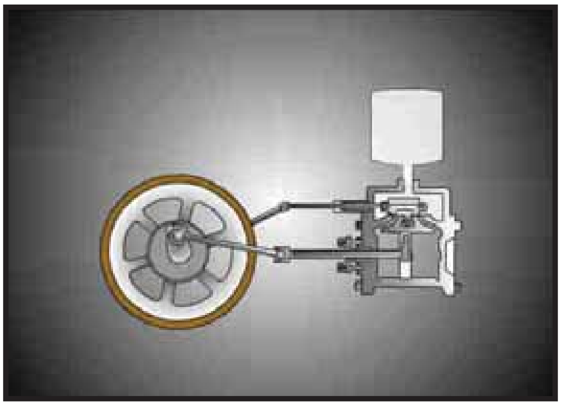
- درس را در گروه ها خاموشانه بخوانید.
- هرگروه یک بخش ازدرس را با لحن وآهنگ مناسب و با صدای بلند درصنف بخوانند.
- هرشاگرد دو، یا چند سبزی را در صنف با صدای بلند نام بگیرد.
- هرگروه مورد استفادۀ یک سبزی را در صنف شرح دهد.
- شاگردان سبزی هایی را که در محیط زیست شان بیشتر یافت می شود نام نویس کنند ودر صنف بیان نمایند.

کارخانه گی

- شاگردان سبزی هایی را که در افغانستان اهمیت اقتصادی دارند وبه خارج صادر می گردند در چند سطر معرفی کنند.
- شاگردان نباتات طبی (گیاهان دارویی) وطن مارا تا جایی که آشنایی دارند نام نویس کنند و به کمک والدین شان خواص درمانی آنها را در کتابچه های خود یاد داشت نمایند ودر صنف به دیگران بخوانند.

درس بیست و پنجم

اختراعات و اکتشافات



شاگردان عزیز،

چنان که مشهور است: «ضرورت و احتیاج، مادرِ ایجاد است». انسان ازبدو پیدایش وآغاز زنده گی مشترک خود تا کنون به غذا، لباس ومَحل بود وباش ضرورت دارد. روی همین ضرورت بود که انسانها وسایل ابـتدایی کار؛ مانند: بیل، تبر،کلند، تیر، قلبه ودیگر چیزها را ساختند و به کمک همین وسایل توانستند که با محیط توافق نموده واز منابع وسیع طبعیت به نفع خود استفاده کنند؛ اما با وجود این همه کارها وموفقیت ها تا وقتی که زمینهٔ انقلاب صنعتی بزرگ جهان مسـاعد نشده بود درزنده گی انسان ها تغییرات بزرگی به وجود نیامد. با اختراع نخستین ماشین بخار، زمینهٔ یک تحول بزرگ در زنده‌گانی بشر رونما گردیده و انقلاب صنعتی جهان از همان نقطه آغاز یافت. همچنان با واحد های شمارش آشنا می شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. از نظرشما اختراعات و اکتشافات چه اهمیتی دارند؟
۲. اختراعات و اکتشافات در زنده گی ما چه نقشی را بازی می کنند؟

شاید نیم میلیون سال پیش بود که انسان های نخستین آتش را کشف کردند. پیش از این کشف آدمی، بته ها و جنگل هایی را که بر اثر صاعقه یا توفان به آتش کشیده شده بود، دیده و از برابر آنها گریخته بوده است؛ اما کشف آتش به عنوان یک منبع انرژی بشر را قادر ساخت که دربارهٔ مزایای آن اندیشیده و برترس غریزی خود چیره شود. پس ازکشف آتش او توانست با سوزاندن چوب و افروختن آتش، مأمن خود را روشن و گرم کند. با این که کشف آتش و استفاده از چوب به عنوان اولین انرژی، مهمترین کشف تاریخ بشری محسوب می شود؛ ولی طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم کردن خود، ایجاد روشنی درشب، و گداختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.

در قرون وسطی، انسان مادهٔ دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد. برای اولین بار در سال ۱۶۱۸ میلادی جان تاردیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد. پس از آن بازهم انسان این ماده را به خدمت گرفته و توانست که با استفاده ازآن علاوه بر گداختن فلزات وساخت شیشه و سفالینه، ماشین بخار را اختراع کند. در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد. در این ماشین مصرف سوخت باعث می‌شد که چرخهای ماشین به حرکت درامده وکارکند. بدین ترتیب جای نیروی عضلات انسان را به تدریج ماشین گرفت و راه رسیدن به دنیای جدید را هموار کرد.

از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان انرژی برای راه اندازی کشتی های عظیم الجثه، ریلها و قطارها و نیز فابریکه های صنعتی استفاده شد و بالاخره انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی زغال سنگ را جانشین نیرو و زور بازوی آدمی کند.

استفاده از نیروی زغال سنگ در ماشین‌های بخار اگر چه در قرنهای گذشته برای تولید نیرو به مقدار زیاد و مداوم بسیار مناسب بود؛ اما بشر به دنبال کارافزاری بود تا کارهایی انجام دهد که از عهدهٔ بخار بر نمی‌آید.

در دههٔ ۱۸۴۰ میلادی دانشمندی انگلیسی به نام «ژول» اندازه‌گیری‌های بسیاری در این مورد انجام داد. او با شکلهای گوناگون انرژی مثل نور، صوت، حرکت، گرما، برق و مقناطیس کار کرده و انرژی را از شکلی به شکل دیگر و از جایی به جای دیگر تبدیل و منتقل می‌ساخت. چون متوجه

شده بود که در همهٔ این تغییرها و جابجایی‌ها مقدار کل انرژی هیچ وقت تغییر نمی‌کند.

سالها پس ازان «ادیسن» باتکمیل فرضیات و آزمایشهای دوامدار خود به تولید برق و به منبع عظیم انرژی الکتریکی دست یافته و با انجام فرضیه ها و نتایج تکمیلی خویش توانست هم برق را در خدمت جامعه قرار دهد و هم به آرزوی صد هزار سالهٔ بشر که تبدیل شب به روز بود دست یابد که به کمک آن هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلیفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.

خلاصهٔ درس

- طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم کردن خود، ایجاد روشنی درشب، و گداختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.
- برای اولین بار در سال ۱۸۱۶ میلادی جان تاردیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد.
- در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.
- از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان انرژی برای راه اندازی کشتی های عظیم الجثه، ریلها و قطارها و نیز فابریکه های صنعتی استفاده شد.
- به کمک نیروی برق هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلیفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.

قواعد دستوری

واحدهای شمارش

معمولاً برای معدودهایی که قابل توزین و شمارش استند، پس از عدد الفاظی می آورند که دلالت بر اندازه ومقدارمی کند؛ مانند: سه خروار چوب، پنج سیر برنج، هفت کیلوگوشت. نویسنده گان قرنهای اخیر الفاظی را برای بیان معدود وتمییز آن وضع کرده اند، که قرارذیل است:

- رأس برای جانوران اهلی؛ مانند: گاو، بز و گوسفند.
- قلاده برای جانوران وحشی؛مانند:شیر،پلنگ و نیز برای سگ و پشک.
- دستگاه برای انواع ماشین آلات.
- جفت برای لباسهایی که جفت استند؛ مانند: بوت، جراب و دستکش.
- تخته برای قالین، گلیم و نمد.
- عراده برای اسلحهٔ ثقیله؛ مانند: تانک، توپ و نیزبرای موتر.
- حلقه برای اشیای مدور؛ مانند: فلم، انگشتر و سی دی
- نسخه برای مطبوعات؛ مانند: روزنامه، جریده ومجله.
- دانه برای سایراشیای قابل شمارش؛ مانند: قلم،گلدان وچهارمغز.
- دسته برای گل وگیاه.
- فروند برای کشتی و انواع طیاره ها.
- تیر برای انواع گلوله، به جز ازگلوله ی توپ
- درجن برای اشیای همجنس و همانند، متشکل از یک بستهٔ شش یا دوازده دانه؛ مانند: گیلاس، بشقاب و نظایرآن.
- پایه برای رادیو و تلویزیون.
- سیر برای حبوبات قابل توزین؛ مانند: گندم، جو و ارزن.

☐ قرص	برای	اشیای مدور؛ مانند: نان؛ تابلیت.
☐ محراب	برای	مسجد.
☐ میل	برای	اسلحه ی ناریه؛ مانند: تفنگچه، تفنگ.
☐ فیر	برای	انواع مرمیهای اسلحهٔ ثقیله وخفیفه.
☐ ضرب	برای	توپ

فعالیت ها

بشنو وبگو

• مهمترین کشف تاریخ بشری چیست ؟

• قبل ازآن که بشر زغال سنگ را کشف کند، به جای آن از چه چیز و به چه مقصد استفاده می کرد ؟

• درآغاز ماشین بخار برای چه مقاصدی استفاده می شد و بعدها ازآن چه کار می گرفتند؟

• اختراعات و اکتشافات درتحول و تکامل جوامع بشری چه نقشی را ایفا می کنند؟ این موضوع را درگروه های چند نفری مورد بحث وتحلیل قرار دهید ونتیجهٔ آن را از هر گروه یک نفر پیش روی صنف به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

• پس ازکشف آتش انسان توانست با سوزاندن چوب و افروختن آتش، مأمن خود را روشن و گرم کند.

• در قرون وسطی، انسان مادهٔ دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد.

• در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.

• به کمک برق هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تیلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و تاریخ تمدن بشر را سرعت بخشید.

بخوان وبنویس

• متن را بخوانید و پنج چیزی را که با واحد های شمارش مطابقت می کند، بیرون نویس کرده در جمله استعمال کنید.

• درمورد کلمه های اختراع و اکتشاف سه سطر بنویسید.

• اختراعات جدیدی را که به یاد دارید فهرست نمایید.

جاهای خالی را پر کنید

– کشف....... و استفاده از........ به عنوان اولین انرژی، مهمترین........... تاریخ بشری محسوب می شود.

– از............ ابتدا برای.......... آب از.......... یا.......... استفاده می‌شد.

– انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی.......... را جانشین.......... و.............. آدمی کند.

– به کمک....... هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تیلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و......... شده و .... بشر را سرعت بخشید.

کارخانه گی

• به انتخاب خودتان درمورد یکی ازاختراعات دیگرمطلبی را پیدا نمایید و درصنف به دیگران بخوانید.



درس بیست و ششم

حادثۀ ترافیکی



شاگردان عزیز!

در درس گذشته راجع به اختراعات واکتشافات مطالبی را آموختید؛ اکنون موضوع بسیار مهم و حیاتی را که برای شاگردان مکاتب بسیار مفید است و در زنده گی روزمره بیشتر انسان ها با آن سروکا ر دارند. قواعد ترافیکی می باشد، آگاهی می یابید. در این درس به ضرورت نشانه گذاری در نگارش نیز آشنا می شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. در بارۀ قواعد ترافیکی چه می دانید؟
۲. آیا شاهد حادثۀ ترافیکی بوده اید؟

ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دساتیر به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می ورزد. ترافیک در ممالک جهان قواعد و مقررات خاص خود را دارد، ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود که بر ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می باشد.

در افغانستان ترافیک شامل وسایط ترانسپورتی باربری، مسافربری،شخصی، دولتی و عابران پیاده رو می باشد. جاده های افغانستان در سال های قبل تأسیس گردیده بسیار خورد و کم عرض بوده و تکافوی ترافیک امروزی را نمی نماید؛ زیرا نفوس روز به روز زیاد گردیده به خصوص در شهر کابل نسبت به ولایات دیگرنفوس بی حد زیاد می باشد؛ از اینرو تمام مردم باید لوایح و مقررات ترافیکی را بدانند؛ زیرا که همواره در بازار ها و مارکیت ها جهت رفع مایحتاج خود رفت و آمد دارند. در جاده های شهر پیاده روها، چراغ های ترافیکی، علایم و اشارات موجود می باشد. ما باید همواره قواعد ترافیکی را مراعات نماییم تا زنده گی ما از خطر مصوون باشد. لازم است در این جا قصهٔ پسری بازیگوش را مطالعه نماییم و از آن پند گیریم.

مسعود و محمود در یک مکتب شاگردان صنف هفتم بودند، محمود نسبت به مسعود پسر بازی گوش و بی پروا بود و به هدایات استادان خود کمتر توجـــه داشت و چندان به درس علاقه مند نبود. دریکی از روزها بعد از رخصتی مکتب به طرف خانه روان بودند، محمود بدون آنکه به چراغ های ترافیکی و پیاده رو توجه نماید داخل سرک عمومی شده و می خواست به طرف دیگر جاده برود، که ناگهان موتری به سرعت آمده و با محمود تصادم نموده و حادثه یی را به بار آورد. درین حادثه پای راست و دست چپ وی شکست، این بی پروایی و توجه نکردن به قواعد ترافیکی باعث شد تا محمود در شفاخانه برای مدت زیادی بستر باشد و نسبت به دیگر هم صنفان خود از درس و تعلیم عقب بماند، مسعود به او گفت که: همیشه ترا نصیحت می نمودم که به درس هایت کوشا باش و مقررات مکتب را مراعات نما؛ اما به گفته های من و معلم صاحب عمل نکردی و به این حالت رسیدی شاگردان مکتب همیشه دستور پذیر بوده، لوایح و مقررات مکتب و ترافیک را مراعات نمایند تا به سرنوشت محمود دچار نشوند.

توضیحات

ترافیک: آمد ورفت، عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده روها.

ترانسپورت: حمل و نقل.

ضرورت نشانه گذاری در نگارش: نقطه گذاری از اواخر قرن ۱۹ به تقلید از نوشته های اروپایی در زبان دری رایج گردیده است. رعایت نقطه گذاری از یک سو به نویسنده کمک می کند که مطالب و مقاصد خود را به روشنی بیان دارد و از طرف دیگر به خواننده عادت می دهد که نوشته را به روش آسان تر و درست تر بخواند و منظور نویسنده را بهتر و روشن تر درک کند.

ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دساتیر به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می ورزد.

ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود پیروی نموده بالای ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می باشد.

چراغ های ترافیکی: که در دو طرف دهلیز ترافیکی قرار دارند و جریان عبور و مرور را برای عابران پیاده رو و وسایط نقلیه مشخص می سازد، دارای سه رنگ است: زرد، سرخ وسبز.

رنگ زرد حالت آماده گی را نشان می دهد. رنگ سرخ حالت توقف را هدایت می دهد ورنگ سبز امر می کند که عابران حرکت کنند.

قواعد دستوری

نشانه گذاری وضرروت آن

زمانی که یک شاعر یا نویسنده مطلبی را می خواهد در قالب الفاظ بریزد، با احساس

پیچیده یی رو به رو می شود، همین احساس در مغز نویسنده وگوینده دارای حرکت ها و حالت های گوناگون می باشد، که روی کاغذ هم باید توسط نشانه ها وعلایم انعکاس یابد. همین نشانه ها به نام های تنقیط punctution نشانه گذاری یاد می شود.

اختراع این علایم و نشانه ها، مانندبسیاری از علوم دیگر از مسلمانان است. حضرت عثمان (رض) زمانی که به توحید قرآن کریم مبادرت ورزیدند، کاتبان جهت رعایت درست خواندن آیات قرآنی، به یک سلسله علایم ونشانه ها چون: ستاره، هشت ضلعی، دایرۀ کوچک، سه نقطه...دست زدند، که نمونه های آن در قدیمترین نسخ قلمی قرآن که در زمان حضرت عثمان (رض) به روی پوست آهو نوشته شده درموزیم ها مشاهده می شود، که از جمله در موزیم ملی سوریه زیر شمارۀ ۱۶۲۸ به ثبت رسیده است.

نشانه ها وعلایم به مرور ایام دچار تغییرات و تحولات گردیدند، که نمونۀ آن امروز در نسخه ها ی متداول قرآن کریم به شکل حروف: ط، ج، لا، م... به چشم می خورند.

علایم ونشانه های زبان عربی داخل زبان لاتین شد و از آن طریق بار اول در قرن نهم میلادی به اشکال و صور گوناگون، در زبان های اروپایی عرض وجود نمود. پس از گذشت چندین قرن، شکل منظم و پذیرفته شده را به خود اختیار نمود. بلاخره قرن نزدهم واوایل قرن بیست از طریق زبان های اروپایی در نثر نوشتاری زبان ما راه یافت.

هدف مهم نشانه گذاری صراحت و وضاحت مفهوم جمله و عبارات است. کاربرد نشانه ها و علامات در نگارش غرض وقفه در آواز وبهتر فهماندن مقصود است. اگر در نوشته ها علایم نشان گذاری به کار گرفته نشود و یا اینکه سهو، اشتباه و فراموشی در استعمال کامه، سیمکولن، نقطه توسط نگارنده صورت گیرد، ممکن نوشته را بی معنی سازد.

خلاصهٔ درس

ترافیک در هر کشور قواعد به خصوص خود را دارد. در جاده های شهر پیاده رو ها ، چراغ های ترافیکی ، علایم و اشارات موجود می باشد. ما باید لوایح و مقررات ترافیکی را بدانیم و مراعات نماییم تا زنده گی ما از خطر مصوون باشد و مانند محمود که یک پسر بازی گوش و بی پروا بود و به چراغ های ترافیکی توجه نمی کرد از اثر همین بی پروایی تصادم نمود و دست وپایش شکست.دچار این مشکل نشویم.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- مراعات نمودن قواعد ترافیکی در زنده گی روزمره چه اهمیت دارد؟
- در افغانستان چند نوع ترانسپورت وجود دارد؟
- چند نوع ترافیک را می شناسید؟

الف– هوایی ب – زمینی ج – بحری – هرسه درست است

شاگردان اجرا کنند

- دو یا سه شاگرد در بارهٔ قوانین ترافیکی نظریات خود را بیان نمایند.
- صنف را به دو گروه تقسیم نموده و هر گروه دربارهٔ قواعد ترافیکی بحث و گفتگو نمایند.

بخوان وبنویس

- متن درس را خوانده، نکات مهم آنرا بیرون نویس نمایید و در بارۀ قوانین ترافیک نظریات خود را بنویسید.
- کلمه های جدید درس را در کتابچه های خویش نوشته و یاد بگیرید.
- جاهای خالی را با کلمات مناسب پرنمایید؟

در جاده های شهر............... پیاده رو و................. ترافیکی موجود می باشد.

افغانستان دارای ترانسپورت............... و.................... وجود دارد.

کارخانه گی

در بارۀ فواید مراعات نمودن قواعد ترافیکی چند سطر بنویسید.



درس بیست و هفتم

ترحم بر حیوانات



شاگردان عزیز،

ترحم بر حیوانات و توجه جدی برای بقای نسل حیوانات وهمچنان آشنایی با پاراگراف هدف درس است،

۱. حیوانات برای انسان ها چه نفع می رسانند ؟

حیوانات اهلی د رکنار انسان ها زنده گی می کنند و برای آنها منفعت می رسانند. از این جهت حفاظت از حیوانات و جلوگیری از محو نسل حیوانات به حیث یک وظیفه در مقابل انسان ها می باشد. در قرآن کریم، این کتاب آسمانی بر ما امر و ارشاد شده است که بر حیوانات مهربانی و ترحم داشته باشیم و از آنها حمایت نماییم، از گوشت، شیر، پوست و پشم حیوانات حلال گوشت استفاده نماییم بعضی حیوانات در حمل و نقل انسانها را کمک می کنند.

خداوند (ج) بر کسانیکه بر حیوانات شفقت نمایند و حیات حیوانی را نجات دهند، مهربان است و گناه های شان را عفو می کند.

در این شعر فصیح و شیرین شیخ سعدی می خوانیم که:

یکی در بیابان سگی تشـــنه یافت	بدون از رمـق در حـیاتـش نــیافت
کله دلو کرد آن پســندیده کیـش	چو حبل اندر آن بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو گشاد	ســـــگ نـــاتـوان را دمی آب داد
خبــــرداداز حـــــال مــــــرد	کـــه داور گــــناهــــان او عفو کرد

در حدیث شریف آمده است که حیوانات بر انسانها پنج حق دارند.

۱- حیوانات را بیشتر از توان آن ها بار ننمایید.
۲- در جاهای مشکل آنها را مجبور به رفتن نکنید.
۳- به خوراک حیوانات رسیده گی نمایید.
۴- زمانیکه با یکدیگر رو به رو می شوید از مرکب های خود پیاده شده صحبت نمایید.
۵- حیوانات را مورد اذیت قرار ندهید؛ زیرا که حیوانات نیز حمد خداوند (ج) را به جا می آورند.

در گذشته ها با حیوانات بی رحمی صورت گرفته که نسل بعضی حیوانات کاملاً از بین رفته است و شماری هم از نزدیک محل زنده گی انسانها خود را دورکرده اند.

امروز نیز حیوانات با خطر های بزرگی مواجه می باشند و به خصوص زمانیکه خانه و محل بود باش حیوان تخریب می گردد. درجهان امروز همانطور که حمایت و ترحم بر حیوانات اهلی مهم پنداشته می شود، و بشریت را مکلف به حمایت از حیوانات وحشی هم میدانند.

در افغانستان تا اکنون تقریباً ۱۲۳نوع حیوان پستاندار و ۲۶۰ نوع پرنده شناخته شده است، که در آینده شاید به این رقم افزود گردد، زیرا اقسام دیگری از حیوانات در ارتفاعات هندوکش و دره

های بلند کوهستان های مرکزی افغانستان وجود دارند.

قواعد دستوری

پاراگراف: پاراگراف چه در چاپ و چه در نوشته های گوناگون امروزی و چه در مکتوبهای رسمی و خصوصی بزرگترین اهمیت را داراست.

پاراگراف که نظر به سطر های دیگر، یک و نیم سانتی متر به داخل صفحه شروع می شود، گذشته از چاپ و تایپ در دست نویسی نیز اهمیت دارد.

پاراگراف را در صنف های درسی (سر سطر) و در مطبعه ها شروع می گویند، هر پاراگراف که مفهوم جداگانه و مختص را به خود میداشته باشد، باید از سر سطر شروع شود. از نظر نشانه گذاری و تنقیط، هر پاراگراف مطالب کاملی را که متشکل از چندین فکر (چندین جمله) است، نشان می دهد.

خلاصهٔ درس

ترحم بر حیوانات یک اصل انسانیت است، انسانها با در نظر داشت اینکه حیوانات هم مخلوق خداوند (ج) اند باید با آنها با شفقت و مهربانی برخورد نمایند. چون تمام حیوانات به ذات خود قدرت زیبای آفرینش خداوند (ج) را ثابت می نمایند، از حیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آنها جلوگیری به عمل آید، حیوانات اهلی برای انسانها مفید استند.

پاراگراف در درست نویسی نیز اهمیت دارد که یک ونیم سانتی به طرف داخل صفحه شروع می شود. هر پاراگراف محتوای خاص خود را دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- حضرت محمد(ص) در مورد ترحم بر حیوانات به ما چه امر فرموده است؟
- در افغانستان تا کنون چند نوع حیوان شناخته شده است؟
- مفهوم درس را به زبان ساده بیان نمایید.
- پاراگراف چیست؟
- شاگردان در مورد اهمیت حیوانات اهلی در زنده گی انسان ها در گروه ها با هم گفتگو نمایند، یک شاگرد از هرگروه نتیجۀ صحبت ها را به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- ترحم برحیوانات یک اصل انسانیت است.
- ازحیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آنها جلو گیری به عمل آید.

بخوان و بنویس

- متن درس را با آواز بلند بخوانید و کلمه ها را درست تلفظ نمایید.
- در بارۀ ترحم بر حیوانات مقالۀ کوتاه بنویسید و در نوشتن، پاراگراف را در نظر بگیرید.

جاهای خالی جمله ها ی زیر را پر نمایید

۱- .... را بیشتر از توان آنها بار ننمایید.

۲- حیوانات را مورد................ قرار ندهید.

۳- به خوراک................. رسیده شود.

۴- خداوند (ج) برکسانیکه بر حیوانات........... مهربان است.

کارخانه گی

- یک خاطرۀ تان را که بر حیوانی کمک کرده باشید و از کار تان خوشحال شده باشید در چند سطر بنویسید.

درس بیست و هشتم

حفظ محیط زیست




شاگردان عزیز،

در درس های گذشته د رمورد زراعت وسرسبزی مطالبی را آموختید، اکنون در این درس با طبیعت و چگونگی مراقبت ازآن ، حفاظت محیط زیست،استفادۀ درست از طبیعت، و وظایف شاگردان در زمینۀ نگهداری محیط ماحول آشنا می شوید. همچنان کامه، سیمی کولن و ندایه را نیزخواهید شناخت.

قبل از همه به این پرسش ها پاسخ دهید.

۱. چطور پاکیزه گی محیط زیست را رعایت کنیم؟

۲. استفادۀ صحیح از طبیعت یعنی چه ؟

محیط زیست (آب، خاک وهوا) یعنی محیطی که انسان وسایر موجودات در آن زنده گی می کنند. بشر از آغاز زنده گی آزاد آفریده شده تا در یک محیط سالم اجتماعی زنده گی نماید. محیط زیست در صحت وسلامتی ساکنان محل از اهمیت ویژه یی برخوردار می باشد؛ بنابران همهٔ مردم اعم از زن ومرد وظیفه دارند که در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند؛ به طور مثال: غرس درختان، کشت گل ها وسرسبزی چمن ها به آسانی صورت گرفته می تواند؛ اما آنچه مهم است نگهداری، آبیاری، حفظ ومراقبت آن هاست که این کار ازیک سو به ذات خود برای صحت مفید است واز طرف دیگر موجب رضای خداوند (ج) می گردد. پس هر خانواده می تواند به تعداد اطفال شان در محیط خانه وکوچه خود درخت غرس نماید، وهریک از اطفال را در نگهداری وآبیاری درختان غرس شده موظف گردانند.

چنانچه آشکار است که غرس درختان، گل وگلکاری، سر سبزساختن محیط (اطراف خانه، کوچه ها، تفریحگاه ها، دکان ها، جای کار و....) ازیک سو سبب تأمین صحت وسلامتی هموطنان می گردد و از سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا و سر سبز می سازد.

آلوده گی محیط زیست به دو طریق صورت می گیرد، یکی آلوده گی طبیعی ودوم تخریب توسط انسان هاست.

آلوده گی طبیعی مثل زلزله، سیلاب، خشکسالی، بلند رفتن درجهٔ حرارت هوا، بارانهای دوامدار وغیره می باشد، دیگر آلوده گی که توسط تخریب انسان صورت می گیرد؛ مانند: قطع جنگلات، شکار حیوانات، تراکم نفوس، استفاده از گازها ونفت های بی کیفیت، تخریب تپه های سبز، فقر وتهی دستی، نبود جای مناسب برای زنده گی، افزایش وسایط ترانسپورتی وبسا عوامل دیگر که باعث خرابی وآلوده گی محیط زیست می گردد که برای انسان ها خیلی زیان آور است.

برای داشتن محیط زیست سالم چه باید کرد ؟

۱- محیط خانهٔ خود را پاک نگهداریم.

۲- کثافات را در جای معین آن بیندازیم.

۳- جای نگهداری حیوانات را پاک نگهداریم.

۴- ازشکستن شاخه های درخت ها وگل ها جلو گیری نماییم.

۵- نهال های جدید غرس نموده حفاظت، آبیاری ومراقبت نماییم؛ همچنان کارهای مناسب دیگر که در پاکیزه گی محیط زیست تاثیر دارد انجام دهیم.

برعلاوهٔ پاکیزه گی خانه باید در حفاظت محیط کوچه، محل وشهر خود نیز سهم فعال داشته باشیم؛ مثلاً: پوست میوه ها، سبزی ها ودیگر اشیایی باطله را در جوی ها، پیاده رو ها، سرکها و محیط ماحول خویش نیندازیم. از سوختاندن موادی که سبب آلوده گی هوا می گردد؛ مانند: رابر، پلاستیک وغیره جلو گیری کنیم وهمیشه در پاکی محیط خود کوشا باشیم تا وظایف همگانی، اسلامی و وطنی خود را به حیث یک شاگرد خوب انجام داده باشیم ویک محیط سرسبز، پاک و دور از هر نوع کثافت و آلوده گی داشته باشیم.

قواعد دستوری

کامه یا ویرگل (،)

این نشانه جهت توقف کوتاه و خفیف در خواندن جمله از نظر تغییر صوت یا تصریح مفهوم است که در موارد زیر به کار برده می شود:

– هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوی هم بیایند باید توسط (و) عطف به هم پیوند یابند در همچو موارد (و) حذف می شود و به جای آن نشانه (،) گذاشته می شود، مانند: پ، چ، ژ و گ از حرف های خاص فارسی دری است.

– پیش از جمله هایی که شرح و تفسیر جمله ها و عبارت های پیشین باشند، گذاشته می شود؛ مانند: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطندوست بوده همواره اندیشهٔ آزادی و استقلال خراسان را به سر می پرورانید. هر گاه جمله یی با یکی از واژه های بلی، نه، نی، خیر، درست و امثال آن آغاز شود از آن واژه کامه و در پی آن بقیهٔ جمله نوشته می شود.

مانند:

– بلی، من اشعار اورا خواندم.

– نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

اما اگر این واژه ها تنها بیایند، پس از آنها نقطه گذاشته می شود؛ مانند:

– داستانت را تمام کردی ؟

– بلی.

سیمی کولن (؛)

– علامهٔ وقف یا درنگی است که بیشتر از کامه وکمتر از نقطه باشد وبرای جدا کردن فقره ها و جمله هایی که پی هم آیند و به هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند به کار گرفته می شود؛ مانند: از بد کرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می آید؛ راستان و نیکو کاران را دوست دارم.

ندابیه (!)

این نشانه بر علاوهٔ حالت تعجب درپایان جمله هایی که بیان کنندهٔ یکی از حالات شدید نفسانی وعاطفی است، به کار می رود، مانند: تعجب، تأکید، اخطار، تحسین، تحقیر، شک، آرزو و..... مانند:

خداوندا ! مرا در انجام کار های نیک یاری ده.

ای دوست ! بیا تا غم فردا نخوریم.

خلاصهٔ درس

محیط زیست (آب، خاک و هوا) یعنی محیطی که انسان وسایر مــوجودات در آن زنده گی می کنند و حفظ آن در صحت و سلامتی ساکنان آن از اهمیت ویژه یی برخـــــوردار است. آلوده گی محیط زیست به دو طریق صورت می گیرد، یکی طبیعی و دیگر توسط تخریب انسانها. برای اینکه محیط زیست سالم داشته باشیم باید محیط خانه، کوچه، محل وشهر خودرا پاک نگهداریم واز آلوده شدن آن جلو گیری کنیم.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- پیام این درس چه بود ؟
- آلوده گی محیط زیست به چند طریق صورت می گیرد ؟ توضیح دهید.
- به نظر شما پیشرفت در بخش ساینس وتکنالوجی در آلوده گی محیط زیست چه تأثیرات را به جا می گذارد ؟ توضیح دهید.
- برای داشتن محیط سالم وپاک چه باید کرد؟

به دوستانت بگو

- همهٔ مردم اعم از زن ومرد وظیفه دارند تا در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند.
- غرس درختان، گل وگلکاری وسر سبز ساختن محیط خانه، کوچه، تفریح گاه، جای کار وغیره از یک سو سبب تأمین صحت و سلامت هموطنان می گردد واز سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا می سازد.
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند ودر بارهٔ راه های مفید برای پاکیزه نگهداشتن محیط زیست با یکدیگر گفتگو و بحث نمایند در آخر از هر گروه یک نماینده نتیجهٔ گفتگو های گروه خود را به دیگران بیان کند.

بخوان بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید ونکات مهم آن را در کتابچه های خود بیرون نویس کنید.
- در مورد راه های مفید برای حفاظت محیط زیست سالم پنج جملۀ مناسب در کتابچه های خود بنویسید.

از چهار جواب یکی را تأیید کنید

قطع جنگلات وتخریب تپه ها ی سبز سبب

الف: پاکی محیط زیست می گردد.

ب : آلوده گی محیط زیست می گردد.

ج : بقای حیوانات ونباتات می گردد.

د : تأمین صحت سالم می گردد.

کارخانه گی

- شاگردان در مورد فواید محیط زیست سالم واین که چگونه آن را حفاظت کنیم پنج سطر در کتابچه های خود بنویسند.



واژه‌نامه

آ

آزاده گی	آزاد بودن، جوانمردی
آشکار	نمایان، پید ا

الف

ابا	خود داری کردن
اتکا	تکیه کردن بر چیزی، متکی شدن
اجلاس	باهم نشستن برای گفتگو
احراز	بدست آوردن
احسان	نیکی کردن، نیکو کاری
اختراع	به وجود آوردن چیزنو
اختلال	برهم خوردن
اخلاص	پاک وخالص، بی ریا
آدمیت	انسان بودن
اذیت	رنج، آزار، آسیب
ارادت	احترام و عقیده داشتن
ارژنگ	نام کتاب مانی که دارای انواع نقش و نگار بوده و به موجب آن ادعای پیغمبری کرده است.
ارمغان	هدیه، تحفه
آسایش	آرامی
استحقاق	طلب کردن حق
استحکام	محکم شدن، استواری

استناد	پشت‌دادن، پناه‌به کسی‌دادن
استهلاک	ازبین رفتن، نابود شدن
اسرار	رازها
اسلحه	آلات جنگی، جمع سلاح
اشتیاق	شوق داشتن، آرزومند
اصحاب	یاران، همراهان
اضرار	جمع ضرر
اعجاز	امر خارق العاده که دیگران ازآوردن آن عاجزباشند
اعطا	بخشش کردن، بخشیدن
اعلامیه	ورقه یی که از طرف دولت یا حزبی منتشرشود ومطلب را به اطلاع عموم برساند
اغوا	فریب
اقتدا	پیروی کردن
اقلام	درلغت جمع قلم است؛ اما در این درس اجناس صادراتی
اقلیم	آب وهوا
اقوام	جمع قوم
اقیانوس	بحر، دریای بزرگ
انتصاب	نصب شدن، برقرار شدن
انحطاط	به طرف خرابی رفتن
اکتشاف	کشف کردن
انبیاء	پیغمبران، جمع نبی
انعام	بخشش، بخشیدن چیزی به کسی
اولیاء	دوستداران خدا (ج)
ایمن	در امان

ب

باب	دروازه
بازتاب	انعکاس دادن
باصره	قوۀ بینایی چشم
باطل	ناحق، ضد حق
بحر	دریای بزرگ

بدیع	تازه، نو، جدید
برازنده	لایق، شایسته، نیکو
بغض	کینه، دشمنی
بقا	زنده گی، دوام
بلیغ	رسا، شیوا، زبان آور
بوقلمون	رنگارنگ
بیضا	سفید

پ

پارسایان	پرهیز کاران
پرنیان	پارچهٔ ابریشمی گلدار
پند	نصیحت
پهلوی	نام زبان قوم پارت که دراطراف دریای آمو زنده گی می کردند.
پیرامون	دورادور
پیشرفت	جلورفتن، ترقی، پیشروی
پیهم	پشت سر هم

ت

تازی	عربی
تبلور	بلوری شدن جسم، به شکل بلور درآمدن
تپش	نا آرام شدن، بی قراری، تپیدن
تجاوز	خارج شدن، حمله کردن
تخریب	از بین بردن
ترانزیت	حمل ونقل اموال تجارتی
تراکم	زیاد شدن
رحم	رحم کردن، مهربانی کردن
ترسا	عیسوی مذهب، مسیحی
ترویج	رواج دادن، رونق دادن
تزیین	زینت دادن، زیبا ساختن، آراستن
تسمیه	نام گذاری، نام نهادن
تشریف	بزرگ داشتن

تصریح	آشکار، روشن
تصویب	به راستی ودرستی امری حکم کردن
تعرض	دست درازی
تمدن	شهری شدن، مجازاً تربیت وادب
تمیم	یکی از انصار
التهاب	درد و رنج
تهی	خالی
توالی	مسلسل، پیهم، پی درپی، پیاپی
توسن	سرکش
توشه	ذخیره
تکافو	کفایت نمودن
تکثیر	زیاد کردن،

ج

جام	ظرفی از طلا و نقره که در آن آب می نوشند.
جهت	طرف، جانب
جهل	نادانی
جوار	همسایه گی، پهلو
جواز	اجازه دادن

چ

چرخ فلک	آسمان
چلچه	غچی، پرستو، یک نوع پرنده

ح

حبذا	خوشا
حزن انگیز	غم و اندوه
حشمت	بزرگی وعظمت
حصادی	درو کردن

خ

خدشه دار	زیان رساندن، ضرر رساندن

خسارت: زیان بردن

خصایل: خصلت، خوی، عادت

د

درخشان: روشن

درنده: وحشی

دساتیر: جمع دستور

دلپذیر: پسندیده

دلیر: شجاع

دهر: دنیا، روزگار، زمانه

دیار: سرزمین، محل ومسکن

دیو: موجود خیالی مراد از آدم های وحشی صفت

ذ

ذایقه: حسی که به وسیله آن مزۀ غذا ومواد دیگر درک می شود.

ر

رحمت: مهربانی، شفقت

رمق: تاب و توان

روحیه: احساس

روستا: قریه, دهکده

رکن: عضو عمده، جمع ارکان

ز

زار: بیچاره

زینت: آرایش، زیبایی

زیور: آرایش، زینت

ژ

ژرف: عمیق

س

سادات: بزرگان

ستون	چوب سخت وبلندکه آن را عمودی در زیر به جای پایه به کار می برند.
سخاوت	بخشش، کرم
سعد	نیکو، خوب
سفالین	کاسه وکوزه گلی
سقوط	افتادن، فرود آمدن
سلطنت	پادشاهی کردن، حکومت کردن، فرمانروایی
سناتور	نماینده در مجلس سنا
سیاح	جهانگرد
سیمین	نقره یی

ش

شامعه	یکی ازحواس پنج گانهٔ انسان که بوها را درک می کند.
شاهراه	راه وسیع، جادهٔ اصلی که محل رفت وآمد زیاد باشد.
شاهرگ	رگ بزرگی که خون را از قلب به سر و مغز می رساند.
شرافتمند	بزرگوار، باشرف
شغب	فتنه و آشوب
شفاهی	زبانی
شفیع	شفاعت کننده
شگوفایی	پربارشدن
شمه	مقدار، اندکی

ص

صادرات	اموال تجارتی که از کشوری به کشوردیگر ارسال شود.
صاعقه	آتشی که از رعد وبرق شدید تولید شود.
صداقت	راستی ودرستی
صعود	بالا رفتن
صنع	آفریدن

ض

ضرب المثل	مثال زدن، مثال گفتن
طایر	پرنده
طراوت	شادابی، تازه گی

ظلمت	تاریکی

ع

عابرین	اشخاص پیاده رو
عافیت	تندرستی، صحت کامل
عالم	دنیا، جهان
عجم	غیر عرب را گویند.
عدم	نابودی، نیستی
عرش	بلندی، معراج
اعطا	کرم و بخشش

غ

غرس	کاشتن، کشت کردن
غلیان	جوشیدن.

ف

فاقد	عدم موجودیت، نبود
فخر	بالیدن، نازیدن
فردوس برین	بلند ترین مقام جنت

ق

قاف	نام کوه افسانوی که سیمرغ برفراز آن آشیانه داشت.
قرون وسطی	قرون میانه
قلمداد	منسوب کردن، نامیدن

ک

کان	مخزن، معدن
کبار	بزرگ، کبیر
کبریا	دارای عظمت وبزرگی

گ

گران	قیمتی
گرای	میل کن، روی آور
گسترش	پخش کردن

ل

لاهوت: خداوندی
لایتناهی: بی پایان
لطف: مهربانی
لولو: مروارید

م

ماده: اصل هر چیز، مایه
مبتنی: وابسته به چیزی
متباقی: باقی مانده
مرغزار: سبزه زار، چمنزار
مُل: شراب سرخ
مؤسس: بنیان گذار
مُشک: مادهٔ خوشبو که در ناف آهو تولید می شود.

ن

نابود: نیست
نارس: نرسیده، نا رسیده
نافذ: نفوذ کننده، رسا، روان
نبوت: پیغمبری
نسیم: باد ملایم
نیلگون: آبی رنگ

هـ

همای سعادت: بخت و اقبال
همتا: مثل و مانند
همیدون: همچنین

و

واردات: آوردن اموال تجارتی از یک کشور به کشور دیگر
وجیبه: وظیفه
وجیز: کوتاه، مختصر
وسعت: فراخی، گشاده گی
وقار: سربلندی

فهرست منابع

۱ سلیمی، نیکنام، بابک، بهترین سخنان پند آموز بزرگان، زنده گینامه وآثار آنان، چاپ اول ۱۳۷۸، انتشارات سما، چاپخانهٔ گهر، تهران، ایران.

۲- آزرمی، سعید،نسیم معرفت، حکمت های ناب وعمیق در گفتار های کوتاه ودقیق، چاپ اول، انتشارات بین المللی الهدی، سال ۱۳۸۴. تهران، ایران.

۳- ناجی، احسان الله، مفاهیم، تاریخچه وویژه گی های حقوق بشر، کابل، اگست ۲۰۰۴ میلادی.

۴- جمالی، شمس الاسلام، پروژهٔ محیط تعلیمی سالم وعاری از مواد مخدر، چاپ اول، سال ۱۳۸۷ هجری کابل افغانستان.

۵- سنا غزنوی، محمد اکبر، گلستان لطافت، سال چاپ ۱۳۸۵.

۶- سعیدیان، عبدالحسین،دایرة المعارف بزرگ نو، چاپ اول، جلد (۱ -۱۰) ناشران، علم و زنده گی - آرام، چاپخانهٔ ایمان، جلد چهارم، تهران، ایران۱۳۸۵ هـ - ش دایرة المعارف آریانا.

۷- نایل، محقق حسین، سیری در ادبیات سدهٔ سیزدهم.

۸-عشقری، صوفی، کلیات صوفی عشقری، چاپ اول، انتشارات طلایه، تهران، ایران، سال ۱۳۷۷.

۹- اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، انتشارات طلایه،۱

۱۰-خطیب رهبر، دکتر خلیل، استاد دانشگاه تهران، گلستان،چاپ چهارم، سال ۱۳۶۶، انتشارات صفی علیشاه تهران ایران.

۱۱- صفا، ذبیح الله، گنج و گنجینه، چاپ دوم سال ۱۳۶۳ تهران، چاپخانهٔ کیها نک .

۱۲- ماهنامه های (سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس) سال ۱۳۸۶، ارگان نشراتی ادارهٔ، ملی حفاظت میحط زیست کابل افغانستان.

۱۳- زنجانی، برات، احوال وآثار وشرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ دانشگاه تهران ۲۰۰۸.

۱۴ - فرخاری، احمد یاسین، فردای دیروزین، انجمن هنر وادبیات افغانستان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، تهران ایران.

۱۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ دوم وسوم، سال ۱۳۶۹، چاپخانهٔ سپهر، انتشارات امیر کبیر، تهران ایران.

۱۶- شهنامهٔ فردوسی

۱۷- فرخاری، احمد یاسین، دستور سخن، شرکت پریس، چاپ اول، پاکستان،

۱۸- دستگردی، وحید، رسایل جامع خواجه عبدالله انصاری، چاپ پنجم، چاپخانهٔ مروی، تهران ایران ، سال، ۱۳۶۸.